

استاذي في الهندسة المدنية والعلوم الهندسية  
م.م. د. محمد عبد الحليم محمد



سازمان بیکتر در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

**بیکار**

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۰

با زده شدن شهر بورما سال گذشته،  
چکمه پوشان مسلح وابسته رژیم دد منشانه  
بهروستای "قارنا" حمله کردند و نزدیک به ۷۰  
تفرازیبیر مرد ۷۰ ساله تا کودک ۴ ساله را بخون  
کشیدند.  
بدست این جلادان، چمران مزدور اسلحه دانه و ذهن  
آنانرا موج تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی آماده کرده بود.  
اینک یکسال پس از آن جنایت هولناک، خلق قهرمان  
کردیکسر از "وعده وعیدها" دل کنده و مصمم است تا با  
مقاومت مسلحانه و بحق خویش از موجودیت و حقوق خود دفاع  
کند. مرگ سرجلادان خلق کرد، در ویرانه های بخون خفته قارنا

## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

- تب مذکور تبیین و تدوین همدیگر و جلسات هیئت ریزگای خیردهنگاه های  
و اسناد رژیم جمهوری اسلامی علیه کوششها و دعا هدین خلق، با هیئت  
رژیم را پیش ازین سرزنشها همان ساخت.
  - رهبری فعلی، دعا هدین هرگز بیعت خود را نداشت که تمام حقیقت گذشته  
دعا هدین را به نودها بیعت دعا و کافرها ای جوانان با رگوید. چرا؟
- صفحه ۷



یکسال از قتل عام در "قارنا" گذشت! ...

## فتوای حاکم شرع: "خون انقلابیون حلال است!!" صفحه ۲

|                                                                                 |                                                                             |
|---------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------|
| <p>باند بختیار،<br/>اشرف و اوپسی<br/>همچنان توطئه<br/>میکنند</p> <p>صفحه ۱۶</p> | <p>جنبش کارگری<br/>و بحراران<br/>روپیونیسم در<br/>لهستان</p> <p>صفحه ۱۴</p> |
|---------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------|

در صفحات دیگر این شماره:

|                                                                         |         |
|-------------------------------------------------------------------------|---------|
| معین فر: ساواکی نکستی!!                                                 | صفحه ۱۶ |
| پیرامون فاجعه گجراتان و تحریک نیروهای انقلابی                           | صفحه ۱۵ |
| موضعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سختی<br>تکرار با مجاهدین خلق (۲) | صفحه ۱۰ |
| سالگرد شهادت رفقا: حسن الادیبوش و رفعت افراز                            | صفحه ۱۳ |
| روزندگان و عسله رویونیسم و سوسال امیرالایسم شوروی (۳)                   | صفحه ۸  |

## نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

توجه کنید!  
فتوایی از  
آیت الله خمینی  
در تقدیس مالکیت

رستمکسان توجه کنند!  
کسانی که خانه و زمین ندارند توجه کنند!  
کسانی که اشتغال ندارند در جمهوری  
اسلامی جایی برای زمینخواهان و مفتخواران  
این ویرانه داران نخواهد بود توجه  
کنند!  
کسانی که فکر میکنند جمهوری اسلامی  
دعای این بخلورده عقب توجه کنند!

صفحه ۶

وزیرکار: یعنی ارفاق با بیانی...  
گویند لیسو سود ویژه، هیچ فوایدی ندارد...  
ما حتی تصور نمیکردیم طلب فساد برای کینه  
ما می آمدند تا با اطلاعیه به هم...  
آنها در هر کوبه بستان خود این کینه را  
باریدن خود را از این فساد بختیار میزدند.  
ما میبایست با توجه به اینک کارگران  
با لغو سود ویژه مخالف هستند، چه  
کسانی جز ما به داریان و کارگران با این  
سود را به کار رفتن ما واردند؟  
وزیرکار در خلال سخنان و پاسخ  
بشکرت که اگر نه کارگران سود و دستمزد  
برداشت نمیدادند و بیشتر میبودند!  
ما میبایست بطور قانع و گوارا  
خند میسوزانیم تا ما میبایست به داریان  
میبردند "نیت ائمه" و "ایالات فقهی"  
خویش را در این صورت، ما درست نمیدانیم  
که قرار است سود ویژه را که قسمتی از  
دستمزد است چرا که کارگران این را میبردند از  
باید تا بیانی آنکه سود ویژه را می رود؟

صفحه ۴

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



بوده‌ها به ما هب کثافتی که در آن رزم‌جیوه‌ای اسلامی قرار دارد. رعد برای آغای نهضت‌های ساحوا سرزده‌ای که به سروهای انقلابی و جا هرس رده‌ده، برای غیبت کردن بخرده انقلابی بوده‌های خلی و روشی کسب کردن رواج‌های اوانا ربح مهارت‌های نالهای کشته‌گاه در سکتی بوسا ل آخر، سببا در معرض دروغ‌ها و لحن برآگشتی‌ها و آلودگی‌ها قرار گرفته است و شب بوده‌ها محال خوان یا همه ادو به خصوص برای روشن شدن وضعی که آیت‌الله خمینی در اوانا لیل سالی ۶۰ و بعد در خف سال ۶۷ داشت، مرا حادی و تربیت داده اما به خاطر آن که شایع است و رواج گرفته، شامه آیت‌الله ملاطحه‌ها اندکند.

★ ★ ★

۱۶- بطور مثال کاغذ است از برضی معا هدین خلق  
خواجه بود معا لیت افرادی را که در علمیات نظامی  
بهین مالیهای ۵۵ تا ۵۹ شرکت داشته اند منتشر  
نارید ، آسوقت خواهد دید که چگونه رفقای کمونیست  
ما جدا آنها کردند و ادوچه آنها کشیدند و اندر این  
علمیات مهم مالی دادند . کاغذ است از این سرداران  
بریده شود که شما بعد لیل نوشته رفیق شهید محمد علی  
فرزاد را در مورد جستن دانشوش و وظائف کنونی آن  
(دور رابطها علمیات نظامی علیه کار ددانگگاه  
صعنی (شریف) منتشرند از این دو اینکه شخصی از  
نویسندگان آن بریده منتشر ما خند ؟ بلی . شما حق  
دارید شما را ساد مربوط به این ما اینها را به معا هدین  
استاد دهید ، ولی این تنها نصف حقیقت است ، نصف  
دیگر حقیقت است که بوده ما بدانند چگونه این سند  
را نوشته ، چگونه و چگونه بی دروغان علمیات شرکت  
دارند یا نه . . .

مكتبة | مكتبة | مكتبة

[illegible][illegible]

اما آنچنان فراتر نماند که او را مونس گشود و آفتاب  
بود که بسیاری از هواداران جوان مجاهدین خلق با  
آن روز بروز عهد میبندد. آنها چند ماهی از آن رنج خسته  
با زبان خورده و از آن رزق بی مزه ای که با آن میخوردند و  
از زبان و رسم از موسیقی ایرانی ای شنیدند و  
میخواستند و بسیار دیگری مجاهدین علی بن ابی طالب و نسیم  
گفتند. همواره از رقص همه حقیقت به هواداران و  
اعضای جوان خود متذکر گردیدند. و در بسیاری  
نوازه به صرف آنگاه برداشته اند. این رهبری روح  
با زمان و راد وجود میبندد. از آنکه فلاسفه این رهبری  
منطق و هیولانند فلاسفه کرده. چنان و آن بود کرده اند که  
گونا گونی که میبندد و هم اکنون در مکتوب  
مجااهدین نیستند. از آن روح این با زمان و کلا در حقیقت  
تقلای با اتمای گذشته. هیچ نهی این نگردانند.  
و دهها شهید انقلابی میبندد. دهها عضو و کارکنان  
مجااهدین خلق که در زمان و با کار خود و زمان به باز  
تقلای ادا میبندد. تا دوستی با دشمنی و یک دهه  
مجااهدین و از راه کرده و با پیروی ما رکن میبندد  
سنگرانه برای رها می نشاند و کارگر. این نشاند با هر  
انقلابی. - مناره کرده و میبندد. هیچ بوده اند و یک  
بدر (عصر نیمه روز و انقلابی شان. - که گفته اند) «پرو»  
نمیتهای چپ با «می» میبندد. رهبری تقلای  
مجااهدین هرگز تبلیغ خود نمیدانست که ما حقیقت  
گفته با هدایت را به بوده با این به و کارهای  
جوانان با رگود. این حمله همین چقدر گونا گود که اگر  
فلاسیای خود میبندد. این با مباحث افراد دیگر خورد میبندد  
خود میبندد.

وہی مجا ہنس جہ جابل گڈنہر میدا ہند  
 ایدہنہا آتہا رمی گویدہنگا قہا لہا و  
 سا رات برخی رقہا را کہ روزہا راجوہ سسک  
 سا رمان کوسختی اہما روزا نہ مہ ہدیہ ہسرد  
 دیکری۔ ہدیہا جہ جہد۔ سسکت مہ ہند۔ مہوہ ہا  
 رادہا سدوا مغلاروسی ہدکریا ہی سیم۔ (۶)  
 ترکومہا جل ملت۔ سسکت۔ مہوہا کرا کر



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

۷۱

**پیکار**

xalvat.com

بها ۲۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۹

۱۷ شهریور:  
نقطه عطفی در  
انقلاب دموکراتیک  
و ضد امپریالیستی  
خلقهای ایران

صفحه ۱۶

گرامی باد  
خاطره  
شهدای  
جمعه  
سیاه

از نش دست پرورده امپریالیسم آمریکا، دیروز  
در میدان شهدا خون خلق ما را بر زمین ریخت  
و امروز در کردستان ...

سولون پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# دومین کنگره سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که با دستاورد های بزرگی همراه بود، با موفقیت برگزار گردید

دومین کنگره عادی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مدتی قبل کار خود را شروع کرده بود و هفته پیش با موفقیت به کار خود پایان داد. در این کنگره اساسی ترین مسائل ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی بطور مبسوط و مشروعی مورد بررسی و بحث قرار گرفت و پس از طی عبارات ایدئولوژیک لازم در باره آنها تصمیم گیری و قطعنامه صادر گردید. کنگره در پایان کار خود مرکزیت جدید سازمان را که عهده دار رهبری سازمان تا کنگره بعدی میباشد انتخاب نمود. بنا شد که در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در باره آنها قطعنامه صادر گردید و تشریح و تفسیر شد.

۱ - ارزیابی اوضاع و احوال جهان کمونیستی

۲ - ایران و انگلیس آن در سازمان

۳ - ساختار جدید ایران و مرحله انقلاب

۴ - ارزیابی سیاسی ایران و کمونیستی و چشم انداز آن

۵ - مسئله وحدت جنبش کمونیستی ایران

۶ - رویکرد و سیاست ایران با آمریکا

۷ - رویکرد و سیاست ایران با شوروی

۸ - ارزیابی و رویکرد ایران با آمریکا

۹ - ارزیابی و رویکرد ایران با شوروی

۱۰ - جنبش کارگری و وظایف مبارزه با آن

۱۱ - مسئله در منطقه

امپریالیسم آمریکا  
باز هم در فکر  
کودناست

صفحه ۲

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس  
آن در نیروهای سیاسی ایران

• نگاهی به موضوعی رو به توسعه و نیروهای کمونیستی  
در برخورد به حوادث اخیر لهستان

صفحه ۱۴

اخباری از کردستان،  
سرزمین حماسه ها

صفحه ۵

کانون  
شوراهای اسلامی  
پلی تکنیک  
را بشناسیم

صفحه ۳

هشدار نسبت به  
یک ترور نافرجام  
در تبریز

صفحه ۴

در صفحات دیگر این شماره:

• مباحثه با رفقا حسین روحانی و نواد حسین پیراگون  
بنام آیت الله خمینی در نجف طی: ۱۵/۳/۵۳ (۲) صفحه ۱۰

• نگاهی به مباحثه تلویزیونی مسئولین و: ارت کار با نمایندگان  
گروهی از کارگران درباره لغو سود و بهره (۲) صفحه ۱۳

• ۳۰ میلیون تومان برای امل، برای فلسطین هیچ! صفحه ۱۶

• خاطرات یک سرباز (۲) صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۲)

شواست با کمک آیت الله بروجردی جلوی نظامی هراسی را پس نوع را بطور کامل بگیرد و موضوع اشغال فلسطین در ایران با سکوت شرم آوری که تا حدی باطل توجیهی تحت تأثیر موعظه‌گری آیت الله بروجردی بود روبرو شد. آیت الله بروجردی برخی از طلاب جوان پس - جمله سزا - فدائیان اسلام را که خواستار شرکت در جنگ فلسطین بودند از قم بیرون کرد و آنها در همین رابطه مدتها جرأت با رکعت به قمار نیا فتنه.

از سوی دیگر در حالیکه جنبش دمکراتیک خدا عیر - با اینست خفایای ایران علیه منطقه امپریالیستی های انگلیسی اوج گرفته و خواستار ملی شدن منابع نفت بود. آیت الله بروجردی نه تنها از آنها شیدان خود را وی کرد بلکه حکم (۱) ملی شدن صنعت نفت را که یکی از مراجع درجه دوم است آیت الله محمدنظی خواستاری که بطور رسمی گرایشهای ترقیخواهانه داشت داده بود.

با دهکای ارتش سخنرانی میکرد و برای منحرف کردن افکار عمومی ارتقا با ی سیاسی، مبالغه‌ها شت را که از لحاظ سیاسی برادر دوقلوی رژیم شاه آلتی درست امپریالیستها بود علم نمیکرد و با طرح یک نقطه خرافات میکوشید مردم را متحول کند. آقا ی فلسفی با سپهبد زاهدی و تیموربخشا رفقا ماندار نظامی شهران و با - شما نقلیچ رشتن ستا دارش دوست نزدیک بود. با ایند بر سر چه کسانی از افغانی مزدورانی چون فلسفی میخرسند؟

- - نقش روحانیت در زمان آیت الله بروجردی شافع شود آنها و رژیم را چگونه بود؟
- - چه کسانی کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را به نام "سازگاری" میکنند؟
- - کتابهای مدکونستنی را که جایزه مطبوعاتی بدان تعلق میگرفت چه کسانی می نوشتند؟

فلسفی های سورزوای درون طلب خوان را سرترا جانی تکفیر سرکوب میکرد. فقط برای فتیال میگویم کسند در سال ۱۳۲۷ (۱۳۲۸) همزمان با تأسیس دولت غایت اسرائیل و اشغال فلسطین موج مخالفت تندی در کشورهای منطقه چه عربی و چه غیر عربی نظیر پاکستان هندوستان و غیره ایجاد شد. نظامیات در گرفت و توده های سیاسی را خواستار شرکت در جنگ علیه امپریالیستها شدند و لی در ایران رژیم شاه

### در حاشیه مصاحبه

شیخ محمدنظی فلسفی و اعظمی معروف که این روزها نیز - هما میگذشتند - به فغانی نگیه کمونیستها و نیروهای انقلابی می بردا و جندی بیش همرا - و با گروهی در زمان آیت الله خمینی ملاقات کردند. کسی است که علیه صدق و به شافع شاه موضع داشت و در حدود ده سال کودتای آمریکا ۲۸ مرداد دیسود او از سال ۲۵ به بعد با دربارت حقوق از رکسی ۲ در



"حجت الاسلام شیخ محمدنظی فلسفی و اعظمی معروف در خدمت سپهبد زاهدی با مل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۲۲ و نخست وزیر کودتا."

در تمام گذشته بعنوان مقدمه به تندید عملیات مدکونستنی و تدمعا هدیسی بویژه پس از خبری آیت الله خمینی در ۴ تیرماه اشاره کردیم. در آن سخنرانی ارتش و دولت را زور فغانی ما با آیت الله خمینی به عنوان نماینده گسان با زمان ما هدیسی خلق ایران در سال ۱۳۵۰ پس - ده سال - آمده بود. معاصره ای که ما با رفقا سرباب حق شناس و حسین روحانی در این سار - ترتیب داده ایم در این شمار و جند شمار دیگر ملاحظه میکنید.

پیکار و جمعیت را با سوانی از رفیق تراب آغاز میکنیم که قبل از سال ۵۰ نیز آیت الله خمینی آشنا شد و شما چه توضیحی را پیرامون آن نمائید برای خوانندگان شما مفید میدانید؟

تراب رفیق ایرپرادا حسن به تاسی که ما در نجف با آیت الله خمینی در سالهای ۴۹ تا ۵۳ بعنوان نماینده گان ما هدیسی خلق را ششمینبار است به رسمه آشنا شدی خود ما روحانیت در آنجا قبل از آن اشاره کنیم چرا که از جمله به اعتبار همان آشنا شدیها با زمان مریانه نجف برای شما فرستاد.

ما به آیت الله می با روحانیت به محیط خانوادگی و آنجا شدی که در قم تحصیل میکردم (۳۹ - ۴۶) و نیز به مبارزات سالهای ۴۹ تا ۴۲ و پس از آن به سیر کرد. من در مدتی مذهبی بزرگ شدم و از دوران کودکی در کنار تحصیل در دبستان و دبیرستان با قرآن و تفسیر الهامه و کتب مذهبی و ادبیات عرب مأنوس بودم. بسیاری از خوبان نزدیک من از علمای معروف قافا (چهرم لار، شیراز) هستند. به تدریس هر چند از طریق و غف وسعدا سزار سغانی شنی کرد و زندگی فقیرانه ای عمدتاً از راه پرورش دام می گذراندولی با فرهنگ مذهبی روحانی بسیار مأنوس بود و علاقی و پیوندهای مذهبی و عملی جدا نه به دستورات دینی در بین ما شکل خیلی قوی وجود داشت.

اکنون با یادآوری مجدد ظرات و اطلاعات تسم از سال ۳۰ به بعد می توانیم این نکات و ملاحظات بطور بسیار مختصراً اشاره کنیم:

آیت الله بروجردی پس از وفات آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۲۵ بر سر تدریس و جمعیت فرا گرفت و بتدریج دیگر معتمدین رفیق را با پشتوانه و حمایت رژیم شاه از میان برد کرد و در آن روحانیت شیعه فرا گرفت و به تدریس در ایران از فتوا لیسوم نظامی فلسطینی و با فقه کا و تدریس و عقب مانده ترین افکار اجتماعی حمایت و در واقع آنها را با بندگی میکرد. بلکه با نفوذی که در برخی دیگر از کشورهای منطقه نظیر عراق و شبح نشینهای خلیج و پاکستان داشت تا آنجا که سیمواست ما منع حرکتی انقلابی و ترقیخواهانه آنها نیز میگردد. در واقع نقش آیت الله بروجردی ما شش دهی بود که ۱۵ سال تمام (۲۵ تا ۴۰) به تدریس توجیه افادات مدخلی رژیم شاه و ترکانیهای امپریالیستی های انگلیسی و آمریکا می متحول بود بلکه هر گونه مدای حق طلبانه و حتی تجمد

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



حل و فصل برخی دعاوی، چند ماه پیش، به امپایان فرستاده شد. در سال ۹۵ به استیضاح صریح ادها، حتی تا آنکه آنرا از امپایان به عراق می بردند (و به عنوان یک وسیله تبلیغی، منبع رژیم، ویکاگردانی با واک، در شهر - های ایران می جفا دهند، رفت و آمد، دلیل آن را در برابر استیضاح اعتراض آمیز من چنین آورده که "مگر ما باید با ادها راهی رژیم معا لغت کنیم؟"

راسی که آنجی کمونیسم را می جرفوظ بهدا می سورژواری و امپوایا لسم و عا ل ای نه دارد، این حقیقت هدر گذشتن است نه و هم پین از این بیش اریش سر توده ها روشن خوا هدد.

جعفریخانی نیز بر روی (نما بندگان مجلس خبرگساران - سوریز) و پستی و موسی اردبیلی موسی صردو... می - گویند: اسلام را مناسبت با اشرارهای سورژواری، به زبان رور توجه کنند و با مثلا زبان انگلیسی منی - آموخته، دنگا، درباری و عا کمیت می جون و جریای سورجری جان منجر و لغت ما به، بود که حتی انسان را! را بیکار منع میگردانند و ارجحیتان تمام "مکتب اسلام" با سردی و با بکوت سورجری رور میوند!

این نما بندگان سورژواری متوسط در جوره های دیسی، منتهای آرزویشان آن بود که با مطلق ایدئو - لوزی اسلامی شان را بریان روز، بریان تحصیل کرده - های دانشگاهی و با جاشی برخی کلمات خارجیسی

با بکوت گردد، فردا خبر پس از جندی خود، شرکت آیت الله دگا با نی همدار و ارات ملی ندن نفت - هما نظور که صدا میم - جان از اینگاه مرتجعانه - ای بود که به آبی پس از بنگال همگاری با معدنی به همدینی با امثال دکتر مطهری، با و دیگر نوگزان انگلیسی و آما ده کردن زمینه برای کودتای ۲۸ مرداد تبدیل شد، در این باره معلق زبان دی در تاریخ ایران وجود دارد که بهای خود با بد برای توده ها روشی شود، روعا بیت شیع (باستثنای معدودی که چنان نفوذی در بین مردم پیدا کنند نظیر آیت الله طالقانی و آیت - الله سید را رجانی و چند تن دیگر) در دست سربس - لحاظی که در آن سالها بر توده های میهن ما گذشت (نظیر کودتای ۲۸ مرداد، استغاد فرار داکتر سیوم استغاد دیمین بغداد، دیمین سنتو، کشتارهای سسی - حباب توده های کارگران و رجمندان و رور و شنگران مترقی ملی، سالهای ۴۰، جز بکوت و مسا ثات با رژیم شاه جرحا بیت را بنگاه اجتماع می خودشان یعنی فتودا - (سیم) که جز این هما نظار نیست (کار دیگری نه است سساری از مردم خویشی بهما دد رند که روعا سسسون درباری نظیر آیت الله سید محمد بهیانی و ووا مطلقانی مثل فلسفی چگونه علیه معدنی و سسنع شاه موضع داشتند

و در جرحا ددها ماف کن کودتای آمریکا، ۲۸ مرداد بودند، پس از کودتای آمریکا، ۲۸ مرداد، روحا بیت غموما از اینگاه کنور با مطلق بدست کمونیستهای افاده خونخوار بود... داستان نظامی که افراد منجم به توده های و جشی بودن را دستگیر میگرد، زمانه کمی - خواست با لاجرم آنها را آزاد کند، با بهما را به تعهد عدم فعالیت سیاسی و قسم و وفاداری به نظام شاهنشاهی و دین حسین اسلام، از ستم رکنای یک روحانی عکسی گرفته بود و موضع میبروند که آیت الله بیرو جری با راه انداختن یک درباری مثل واتیگان در قسبه ریخت و - با نی میلیونها شوما پولی مشغول بود که از سوی فتودا لیا و نجا بریزد (که حاصل دستبرخ و عسکندان بود) به صد و شش هزار بر میند و اطرافیانیش مانند "حاج احمد" به سران به داران و هل داران بزرگی تبدیل شده بودند، بسیاری از روزگاری درباری را جاری که میبیل قدرت حکومتی فتودا می بود در "دربار آیت الله بیرو جری در قسبه میبیل، حتی مفتخوران و با دنجان دورقاب چشپاشی تمام اصحاب استغاد" (۲) مرکب از مافوران آیت الله وجود داشتند و بدست استغاد نمونه از هم گویم که آیت الله بیرو جری در حالیکه فریب ۹۰ سال از عمرش میگذشت دست به سبک شایان خوشگذران، زن جوانی را به عقد خود در آورد، و با مطلق "تجدد فراش" کرد، این دختر جوان را پدرش که گویم با یک مالک بود "تذریک سید جلیل القدر" کرده بود!

اما مؤسسه گری آیت الله بیرو جری در برابر برخی حرکتها بیجده خواهی در میان روحا بیت و مافوران چگونه بود؟ حرکت جا میبروند توده های طبقاتی سسنع سورژواری، انگاس خود را در میان روحا بیت و حوزه های "علوم دینی" در تلاش برخی از روحا نیون برای فراگیری با مطلق علوم جدید می یافت، گمانی ما مانند امریکار،

(۱) - در فرهنگ شیع "حکم" از "فتوا" است - هیست بیشتی دارد، بدین صورت که تنبیت از فتوا برای همه الزام آور نیست ولی تنبیت از "حکم" برای همه جشی دیگر مجتهدین ضروری است - (۲) - سوای آنکه از مجتهد میبود و از فتوایش را طلب میکند استغاد، میگویند و منظور از اصحاب استغاد جمعی است که به بررسی و تدوین فتوا نزد بیرو جری می - پرداخت.

- - چه کسانی مانع تظاهرات ضد اسرائیلی در سال ۱۳۲۲ شدند؟
- - در قاصده سالهای ۲۰ تا ۱۳۴۰ حوادث مهمی که به وقوع پیوست ملی شدن صنایع نفت، ۳۰۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، استغاد قرار داد کنترسیوم، پیمانیهای بغداد دو سنتو... موضع آیت الله خمینی چه بود؟

### موضع آیت الله خمینی چه بود؟

خوب، تا به خواهدید آید که موضع آیت الله خمینی در آن سالها یعنی سال ۴۰ چگونه بود و آیت - الله خمینی در برابران همه سرکوبها و فاجایمی که در کشور جریان داشت، در برابر بیکاری نسیرون و طاقی شاه، از یکطرف و مرجعیت بیرو جری از طرف دیگر در برابر استیضاح و با غت درباری و بیرو جری با درباری رشا و ووا مطلق ای کمانی ما شند تا شمع ما تلک رصع (الله شاه)، صدرا لا شراف (رئیس مجلس شاه و حسانه معروف با شاه) و اردشیر ادهی و... که بهما میبیس شهران و لغت و آید میگردند و خود را که برای "شیم و شیک" بدست یوس آیت الله بیرو جری میرفت، در برابر سرکوبانی که پس از ۲۸ مرداد و با طوطی طوطی شاه از سوی آیت الله بیرو جری به شهران ارسال میشد چه بود؟ موضع آیت الله خمینی در قبال کودتای شاهانه ۲۸ مرداد و عوسر سسها و اعدا مها و انباشتن رندا آنها چه بود؟ تا اود بر ابرخواست مهمی نظیر انتقال فلسطین ملی شدن صنعت نفت، کشتار ۳۰۰ شیر، تا سسها واک، کودتا، استغاد فرار داکتر سیوم و سسها در قسبه دست - آوردهای میارزات مردم رجمش ملی نفت استغاد و پیمان بغداد و پیوستن ایران به اردوگا آمریکا و انگلیس که آنها هر وقت ما بل بودند می توانستند در ایران تیر و سسها ده کنند، استغاد دیمین سنتو، کشتار کارگران گوریز خانه ها در سال ۳۸ و دهها حادثه دیگر چه میبونی داشت؟

در جواب با بدیگویم تا آنجا که من اطلاع دارم آیت - الله خمینی در اوارد و در رشا تا و کتانی بنا میگشت اشرار "نوشته که در آن برخی مؤسسه گریها علیه او داشتند است. این کتاب پس از رشا تا و کتانی ۴۰ یعنی قریب ۲۰ سال حتی مخفیانه تجدید چاپ شد و کمتر کسی از آن اطلاع داشت، در قبال ۲۰ سال تا ریح ایران (از ۲۰۰۰ تا ۱۳۴۰) آیت الله خمینی با آما موضع سکوت داشت و در برابر همه فحاشی که در آن سالها گذشت و جده دیمینه بیست به آنها آید که در نیمه اولا موضع ما رزه جونا بهای ندا شد است، تا سال ۴۰ آیت الله خمینی فقط یک مدرس مهم و معروف حوزه قم بود، در آن زمان سس طاق و برخی مدرسین تجدید طلب حوزه قم، بیرو جری علیه

بمان کنند و مثلا با فلان مؤسسه اروپایی یا آمریکا می که در باره "حقانیت اسلام" تحقیق میکند و او ده داشتند با شد، بهشتی و مجتهد تیرسی (استغاد) سسده فلسفی مجلس (که بعدا به آلمان رفتند و موسی صدر به لیسان و ججت الاسلام توری که "نما بنده" ما "درا اروپا است و کمانی دیگر، از آن زمانها خود را برای نما بندگی سورژواری در میان روحا بیت آما ده کرده اند، سسده - هادی خبرو تا می "نما بنده" ما پدر و زارت را شاد میبیس و عده ای دیگر نیز از این دست هستند، جا با است که - این گروه از روحا بیت آما از سوی آیت الله تیرسنداری که از همان زمان بهشتی متکی به سورژواری بزرگ و وجوهات نجا تیرسری با زارتهران و سسرو... بود، حمایت میبید، تیرسنداری برتا بهای مشعده در هس جا روجوب پیدا کرد، منجمه دارا التلیغ سسها بود که ای گراف ادم نموده و مجمل ترین هتل قسبه می هتل ارما یسموان محل دارا التلیغ به چند ده هزار تومان (۴۰ سال پیش) خریداری کرد.

نکته سیمین که هسین جریان با مطلق ترفسی - خواها به که ده قفا ما بهشتی سورژواری داشت سسندار - جناحهای سستی و لغت ما به می توانست با اندیشه - های کمونیستی با مطلق مبارزه کنند و از این لحاظ و طیفه حامی سسده داشت - نمونه ای از ما رزات آنها با افکار کمونیستی را ذکر میبیم:

ما آمریکا را ملاقا مله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ کتاب "فلسوف نماها" را منتشر کردند و سسده ها سسره سلطنتی شونا چند سال پیش که چاپهای مجدد آن منتشر میگرد به عنوان "افشا ر" روی آن نوشته میبید "برنده جا به سلطنتی" برخی نظری هر زده دست یگا رند و کتاب "روشن رشا لیم" را که علاوه طاقی شوشه بود با ورق ارجاب در آورد، از سوی محافل دینی در تیران نیز تیردی شاد میگردند! الحسین کاف کتاب دیگری منتشر کردند، و ججت از کمونیسم که ده قفا و حشست طفا با استغاد رگا و طیفه که رگروا بدو لوزی آنسرا می رساند، این صرات را با رژیم شاه و همدا کرده و به دام آن انداخت، فقط برای نمونه میگویم که آفا ی ما آمریکا رمنشاینده مجلس خبرگان و عوسه ججا سسده مدرسین حوزه قم و کسی که به عنوان "نما بنده" ما "برای

در حاشیه مصاحبه سید زبیر اسبقی کتاب "تیمت دومهده روحا نیون"  
تألیف علی دوانی - قم ۱۳۴۱ - مایوریم تاریخ تلگراف مهر ۱۳۴۱ (میلادی):

## در حاشیه مصاحبه:

### تلگراف حضرت آیه الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

#### حضور مبارک اعلی حضرت همایونی

پس از اهدا و تحبیت و دعا باویری که در روزنامه هامتشر است دولت در اینجتهای ایالتی و ولایتی اسلام را در برای دهندگان و منتخبین شرط نکرده و بر آنها حق رای داده است و این امر موجب نگرانی علماء اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکتوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام آرامش قلوب است مستدعی است امر فرمائید مطابق را که مخالف دین است مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از پیرامونهای دولتی و حزبی حقیق نمایند تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان شود.

#### الداعی روح الله الموسوی

میکردند و استندها یگا هی میا بنده مطرح شوند، رتد بورزوازی کمبراد دور و رونق گادنی که چندالسی در ایران وجود داشت آیت الله شریفی در آنجا که سنگی به برما بنده را ن متوسط و بزرگ بیوزنه تجارتیانی بودیم و آن مجتهد موردا احترام این افترا و بیوزنیم تا هدر آوردی برای برخی افترا رتحت ستم یعنی خیده - بورزوازی ستمی، خمینی ستمی و بنا بنده منافع فاسق طبقانی بود خرد بورزوازی ستمی تدبیر از سوی سرما به - داری و استنه خیا نش تهدید میشد و سرما رز جدی و غیره - رفرمیستی را طلب میکرد اما انارما نیگه نه مانده ای از فقر و رنگا رنگ بورزوازی بطور موقت به او اجسوده - بورزوازی ستمی (میر سیدبا احتیاط جلوس ستمت، ولسی وفتی دیگر کار دینه استخوانش میر سیدحتی گا هسسه حمایت از فعالیتها ی مسلحانه مجاهدین نیز میریداحت.

ادامه مصاحبه میا تفصیل بیشتری به حوادث سال - های ۴۰ و نقش روحانیت می برده و ده که در شمار آینه خواهد خواند.

که بهای نه برار شدن بوده های متوسط و فقیر و ستم - دنده خیا بهایا تدبیرا مخراد و سرکوب حتی توده ها از سوی رژیم و از جه گردید و آیت الله خمینی برای توده ها - ها بصورت را دیگا لتوس رهمه هسی در آمد - ثلاث - های رژیم برای تسخیر و ستم کردن او و علم کردن گمانی ما تند شریفی و غوثی و سیریه محسوسیت خمینی وضعی ترندن با یگا وکسیا میا ستم شریفی درای گنه با یقه بیستری از خمینی دانستند انجا میدهم خمینی را در موقعی فاطما محالقی فرار داد که نمونه اتی سخن - رانی تدبیرا و در سال ۴۴ بر سر نموب، گا بیخولا ستمون (محمیت فضا ش میستار ان آمریکا ش) توسط مجلس بود حرکت ما رز و حوا نه آیت الله خمینی از سوی دیگر مراجع عمدتا با سکوت واکرا و روبروند. مثوالها حربه خوردند و در سیم عده بورزوازی کمبراد دور و رسل بند و گمانی مثل آیت الله حاج آقا حسن قمی (مقیم مشهد) که دینقا از با یگا حمایت از فتوود الهیه مخالفت با نا بهر خا ستم بودند علمبرم فرب ۹ سال تبعید در کرج چون از یک جریان اجتماعی تقریباً مرد و حمایت

گناهای درسی که گاه و بجا تا لیب آنها نه چندند - سال قبل میر سیدبا بنده و ستم بر سر ما دعا و کتسب درسی یعنی که متشکک با بنا روز اینا رنور و رازی با بنده صورت یک حرکت جدی در آمد و بنده و نی آیت الله خمینی در را بطفا ضمن کار ضمن این ستم بر سر ما ستمی گشت و عقب ما بنده میبند بود.

در درس اصول ستمی وجود دارد و ستم - و اجبا منظور از این بحث این است که معلوم شود اکثر کاری "واجب" است اعتلا هم (با مقدسه ش) (سوار هوا - سیماتن) هم "واجب" است با آیت الله خمینی ولسی می - خواسته ایی بحث را برای شاکردن شروع کند که ستم بوده ایی بحث "نه بدرد دنیا می خورد نه آبرو! ولسی چون بعدا این بحث را دانه اندامان را شروع می - کنیم و ستم ما ستما موقت چند ستم بر ما است این نصیه که بقول خود شریفی دردی نمی خورد و کوفتمی بود...! در آن سالها که آن همه فضا با در ایران جریسان داشت آیت الله خمینی به ایی بحثها و نوشتن کتاب - ها ش منجمله ۴ کتاب در باره "دیانالان" (خو نه های غیر و فاسق و استخاضه) معمول بوده است. کوبا حفظ در قبال حکم اقدام موب صوبی سرد و سردی را ستم و را سوبی به ملاتی برای شوکتی را از اعدا ما شیا کرده بوده است و سوبی هم را ستما و ستم بوده که اکثر آنها را اعدا می کنند و اقل با لیا می روحانی آنا ستم را اعدا میکنند (مسا د اعدا م شود) که منظور همند اما بی از مرگ بورزوازی را و اقل سال ۴۰ و طرح

سالها املا با ارضی آمریکا تا که سوبی درای از موضع فتوالتی شافعی رنده و دینا ستما و اراجرای آن شوکتی کرده بود آیت الله خمینی ستما و اراجرای آن ستمی روحانیون علیه املا با ارضی فاسقون لیحن - های آیت الله و ولسی و شرکت زان در استخاضات و... به مخالفت علمی با اقدامات دولت ستم است. مخالفت آیت الله خمینی با اراش تلگراف فاسق و علم (بحث و زیر و رفت) که مصوبی انگلانی نهادت شروع شده جدی لحن او از دیگر مراجع حتی ستم بر سیم بود.

شهران با استخاضا رها گشت سرما به داری و استنه و ستم و شوکتی اندکی قبل از آن خرد بورزوازی ستمی چهار لحاظ اقتصادی و چهار لحاظ فرهنگی خود را در معرض نا بودی میدید. این مسئله طبعاً عکس العمل ستم را ش و حتمی نه او را علیه طیفه میرا ستمی و کمبراد دور و در آن آنها تا ستمی انگلیس - و ستم بندگان سیاسی - مذهبی خرد بورزوازی خوانشها و نظرات طبقانی خود را در ستما و مواج خوش ستمی میکردند و فاسقانه و در ستم ستمی میا رزانی می - گشتند. یکی از رهبران مذهبی که توانست در این عرصه نقش ایفا کند و نظا خرد بورزوازی و نا جدی رتحت - کتان را به ستم خود جلب ستم آیت الله خمینی بود که تارهای را دیگا لتوس میداد.

بوده های ستمی بهایا توجه به ستمهای اقتصادی و اجتماعی خود را بطرف و فرهنگ مذهبی از سوی دیگر به ستمی روی آوردند که برخلاف دیگر مجتهدان (که کار با سکوت و ستم را رزیم بود) با ستما بهایا - گرد و پنی ستم آیت الله خمینی بعنوان رهبر مذهبی و سیاسی پذیرفته شدن ستم در با لیا ۴۱ و ۴۲ بعنوان مرجع تقلید ستم را مطرح کردند. دستگیری او

## مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی



سازمان پیکر در راه آزادی طبقه کارگر

۷۲

۳۴ صفحه

**پیکار**

xalvat.com

بها ۲۵۵ ریال

سال دوم - دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۹

## در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۹ صفحه: بر گردانست رفیق شهید کاک فواد، میناق وفاداری به زحمتکشان
- ۱۶ صفحه: در مورد شعار نویسی - قابل توجه رفقای هوادار سازمان
- ۵ صفحه: خاطرات یک سرباز (۳)
- ۹ صفحه: تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۲۹ تا ۵۳ (۳)
- ۴ صفحه: کارگران مبارز هائیل قاضیانه خواست ۲۰ ساعت کار در هفته راه اجرا در آوردند

## << دولت و مسئله مسکن >>

در طول چند سالی که از آغاز انقلاب اسلامی در خاستگاه ۵۶ میگذرد مسئله مسکن بعنوان یکی از دردهای پشیمانی زحمتکشان همچنان بهرامش ندهد است. خوش ها رنگ جوشهای نودهای منحل شده برای حل انقلابی مسئله مسکن اینجا و آنجا هنوز بهر روز میگردد است. پس از فضا مبین سیزده حرکات ادامه یافت. تا هم نود ها نسبت به مسکن هشت حاکمه پس از فضا مبحث گردید که در طول چند ماهی از عمل مستقیم و مستقیم نود ها سراسر سراسر پیگیری در سطح ۱۴

## آیا فعالیت مائو اکنون آزاد بوده است؟

کارگران مبارز "ایرفو"

عوامل کارفرما را اخراج و نماینده اخراجی خود را بسر کار بازگردانند

۳ صفحه

در هفته های اخیر در شهرهای مختلف کشور، از جمله آبادان، خرمشهر، اهواز، امل، قاشمتهرو...، یکی پس از دیگری احکامی از طرف "داده سرائی انقلاب" صادر شده که طی آن فعالیت علمی سازمان مائو همراه چند گروه و سازمان دیگر با مطلق تا تعیین تکلیف آنها توسط مجلس، منع، "فانونی" میشود. و فنانسی "داده سرائی انقلاب" آبادان و خرمشهر برای اولین بار چنین حکمی را صادر نموده، فاعلی و فاعلیاتی در مقابل خبرگزاری که پرسیده بود آیا "داده سرائی انقلاب" فعالیت دارد میسن، فانونی را علیرغم فانون اساسی وضع نمائید؟ گفت گسه پیگیری در صفحه ۲

## روزهای خونین در کردستان انقلابی



۵ صفحه

تفتیش عقاید در استخداام معلم: نشانه وحشت از آگاهی توده ها

۲۴ صفحه

گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق فلسطین در سپتامبر سیاه

۲۴ صفحه

"انتقاد از خود" رهبری فدائیان (اکثریت) آنها را بیشتر افشا میکند

۱۲ صفحه

کودنای وساند امپریالیستی در ترکیه

۱۸ صفحه

اعتصاب ماهیکیران در فرانسه

خلق قهرمان شیلی بیامی خیزد

اعتصاب ۱۶۰۰۰ کارگر معادن پرو

مبارزه انقلابی ۷۰۰۰ کارگر معادن قلع در بولیوی

۱۸ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۳)

بها با: اتفاقاً در این گفتگو، شما به عنوان یکی از افرادی که در آن زمان در نجف حضور داشتید، با آیت الله خمینی دیدار کردید. این دیدار چه تأثیراتی بر شما داشت؟

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم. این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

- کتاب کشف الاسرار نوشته آیت الله خمینی، مستند ترجمه مطهری است؟
- آیا خرده بورژوازی میتواند انقلابی بیاید؟
- روحانیون بزرگ چه موضعی در قبال تأملات ما داشتند و چگونه برخورد کردند؟
- آن زمان چگونه جواب دادید به آیت الله خمینی بنویسید.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

بها با: این دیدار برای من بسیار مهم بود. من در آن زمان در نجف بودم و با آیت الله خمینی دیدار کردم.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

برست که آشکده های ایران را تجدید کرد، میدان و میگوید که حالا همپروان او آتش پرستند و با در صفحه ۹۹ عبارت گبران زردشتی ملوک و محوسان آتش پرست بکا رسده است ولی امروز که چنین حرفی با توجه به نکات تاریخی و رند آگاهی های توده ای، غربداری ندارد، قانون اساسی جمهوری اسلامی جا را است و انعتیم همپیمان زردشتی را با اعتقاد است دینی شان برسمیت نشاند.

آیت الله خمینی، امروز از ۲۵۰۰ سال جنایت شاهان یاد میکند و آدم کشها و مفاذ گوناگون رژیم سلطنتی را برسمیت نرساند اما بهم جوهرش نمی کند که چرا در این کتاب از نظامی که شاهان در این

اگر ره کردیم بیشتر در زمینه های غیر سیاسی بود کتاب گفت الا برای آیت الله خمینی هر چند عمدتاً به اشیا ت حفا نیست و زنده بودن شاهان اسلامی وظایف دور از توجیهاتی نظیر آنچه گفتیم می بردا ز دولتی بینش آیت الله خمینی و نقش روحانیت از نظر او را در آن سالها بخوبی روشن میکند.

من کتاب را با خود دارم و آنجا که لازم باشد، برای اینکه گاملا مستند حرف زده باشم آنرا برای شما از رو میخوانم: آیت الله خمینی در این کتاب سخنانی دارد که امروز برخی از آنها را عیناً تکرار میکنند نظیر ولایت فقیه و برخی دیگر را مسکوت میگذازد یا برخلاف آنها عمل میکنند اما هیچ انتقادی نسبت به مواضع گذشته خود نگذاشته است. مثلاً در صفحه ۵۹ زردشت را "مشترک آتش

همچنین در "رساله های عملیه" که محتفدین منجمله آیت الله خمینی نوشته اند، هنوز آکا موقوفات منس مربوط به دوره برده داری و روابط بین برده و برده دار وجود دارد ولی عملاً بدلیل آنکه مرحله تاریخی آن دوره بسر آمده و مصرفی برای آن احکام دیده نمیشود، بداهتاً عمل نمیکند و در عمل الفاظ را - علیرغم ادعایان - بذرفتنه اندیشنی از یک طرف و از نین دوره برده داری را در نظر میگیرند ولی در عمل فاشون سرما به داری را با با ده میکنند. در باره این مسئله شواهدی از قرآن هم وجود دارد که از آن میگذرم.

در اینجا ذکر اس نکته را لازم میدانم که کطرح اینگونه مسائل از طرف ما، سبب در شرایط کنونی، بهم جوهر یعنی آن نسبت که ما به نصف وجهه دیگر غیر ارفاد افلاک در بر سر افلاک میگیریم. ما بخوبی آکا می داریم که در بر سر افلاک و اذ خلق و کلتبه سروهای افلاکی و عدا میرا لسی را با طرح مسائل اخراعی و علم کردن معنی ما مدعی داریم ما بل غیر مدعی ها، به معرفه یکسان. ما نسبت به دانی سوطنه نیاری کا مل داریم و وحدت سروهای افلاکی و وحدت امیرا لست و عدا سر ما به داری و اسامه و دیگر اسگ را با ما هم موا با داری میگیریم. بلان کومبسی و افلاکی ما برای روشی کردن الفاظ تاریک و معانی غیر علمی که در دهی بوده ها را دور از آنها میبری به معانی ساده موضع لسی ما را در مقابل حکیم و وحدت سروهای افلاکی علیه امیرا لست و سرما به داری و اسامه استوار بر روش سرما را.

### در حاشیه مصاحبه

## شادباش آیت الله بروجردی به سپهد زاهدی نخست وزیر کودتا

نقل از اطلاعات مورخه ۱۳۳۲/۶/۱۰

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله العظمی بروجردی

بسم الله الرحمن الرحیم

این نامه از طرف ... به ... زاهدی ...

بعضی از آیت الله العظمی بروجردی فرستاده شده است.

معرض محترم حضرت آیت الله العظمی بروجردی دام شاه

بمرض عالی و بر سرانده بنامیت حلول عید بهر خم که بزرگترین اعیان

مذهبی میباشد تبریکات خالصانه و در انجام خدمتی که به میباید و معذور

دین حنیف اسلام و حقه مبین و رفاه مردم بر حسب امر مقام شاهانه بهمیده

دارد از انقاس قدسیه آن پیشوای روحانی بزرگ باری مقام.

سپهد فضل الله زاهدی

این نامه در جواب نامه آقای نخست وزیر از طرف حضرت آیت الله

العظمی بروجردی با اظهار کمال عنایت و مضموناً نایب ایشان واصل

گردید.

بسم الله الرحمن الرحیم . جناب آقای سپهد فضل الله زاهدی نخست

وزیر دام اجلاله

بمرض میرساند. مرقومه محترم که متضمن تبریک عید غدیر که اعظم

احیاء مذهبیه است واصل گردید مرجو آنکه خداوند عز و شاه جنابالی و ا

در انجام وظایف دینی که در آن موقع خطیر بهمیده گرفته اید اعانت فرموده

و عامه مسلمین را از برکات عید سعید بهره مند فرماید.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته - ۱۹ ذیحجه ۳۷۲

حسین الطباطبائی البروجردی

ک سر تیمپ و سه سر هک بدو جه سر لشکر

به مطالبهای دیگر در رابطه با فلسف و المعاطیر میگردیم: در فواشی که آیت الله خمینی چند ما پیش ما در کرده و در سبک را ۷۰ آمده موسیقی را با طلقا حرام دانسته ولی عملاً محصور است آنرا به سر دوتا مطلق "اسلامی" اند. رندونکا مل سولندی هرور ترک ریان در مقابل تل اصنافی را احاب کرده و محفدین علیرغم مسلمسان با گریز بر ترک ریان در اصناف و با حسن با مطلق "حجاب اسلامی" را به سر دند در صورتیکه چند ما ل بین بهنج فیممی مثلاً حاصره ها شد ترک ریان در اصناف بهمیده. (روح کندی به لشکر آیت الله خمینی به تا ده ریا ل ۴۱ - پنجا و ۷۱) آنها اگر الفاظ سبب حسب: در ریا لسیا بر معنی "الغروه الوفی" که آنرا یکی از محفدین بزرگ در مروطه نام محمد کا طقه بری سوسه و با ورمی رن به آن در حدی لا ترس مزاج دسی (مثل آیت الله خمینی و بر معمداری ۱۰۰۰) است. و سنا ل بین با ورمی محفدین معروف، در سهران بخد جا به ده، در صفحه ۴۲۲ نظر به محم میسوند:

آن دادن به مروتد اخلق سنا هیوت، کرد، سرت با دینه نیی و سروسخوا و فاش میگوید و با بسد است... "به کتا رهم" و رن این معاف سوچه کند! آما محفدین عا لیمقام "که سنا را س اسدالات مذهبی حسن احکامی را عدا کرده و میگویند، حاصره آنرا اسرور سنا بیان کند؟ هرگز! آنها با گریز بر سنا آن اصفا دات و احکا مرابا سوچه به سنا ریان در رگمید و عدا سنا را در سنا و رن و آنا فلسف اصفا دات قدیم سنا ریان جذبه حرافظ چیزی هست؟ او را س سوسه ها سنا رانست.

سنا کی را که بطور سنا ریح و مهرت و ارد آنها

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکردند، حزب جمهوری اسلامی ولیبرالها و رویونیستها از او بیدریغ حمایت میکردند

کدها و اثل سالهای ۴۰ هجری با غربی-خوردن فتودا لیس، با بیعتی بورژواشی به مسئله مرجعیت شیعه نظر کرده همین موضوع تبعیت دستگاه روحانیت از کسانی که خرج آنان را تا مین میکنند "بنفعلیل ذکر کرده که آنرا از روی کتاب برای شما میخوانم: "مهمترین نقیضی که در دستگاه رهبری دینی ما ... بوجود آمده مربوط به پیوند و معاش و نظام مالی و طرز ارتزاقی روحانیون است". (مفحه ۱۷۶) و درجای دیگری گوید:

"روحانیت عوام مذهبا چاره‌ای ندارد از اینکه همواره سکوت را بر منطق و سکون را بر تحرک و نفی را بر اثبات ترجیح دهد زیرا موافق طبیعت عوام

● آیا سکوت اغلب مراجع طی سالهای سپاه گذشته، ناشی از "موقع سنجی های معجزه آسا" بود؟  
● ما بخوبی آگاهی داریم که رژیم میخواید هدف و ادخلی و کلیه نیروهای انقلابی و عوام میریایستی را با طرح مسائل انحرافی و غلبه کردن مفسی بنا نموده‌اند. ما در مقابل غیر مذهبی ها، به تفرقه بکشا ند.

است. حکومت عوام منشأ رواج بسخود و صوری و محامله و نظام هروکتمان حقایق و آرایش فساد و برداختن به هیکل و شیوع عناصر و القاب بالا بلند در جامعه روحانیت مانده که در دنیا بی نظیر است". (مفحه ۱۸۵)

جالب است که سکوت بسیاری از روحانیون بویژه مراجع طی آن سالها را امروز دستگاه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان زیرکی ها "موقع سنجی های معجزه آسا" می پندند که بیهوده، وقتش نبود! آری، تا سال ۴۱ که روحانیون بزرگ و مراجع عمدتا متکی به فتودا لیس بودند و آیت الله آنها با رژیم متفاد دی نداشتند وقت مبارزه هم نبود. آیا بهمین دلیل نیست که تا ریخ مبارزاتی میهن ما از نظر رژیم جمهوری اسلامی از همان سال ۴۲ شروع میشود که آیت الله "ما رزه" را "جایز" شمرده اند؟ و همان حرکت خودشان را میدان تا ریخ ساخته اند؟

با همین تحلیل، به سالهای پس از ۴۲ نگاه کنیم. آیت الله خمینی با مجموعه موانع طبقاتی و بینش فکری خود، شما بندگی خرده بورژوازی مرفه ستی را بعهد میگیرد. این فترت در برشرا نظام کمپرادوری زندگی خود را در غمری سیندوبه مخالفت با هیئت حاکمه برمی خیزد و از آمریکا که امپریا لیس مطلقا ست شدید آرزو داشت اما آنقدر پیگیر نیست (و نمیتوانست باشد) که بطور انقلابی، کل رژیم وابسته به امپریا لیس تا و خا را از زیرشوال ببرد، شروع عملی منصور (نخست وزیر) در سال ۴۴ و سخنانی مؤثر و مبارزه جویانه آیت الله خمینی علیه نفوذ و زافزون آمریکا و لایحه کاپیتولاسیون، برجسته ترین تلاش های این فترت آن سالهای غفلان و سرکوب است و در سالهای بعد که بتدریج در اثر سرما به گذاری های خارجی و افزایش پول نفت از خوان یغای سرمایه داری وابسته به خرده بورژوازی مرفه ستی و بویژه تجار ریساز ار سهمی از آن ساط میرسد و رژیم متواتر در همان قالب سرمایه داری وابسته تفاقا تا اقتصاد و سیاسی خود را - هر چند بطور موقت - حل کند و هنوز بهین نیست

بقیه در صفحه ۱۲

برای مملکت از همه بدتر بود زیرا دل شده از دولت بوا سطه فترت ها وسیع عدالتی ها رنجیده است و دولت با دل جریحه دار مردم نمیتواند از مملکت خود (?) دفاع کند لکن اگر نفوذ روحانیت بسود مردم مانند صدر اول اسلام وارد عمل میشدند و مملکت با دست و حقوق و روحانی و دل گرم از خود دفاع میکرد یا دیگران را بر سرگ خود درمی آورد، این یکی از خطاهای دولت بود و هست."

حرف آیت الله روشن تر از آنست که به نفس سیری احتیاج داشته باشد، و روحانیت را در واقع برای مرهم گذاشتن بر "دل جریحه دار مردم" سازش دادن آنها با رژیم - که چیزی جز یمنعنا ی تحقیق آنها نیست -

قرار داده شده اند دفاع کرده است. آیت الله خمینی فراروا نیون را - که خود به طبقات مختلف اجتماعی سته اند و بر اساس با یگا و طبقاتی شان با رژیم ها و ات ستمگروا ستمنا رگر سر خورد کرده، با آنها سازش با رزه نموده اند - بهیچوجه مخالفت با رژیم نمیدانند. رفحه ۱۸۶ کتاب: درنا کید نظر خویش مینویسد: "مجتهدین هیچوقت با نظام مملکت و با استقلال ممالک اسلامی مخالفت نکردند و فرما که این قوانین را برخلاف دستورات خدا می بدانند و حکومت را جابرا نه (ظالمانه) تشخیص دهند با مخالفان با آن نکرده و نمیکنند زیرا که این نظام مپوسیده را با ز بهتر میدانند از نبودنش. و لهذا حدود ولایت و حکومت را که تعیین میکنند بیشتر از چندا سر نیست. از این جهت فتوا و فتاوت و دخالت در حفظ مال صغیر و قاصد، و در بین آنها هیچ اسمی از حکومت نیست و ابدا از سلطنت اسمی نمیبرند. با آنکه جز سلطنت خدا می همه سلطنتها برخلاف مملکت مردم، و جو را ست و جزا قانون خدا می همه قوانین باطل و سیهوده است و ولی آنها همین سیهوده را هم شما نظام مپتری نشود تا سبب گردد محترم میشمارند و لغو نمی کنند."

آیت الله خمینی در شرایطی که اغلب روحانیون با رژیم سلطنتی هنوز با یگا و طبقاتی سی یعنی فتودا لیس مدارند و دلیل برای شروع رژیم سلطنتی دست نشانده و منی سیهود و رتوبیه تیدا زنگاری مراجع و روحانیون بزرگ با رژیم

نخه ۱۸۶ و ۱۸۷ همین کتاب چنین مینویسد: آنها (روحانیون بزرگ) با این نیمه تشکیلات (رژیم) هیچگاه مخالفت نکرده و با سی حکومت را بخوا سندی بهم بر سنده و اگر کسی میخواست سلطنتی مخالفت کرد، به مخالفت با همان نمی بود. از با آنکه بودن او را مخالف ملاح کشور تشخیص دادند و کره با اصل اما سی سلطنت تا کنون از این طبقه مخالفی ابراز نشده بلکه بسیاری از علما بزرگ عالمیما در تشکیلات مملکتی با سلاطین همراهی ها کردند و مانند خوا جه میرالدین و علامه حلی و محقق ثانی و شیخ بهائی و محقق داماد و مجلسی و امثال آنها و هر قدر هم دولت با سلاطین با آنها بدسلوکی کرد و سیهود آنها قنار آوردند با زامل اما سی تشکیلات و حکومت مخالفتی از آنها بروز نکرده، تا و ریخ همه در دست است و پشتیبانی ها می که مجتهدین از دولت کردند در ثواب ریخ مذکور است اکنون شما میخواید دولت را به آنها بدین کنید و این نیست جزار سو' نیت و فتنه - انگیزی و تفرق کلمه و ایجاد فتاق و ازین سدرن وحدت که ما سی حفظ کشور آن است ...

آیت الله خمینی در این کتاب از اینکته ها دای وائی نظیرا دارا و ارتش و مدارس و دوره و رضا اسس شده و در واقع رتد بورژوازی وابسته را ه سازی کرده و این امر مستلزم محدود کردن نفوذ نیون و گونا ه کردن دست آنان از امثال و کث در ت بوده تا راحت است و می نویسد:

اکنون هم اگر مشکلاتی برای مملکت پیش آمد کند مجتهدین از وظیفه خصمه خود میاندکند که تواقع کنند و با دولت در مو تمعنا ی با ریک همگاری کنند از خطاهای که در این دوره های سپاه (منظور دوره رضا شاه است) در این مملکت شدی که از سیهودا لیس بود و سلب نفوذ روحانیت بود که این از



بقیه از صفحه ۱۱ مصاحبه ...

سیاسی - اقتصادی دچار شده است، تنگانی در بین این قشر است میکند، مدت زمان کوتاهی این قشر از مجاهدین خلق پشتیبانی محدود می نماید و عناصیر بیثرونی از آن در همین رابطه دستگیروندانی می - گردند عناصیر عصب مانده نری نیز در روابط محلی و فعالیتهای مبارزاتی نظیر تکثیر اعلامیه ها و کتابهای آیت الله خمینی و غیره دستگیر میشوند. اما بطور عمده و اساسا آنچه هست با مبارزه برای گنده گارگران است که بدلیل ضعف تشکل و عدم رهبری انقلابی، سریعاً و شدیداً سرکوب میشود و با بصورت مبارزه گروههای روشنفکری است که با نطری رفرمیسم به مبارزه مسلحانه چریکی روی آورده اند چه با گرایش مارکسیستی یا گرایش رادیکال مذهبی (مثل مجاهدین) و این وضع تا حدود سال ۶۸ که جنبش توده ای در مبارزات "خارج محدود" شروع شده بود، ادامه دارد. آیت الله خمینی از سال ۴۳ تا با شیز ۵۷ در عراق بسر برد و تنها از اوائل سال ۵۷ تحرک قابل توجهی در مبارزه از خود نشان میداد و گرنه در مدت قریب ۱۳ - ۱۴ سال بهمان دلایلی که اشاره کردم، مبارزه آیت الله با رژیم شاه نیز در حد اعلامیه ای هر چند با ۵۰۰ تن همبستایی خاص تجاوز نمیکرد. در اینجا ضروری است به موضع او در مخالفت با سلطنت و استبداد شاه که طی آن سالهای سیاه مرقیانه بوده و با لطیف کمونیستها از آن حمایت میکردند نیز اشاره کنم.

این بودنگاتی که در این فرصت کوتاه در معرفی کتاب کشف الاسرار نوشته آیت الله خمینی و مطالبی در حول و حوش آن در جواب شما میتوانستم بگویم. ادا معذور.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۵

# پیکار

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

## در مجرای دیگران انتشار

■ مصاحبه با رفقا حسن روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۲۹ تا ۵۳ (۲) صفحه ۸

■ روزندگان و مسئله روزیونیم و سوسال امیرالاسم شوروی (۷) صفحه ۱۶

■ با جنم باز در افق خونین کردستان - خاطرات يك سرباز (۶) صفحه ۶

■ جنگ، پوششی برای استثمار بیشتر کارگران صفحه ۳

■ پاسخ به نامه ها صفحه ۱۹

# جنگ ایران و عراق و سیاستهای دفاع طلبانه

رهنمود به رقفا،  
اعضاء و هواداران!

راجع به وظایف  
عملی مادر قبیل  
جنگ ایران و عراق

رفقا! در شرایطی که با گسترش جنگ رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق می -  
کوشند با استفاده از احساسات میهن -  
پرستانه توده ها، "شوینیسم" را در میان  
آنها راندن بزنند، در شرایطی که  
رویز بوشنیشا کمزگرمست به سورژوازی و  
دفاع از "میهن سورژوازی" بسته اند،  
در شرایطی که برخی از نیروهای انقلابی  
و کمونیست نیز دچار رتوهمات شوینیستی  
گشته اند، آری در این شرایط توضیح  
ما هیت این جنگ و علل خودداری از شرکت  
در آن و یکونگی تبدیل آن به جنگ علیه  
ارتجاع امری ساده نیست. آرا پس رو  
نمایش و ترویج مواضع سازمان در رابطه  
با جنگ با بدیعت زبیرا شد:

بقیه در صفحه ۲۲

## جنگ برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی جبار می آورد

۷ صفحه

## نگاهی به موقعیت اقتصادی و وضعیت زندگی زحمتکشان عراق

۲۰ صفحه

پیکار

ارتش کوردانی و شبه خورنگان شاه برای  
جنگ ایران و عراق بقدت فراخوانده میشوند

مستشاران و مشاوران  
کوردانی و عربی  
کوردانی و عربی  
کوردانی و عربی

مردک بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

روند جنگ ارتجاعی ایران و عراق و  
روشن شدن اهدافی که هر دو طرف در گرو  
جنگ دنیا ل میکنند، هر چه بیشتر عا  
موقع گیری آن نیروها می که این جنگ  
را محکوم و تحریم کرده اند، در عمل به  
اثبات می رسد.

ادامه برادرگشی، ادامه تبلیغات  
کاذب میهن پرستانه (میهن سورژوازی)  
هر دو طرف، اهداف و جزا را نه ای که  
هر یک از دو طرف نسبت به یکدیگر دنیا ل  
میکند، از یک طرف ادعا می ارض می -  
برده و از طرف دیگر مدور انقلاب اسلامی  
و با در واقع تقویت تجربیات ارتجاعی  
و بسته بخود، گشتا رتوده های تحت ستم  
بوسیله میما ران شهرها (چه هوایی و چه  
زمینی) سرکوب نیروهای انقلابی داخلی  
به بهانه "افواگری" "تشیبهازی" و ...  
سبی در سبج توده های نا آگاه، بدنیال  
خود، زمینه سازی سرکوب آینده  
به وسیله تقویت ارتکابهای

بقیه در صفحه ۲

## عملیات قهرمانانه پیشمرگان پیکار در کردستان

۵ صفحه

## یادداشت های سیاسی هفته

۲۴ صفحه

گرامی باد  
سی و یکمین  
سالگرد پیروزی  
انقلاب کبیر چین

۱۱ صفحه

خبرنامه  
جنگ  
شماره  
(۱)  
منتشر  
شد

مردک بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مصاحبه با رفقا حسين روحاني و تراب حق شناس پيرامون تماس  
با آيت الله خميني در نجف طی سالهای ۵۳ تا ۵۹ (۴)

چنین است. یعنی وقتی شما به معنای راست می‌نگیرید در همین اصناف و نظایرات سراسری معنی می‌شود که معنی شما در کفر واقعی در ۱۲ اردیبهشت ۹۵ به‌یاد آمد. صیغه ماضی هم چنین رویتگران و دانشجویان را می‌گوید. در چهار جوب شماره‌های رفرمنسی و ناسی گاران را می‌رساند. صیغه ماضی تا شما می‌خواهید می‌گوید و برای نظایرات سراسری دانشجویان در دانشگاه‌ها رنگ می‌بخشد. صیغه ماضی صیغه ماضی صیغه ماضی است تا می‌خواهید را که تا از او می‌رسد و در هر جوب سراسری آمد. بطوریکه همیشه همه

حماس از فتوای آیت‌الله و کتوبت‌هاست. از سردر و سال شرکت  
بوده‌ها سودا است.

همزمان با برنامه‌ریزی برای اجرای اصلاحات در اوضاعی که باعث القاء و تحریک موضوعی فنون تبلیسی شد، در دوران اسناد موجود در آرشیو ما رسید به حدی که تصور نمودن اجرای دروزها به حدی صورت گرفته‌ای مطرح شد. در اسناد شماره ۳۹۹ اعلام کرد که: «انتخابات با آزاد است» و به عبارتی به جنبه تبلیسی آن اشاره داده شد که در انتخابات دوره سیم مجلس شورای ملی شرکت کند.

در سیمینای فلسفی اسی مباحثه برپا شد که  
- ساس بهنگا بی سورا مون موعیم آنت الفسده  
عمومی و علمی دیگر از وجوهیون بریک در فیل  
ماتل جرمیوما رگورانی سولن کد-  
همرا دای خلیل مجری ارا نگا و طفا بی آان  
آنا رگورونه حواد- آا رانیای ۱۳۹۰ رفسد  
آنگک دعاله مباحثه

سنگار: تعالیفات مراحم وزوجا سون سزرگ درواشیل  
دعیه: کهنایا سوز، خرداد ۴۴ هجری قمری  
حکونه شروع بدو سرعما بدو زمینیا سینی و  
ایضا دی واجعا درواشیل

[illegible]

اگر برای دیگران ۷۰ سال گذشت، حکومت کوه‌ساز و  
گسترش پیدا کرد و غذا و سرسبز و آب و شیرین و بهشتی  
جایی از بیطرف و حکومت و تسلط و حاکمیت و بال بر سران  
سیاسی و مذهبی از طرف دیگر شکست، کشور در سبزه  
دراز و جوان اقتصادی و سیاسی بود، بهار نشود ای از  
پاشی موجب اتحاد شکاف در بالا بسوی طبقه حاکمه  
نده، ضرورت بحث سیاسی محدود و یکپارچه در تشخیص  
اطمینان را برای جلوگیری از انفجار و سرزمین سازه  
تخیل ممنوع، انگ به برخی از واقعیت مهم اشاره  
کنیم.

۱- انتخابات با کارگري مستعد، مسجله‌ها، انتخابات ۲۰ هزار  
خبري کارگران کوره‌سرخانه‌های تهران که به عنوان  
گشده است.  
۲- سید مرتضی روز افزون وضع انتخابات و مسائل دور  
دست‌نبرد محو و سنان که به دولت مملکتی آن روز  
همین کار می‌رود و آن‌ها که انتخابات می‌رود.

۱- اعتماد و وسع دایستی مجوزان در برابر سال ۳۸ که  
آنطور که می‌آید مذهب آزاد را لغو شروع شد  
۲- اعتماد احرار و تنگ‌نظر حزب ملّیون (پسند  
رئیس دکترا فضل‌الله و حزب مردم ایران) با دلائل (علم  
و استخبارات) آن‌ها که محصور به باطل گردن آن شد  
۳- ضرورت اختلاف در موضوع آزاد مثلًا بین جمهوریخواهان  
(که سال ۳۸ بی‌ارکود یا بی‌ارکود در رطایب می‌توان بود)  
۴- آن‌ها که می‌خواهند برای بخش‌ها را خارج از کشورند

– تقسیم‌بندی کاسه ها و درکری درونی و زمین بین جناح  
و آینه به فتودا لها که بطور حسی با سبک انگلیسی  
همچو اشیاء باشند و جناح متعلق به روز و آری و آینه  
که آری آمریکا حمایت می‌دهد  
– و اما لایحه محترم زمین زنگوب مبارزات سرخستان  
دیده ها

اینها مجموعه‌های بسیار دیگر نشان می‌دهد که  
اوضاع جقدر بحرانی بوده است. در چنین اوضاعی  
روایاتون بزرگ اگر موعظه سیاسی داشته اند جز در

- در آواجرهای ۲۰، که عواطف بحران اقتصادی و سیاسی رژیم را نشان می‌دهد، مقدمات اصلاحات ارضی آمریکایی شاه، چگونه فراهم کرد و موضوع روهائون بزرگ چه بود؟
- آیت الله خمینی در سال ۴۱ رژیم شاه را "مستقل" ارزیابی میکرد و برای "حفظ استقلال ممالک اسلامی از آشوب و انقلاب" نامشروع.
- انتظار مردم در چه شرایطی متوجه آیت الله خمینی شد و این ناشی از کدام موضوعگیری بودند؟ تفسیر صریح اولیه شاه و آمریکا در سال ۴۳، همچنانچه تفسیر مواضع آیت الله با برخی از خواستههای انقلابی بود، به آراء آن زمان نشان میداد.
- کدام نیروها سعی میکردند برضای از انقلابی بود و آنها مبارزینند و آنها را در چارچوب اهداف و فراموشی محدود می‌دیدند؟ حمایت روهائون بزرگ منجر به آیت الله خمینی چه بود؟

رازی ایران که کاهن خدای رامنوچه خنی نام  
(به خطی) منگرد و از مدتی بعنوان پسر عیسی ملی  
نامش بود. موردی پیری خسته ملی قرار گرفت و  
دانش را عیسی نامید.

دوا و آخر ۲۹ و اوائل ۴۰ انواع افسامی کشور  
سایر ریواسی بود و جاح آمریکا شایرون و زس  
سورگودگی دکر علی امینی که قرار بود سطل کاغذ  
دعا به داری و استغفار از پورانه نظامی به خود اال  
به مستغفر گذشتن می کند با استغفار از انیس  
بخران دین را تحت فشار قرار داد آمریکا بعد  
پرداخت ۲/۵ میلیون دلار و حکومت دلعواء خود را به  
با و تحصیل نمود روی کار آمدن امینی و اتحاد حسن  
نسبتا آزاد تر برای نظرات سیاسی اصلاح طلبانه و  
تالیفات آمران را دیده است ۴۰ بعد تصمیمات جدایی  
آ را پس سر و پای سیاسی مخالف برجا نگذاشت  
سازارت ملی و در پیشانی آن دانشمندان استگاه  
به دسترس حلقه های مقاومت و دانشجویانی و انقلابی  
ریسی آنان با حکومت که کم فای کثیر نشود و  
رسمی حمله و جنایت های و پلیس به دستگاه بهر ان  
را اول بهمن ۴۰ سوسی عرب نشینان داد اندکی  
برای این واقعه حکومت امینی که وظیفه اش بخشی  
ماده کردن زمینه برای اطلاعات ارنی آمریکا شای  
با میبایان رسیده بود جای خود را به اذالیه تسلیم  
شود ال سر سیزدهای که قرار بود تبدیل به سرمایه دار  
استه شود سیردو و همچنان حسن ارنی و زس  
تلاوری امینی را که ما مورستغیم آمریکا بود برای

حسن گومستی که بی از میان عرب بوده و  
مروکوبی را رزم گودا: هور متواضع بود که مرا است  
کند عزا در حبه ساسی صورت داشت. روحا سون بزرگ  
موسمان دلایلی که در سمنهای خلی عا حبه کف ام  
دلایی برای محالیت با رزم اعمیدند. اس است  
که باور سون و سروی مخالف غر خد در سطح و رومی  
آن در موجودی ای "حبه ملی" و سروا ن مدی خلاصه  
مست با بدگو که در آن زمان عرب بوده اس از انچه  
ضربا ت و خا سنا و حبه فرا را حبه سار و هوم  
اوازی با رزم که اروی گمینه مرکزی در مگوو امان  
ترقی انا دا دود: علا در حبه میا ز رها سسی  
مورد است و ساری از عا سار میا رزم گومست و سس  
اغل سون دیگر ا تدهی ز رزم حبه ملی معا است  
اغل سون

معاونی - «جهه ملی» برای آغاز فعالیت اجتماعی، تشکیلات جهه ملی را شعار هدف جهه ملی است. این جنبه ملی است. اما گرد و دود را رنگاری شعبانی مویش مشغول جان نردن ما و زمین برای نداشت آوردن چند گرمی در مجلس شورای اسلامی گنریکی دوست و زاری می کنند. سال ۲۹ و انتخابات با صلاح آزادانه، منحرفه را و با فتن یک با چند نفر از جهه ملی منجمه الهی را - علاج آرگان به مجلس شد. علاوه بر جهه ملی - عناصر سرسبزده آمریکا مثل دکتر علی امینی و محمد - در بخش همگی را روی کار آمدن گندی در آمریکا جان و ما مورث آزادی یافته بودند و پیوسته و جهه ملی سیمی در مها کردن خدش خلق داشت و نه اندیشه ملی - نو و نه علیه خدش منبرده است. مثلاً محمد در خدش

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست







# صفحه ۱۰۰ خلاصه

آن زمان در زمين نوا نشسته بود گلبنه ميروهاى سياسي را با  
خفتى و با سرکوب سازد. تعداد زيادى در زندان و برخى  
ديگرو در حال تدارک نيزاي سنگيل سازمانهاى مخفيس  
انقلابى بودند. عداى آيت الله خميني تنها عدا شمس  
بود که ميتوانست عليه کار پيتولاسون بلند شود و رفته  
به همين سبب بود که رژيم شاه طي شوطهاى گه پينا  
سکوت رها پيتال ميگذاشتى مانند شريف محمد اري همراهِ  
بود. شيا نه آيت الله خميني را از قم رانده و را پينا  
هوا پينا از تهران به ترکيه و پس از چند ماه به عراق  
تسليم نمود.

(ادامه دارد)

xalvat.com



سازمان پیکار در راه آزادی طیفه کارگر

۷۶

**پیکار**

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

## در صفحات دیگر این شماره:

- مصاحبه با رفقا حسین و روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۲۹ تا ۵۳ (۵) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات نیک سرباز (۷) صفحه ۲۱
- حزب نوده و مسئله عراق
- تجسمی از بوفلمون صفی و ابن الوقفی! صفحه ۱۳
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۹

# تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی و جانشین ستاد مشترک ارتش کیست؟

صفحه ۸

## امپریالیستها و سوداگری اسلحه

لبنیس سگفت طفلیگری ارحله حوصیات امپریالیسم بوده و سوداگری تسلطانی یکی از موارد این طفلیگری می باشد. امپریالیستها برای اعمال شکری سیاسی - اقتصادی برای تقسیم و گسترش مناطق نفوذ و برای تا مین هرچه بیشتر سودهای کلان، تا گریه اعمال زور میسازند و یکی از اشکال این اعمال زور سوداگری کردن جنگ و با دامن زدن به آن است. برای تحقق اینسی امر کارخانجات اسلحه سازی امپریالیستی ایتر از این اعمال زور را فراهم میسازند و تسلطان امپریالیستی نه تنها در خدمت اهداف نظامی - کارانه متفهم امپریالیسم است بلکه علاوه متع در آمد سرشاری برای این خاندانها را بشمار می آید.

امپریالیستها (اعم از امپریالیسم آمریکا، سوویال امپریالیسم روس و امپریالیستهای اروپائی) از طریق سوداگری تسلطانی با لایه میلیاردها دلار جنگ میاورند. اگر اریکسون شخص بخش مهمی از بودجه نظامی به خرید اسلحه

مشتی از خروار: اشاره ای به جنایات بعثی ها در عراق

صفحه ۱۱

یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطا الله براننده را گرامی بداریم

صفحه ۵

پیکار

بمباران روز دوشنبه تهران، بار دیگر مردم را غافلگیر کرد. گزارش میزبان روز دوشنبه تهران

کشتار و زنی تواریس و... دستبرد جنگ ایران و عراق برای زمینکشان

جنگ غیرعادلانه چیست؟

صفحه ۹

## کارگران: قربانیان اصلی جنگ ایران و عراق

حکمی که اکنون رژیمهای ایران و عراق بر آید انداخته اند هر روز که میگذرد، دانه نیشتری خود گرفته و بیش از پیش، زمینکشان و توبیخه کارگران دو کشور را به بدبختی و فلاکت میکشاند. بنا بر حاله در طی حدود سه هفته جنگ ایران و عراق، با کتون خوبی نشان داده است که سبب کارگران دو کشور بیشترین مدعا را از این جنگ می شنود و کلمه عوارض نکتت با ر حک - نصیب آنها میگردد. حال به متفهم که کارگران در جنگ پس سرما به داریان دو کشور، چگونه قربانی میسازند. سولنه های امپریالیسم اهداف توسعه طلبانه و مدخلی رژیمهای ارتعایی ایران و عراق میگردند؟ سرمایه داران هر دو کشور، کارگران و زمینکشان و فرزندانشان را به جان هم انداخته اند.

سوسیال امپریالیسم شوروی تأمین کننده اصلی سلاحهای رژیم عراق

صفحه ۱۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

منافع واقعی نوده ها کاری نتوانسته اند اینها مددحتی درشوری هم مطرح نگردانند و جاره ای جز این ندارند. ما هیت طبقاتی آنرا وایدشولوزی آنرا جاره نمیدهد که با فرانس گذارد شود. امروز برنا مای مورد نیاز نوده هات که بتواند نیازهای جامعه را متناسب با مرحله کنونی از تاریخ تکامل حل کند. یعنی برنا به مبارزه جهت احاطه طبقاتی برنا لیسوا بحاد حکومت کارگران و زحمتکشان، دستگیری بسمت انفا، استثمار و سوسی جامعه ای که در آن طبقات ازین رفته باشد، مفهوم "بی برنا به" نبودن رژیم جمهوری اسلامی را در همین ماهیت ارتجاعی طبقه ما کم و عجزایدشولوزی آن برای حل مسائل

ما تکل استداشی خود را متکذرا بدواز حسد و طبقاتی وایدشولوزیک خودالیه نمیتوانست فراسر برد، روی این مسائل تا کنده میوریدیم، مسائل که نشان دهنده نوع برخورد و دستگیری فکری و مبارزاتی ما در آن سالهاست:

۱- "لبه تیرجمله با بد متوجه آمریکا و اسرائیل و عمل آنها در ایران با اندو مسائل حزبی نظیر انجمنهای ایالتی و ولایتی فاسیل طرح نیستند."

۲- "روحانیت مبارز و "حشش اسلامی" باید از حالت خود بخودی بیرون بیاید و ضروری است که تشکیلات داشته باشد."

۳- "در برابر دشمنان مردم" باید برخوردی

### (قسمت پنجم)

**پیکار:** رفیق تراب، شما در نشستهای پیشین مصاحبه موع روحانیون بزرگ منجمله آیت الله خمینی از شهریور ۴۰ بعد از اتراتی داشتید. همچنین از فعالیت روحانیون در اوائل سالهای ۴۰ و موع گیری آقای خمینی همزمان با ۱۵ خرداد ۴۴ و پس از آن تا نیمه دی و بهار ۴۵ از کشور بختن بیان آورده. آیا در ایران هم با آیت الله تماسی داشتید؟

**رفیق تراب:** از آنجا که من با آیت الله خمینی در نشست در سالهای ۴۹ تا ۵۳ به نمایندگی از سازمان معاهدین خلق ایران، اولین تماس من مستقیم من با آیت الله نبود. قبلا در سالهای ۴۰ تا ۴۴ چندین بار از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویان "نهفت آزادی" با معاهدین معروف وقت منجمله آیت الله خمینی ملاقات کردم. در آن زمان انجمن اسلامی دانشجویان یک نهاد دانشجویی با گرایشهای دمکراتیک بود. معاهدین خفیل نزادوس جز شورای مرکزی انجمنهای اسلامی دانشگاه بودیم و اعلامیه های ما دمکراتیکم انقلابی افشاریتوسد حامی در آن زمان رایجوس نشان میداد و بهمن لحاظ برای برخی از همفکران ما و سران نهفت آزادی تندروانه جلوه میکرد. ما در نهفت آزادی نیز همراه با جوانان پرشوری ارکا درها و اعضای نهفت بودیم که سیاست رفرمیشی رهبری را نمی توانستیم فهم کنیم و بهمن دلیل وقتی اعضای هیئت اجرایی نهفت در اول خرداد ۴۴ دستگیر شدند و فعالیت تبلیغی و افشاگرانه نهفت بهتده ما افتاد. اعلامیه های مریخ و تندی مشعلما علیه ما، ما نهفت ما در میگردیم که مورد انتراخی برخی از مسئولین نهفت قسرا می گرفت و لی ما به کارمان ادامه میدادیم.

این وضع تا اوایل سال ۴۴ ادامه یافت و من همراه با دوسه نفر دیگر با مشورت یکی از مسئولین نهفت و گاه تماس با زندان، به انتشار دفاعیات نهفتی ها در دادگاه، دورا اعلامیه های افشاگرانه، تدوین و نشر برخی جزوات مبارزاتی که مشعلما اصلاح طلبی را در میگرد و تا در مورد حمله فرار میداد و همکاری با دیگر نیروهای مبارز میبرد و غنیمت والیه ارکا درها باقی مانده و هواداران نهفت هم در این راه کمک می گرفتیم.

یکی از فعالیتهای ما که در کارگاههای تشکیلاتی ما انجام میدادیم تماس با روحانیون معاهد بود که در اینجا فقط به تماس با آیت الله خمینی اشاره میکنم. یکبار پس از خرداد ۴۴ با مقدراقابیل توجهی از دانشجویان انجمن اسلامی یک راهبیمایشی در فرم ترسیم دادیم و به منسول آیت الله خمینی که تازه از زندان چند ماهه آزاد شده بود رفتیم. در اینجا طی یک گفتواری نشست، نظرات همفکرانمان را برای آیت الله گفتیم. در آن زمان با وجود نگاه بدین مبارزاتی

### ● در سال ۴۴ از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویان مشورت آزادی چه پیشنهاداتی را به مراجع و هیئت آیت الله خمینی ارائه میکردیم؟ ما چه مراحل را پشت سر گذاشته بودیم چه منظور به پایگاه های فلسطینی و شد عراق سفر کردیم. هدف ما از ملاقات با آیت الله خمینی چه بود؟

مشعلما معرکونشی با بدجستجو کرد. معزی که ذاتی این رژیم است.

☆☆☆

پس از خرداد ۴۴ تلاش کارهای جوان و مبارز نهفت آزادی برای بیرون آوردن آن از رفرمیشی به دانش و تشکل معده، بحث ماند و بهمن لحاظ بود که پس از تشکل هتده اولیه سازمان معاهدین خلق ایران، من بدان پیوستم و جها یعنی سازمان را که اسلامی و انقلابی می داد است قبول داشتم. ما به مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و رژیم دست انداخته ها شین و رها شدی مردم و زحمتکشان میهن مان می اندیشیدیم و در ایران فعالیت میکردیم و مسلم است که بهشت و شعاع عمل ما از حیطه ما هیت طبقاتی مسا و شرایط جاکم برنا معمان نمیتوانست فراتر رود و نیز بهمن با به هم بود که ما برداشتهای مترقیانه ای از اسلام می نمودیم. من مدت یک سال از نیمه ۴۴ تا نیمه ۴۳ شما موقت به کار معاهد بود و ختم و مخفی بود و پس از پیوستن به سازمان معاهدین و چند سال فعالیت انقلابی در سکر معاهدین خلق، در آفروردین ۴۹ به اولین هیئت اجرایی این سازمان مرکب از معاهدین در سول متکین قام، یک رفیق دیگر و من برای مذاکره و برقراری تماس با جنبش مقاومت فلسطین و تدارک آموزش نظامی بطور قاچاق و از مرز جنوب، به خارج از کشور رفتیم و در نهایت آن ۹ سال تمام (قریب ۶ سال در تبعات آن) با به دستور سازمان در خارج کشور به وظایف انقلابی و تشکیلاتی خود مشغول بودیم.

انقلابی داشتند اصلاح طلبانه. البته خوانندگان پیکار اگر قسمتهای قبلی مصاحبه را مطالعه کرده باشند میتوانستند درک کنند که ما این پیشنهادها را در درجه سوسی مطرح میکردیم، جوی که رفرمیشی و تشکیلاتی بران مسلط بود.

۴- "ایدشولوزی و برنا به اسلامی بخصوص در زمینه های اقتصادی و اجتماعی مدون شده است" و در این باره ما از آیت الله جاره جوشی میگردیم. ما پس از ذکر تلاشی که خودمان یکمک گمانی امتال آیت الله طبقاتی، غفوری و نظری آنجا داده بودیم به آیت الله گفتیم که برنا به "جوانان مطمئنا در مقابل برنا به" های سازمانکات فکری (سرمسرا و روزمان) دارای نفس فراوان است و آیت الله در جواب ما گفت که "نه، اصلا چنین نیست، اسلام بسرا همه چیز برنا م دارد."

اکنون ببینیم این برنا به از چه نوعی است؟ این برنا به ما مرحله دیگری از تشکیلات تاریخی سکره دورانش سیری شده میتوانستیم منطبق با تدریسهای اسلامی برنا به دارند. اما مربوط به کدام زمان؟ گمانهای فقهی اسلامی (ویژه تفسیری) برای دوره برده داری و فئودالیستی خیلی هم برنا به دارد. از ادب حقین سکر تا معادلات و جزا، طی سالهای گذشته سوز و دگرگالی و نیمه اخیر بسیاری از ما ملاحظ متفکرین اسلامی گوشیده و در همان چارچوبهای فکری گذشته ما مسائل روز و کل مشکلات اجتماعی برخورد کردند. اما نشیعه ای حذر خازدن، جسز کیک به بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و ایحادتشیرواتی در سطح و روسا و تده در جهت

سیرمحتامضای نامه را شنید کرد و در من پرسید:  
خوب، من چه باید بکنم؟ من در پاسخ حداقل  
تفاعا را مطرح کردم و گفتم: فقط کافی است  
شما به عرفا پیغام دهید که خبری دربار نیست  
کرده اید که آنها خوش رزم شاه هستند و تحصیل  
فقه را موکول به اواخر بعدی از ایران بکنائید

و آیت الله عینی هم‌گرز کلمه‌ای در نادرست  
و غیر اسلامی بودن آنها به او گفت و می‌آید  
هست که همکاری در نوشتن گفتا بر سر آن برنامه  
و سررا دیود دیگری که بعدها بنام "روحانیون  
مبارک" بعد چند ماه - در نبود او - عرسال  
۱۳۲۲ خراج با همچنان ادامه داشت .

● چرا برخی از عناصر مبارزین الهی گذشته امروزه به قدرت رسیده‌اند، موضع ضد انقلابی دارند و مجاهدین خلق را "مخالف" می‌نامند و چرا دنیای بیرون تنها با مجاهدین همکاری داشتند بلکه از کمونیست‌ها نیز بخوبی یاد می‌کردند؟

که ما خود را با اعدای کسی کنیم." و اما چه کردم که این برادران در راه سفرهای با گناهای انقلاب فلسطین بودند و سر از با گناهای الفتح برداشته اندام -

در امروز به آیت الله ازادشولوزی ما پرسید و نه فرمت طرح آن برای او بود. آقای خمینی گفت: "اگر اعدای کسی کند ممکن است برای آنها زندانیان بدر شود!!" (من "بدر شدن" را نمی توانستم قبول کنم و گفتم: آنها را سر شکنجه شدید قرار دادند و در معرض تحویل نسل ایران هستند و کلی وی نه در آن نماند و نه بعد از آن، و آخر به هیچ گنجی به ما نرسید و چون اینکه گویند ترس از اعدای از ما ملاح انکالاب اعتقادی مادران رمان داشته باشد، البته چند روزی از ملاقات اول، آیت الله توجه دیگری برای این عدم موضوعی مطرح نمود و آن اینکه "میخواهد از برادرهای با گناهایی بگردد تا نفعی از انقلاب فلسطین برای آنان بدستال داشته باشد." واضح است که آنهم نمیخواستم، نفعاً از دولت عراق محبوب نمیداد و اما چه میکنم که آیت الله از اینبارانی - هر چند غیر رسمی - در عراق بیخود رود که مانع "تفاهم" بینشهای من شود. شاید این موضوع را در قسمتهای بعدی این مجله بیشتر بتوانم شرح دهم.

بطور کلی می گویم: آقایان خردمپروزان ها شی که تا دیروز بر اساس نیازهای محدود میانی تان گردما حلقه میزدند امروز که به قدرت رسیده و به خدمت نپروزاری درآمده اند از همین موقع خدا انقلابی علیه ما لجن پراکنشی میکنند، ما را "فریبکار" میخوانند و واقعاً ت چنین خونبار گذشته را در جهت منافع محدود طبقاتی خویش مورد تحریف و انکار قرار میدهند.

بازی شمس با آیات الله دادن اعتبار چشمش منحلله بشریات خودمان به به او ادامه یافت. آیات الله اگر معا هدین را تا شنید نکرد هرگز تکذیب هم متوانست بکند، چرا؟ پاسخ این "چرا" را سعدا خواهد داد.

(۱) خداوند اراد

انساند ما به سگ رسانی و اربانی می‌توانستیم بود. در سال ۱۹۹۰، مخفیانه به ایران برگشتیم پس از چند روز همراهِ ما گرفت ۱۰ سفر ابرار در آن محاکم و می‌توان راه‌های آنان دوباره بسته می‌تواند علی‌حده فارس رفت. در فردوم حدود یکماه همراه با محاکمه‌های محمودی می‌تواند در اربانی که در آن زمان مستقیماً مستقره انگلیس بود زندانی بود و بعداً ملاقات به لبنان و اردن رفت. در آنجا تعداد دیگری از ما هدیه کردند می‌آمدند من جمله شهید امیردین زاهدان و محمد بازرگان و رضا رسانی. فعالیت ما در لبنان و یوزده اردن تا دو ماه بعد یعنی تابستان ۱۳۷۰ میلادی طول کشید. بعد از ابرار در آن ماه که در آن می‌بودند در آن دستگیر شده بودند و ما زمان ثلاث خود را بکار بردیم. از تحویل آنان به ایران مانع شود. و در همین رابطه یک هواپیمای ایرانی که ۴ سرباز از رسانی ما را به تهران می‌آورد به سوله ۳ نفر دیگر از ابرار در آن من جمله رفیق روحانی رسیده و به بعد از بردن دولتی مقامات عراقی برادران ما را که با خبر نبودند خود را در خدمت می‌تواند فراوانند و در آنجا داشتند و نگه‌داشتن می‌کردند و احتمال داشت که آنها را به ایران تحویل دهند. امری که برای ما زمان مخفی ما در آن روز البته گران تمام می‌شد.

سازمان این بارشوی نجات ۹ نفراتهم  
از زندان بغداد با دستلاش میگردد. سفر من به عراق  
و ملاقات با آیت الله خمینی یکی از این تلاشها  
بود. در آبان ۶۹ من همراه با نامه ای از آیت  
الله طالقانی به آیت الله خمینی به سعید رفتم  
و با آشنائی و معرفی آقای دعاغی، نامه را برای  
آیت الله خمینی بدم. نامه مدتی بعد  
با جوهر نامه مرثی نوشته شده و جلد و روغلی از آن  
مخفیانه به خارج ارسال و به ما رسید. بعد آقای  
خمینی مرا بطور عمومی پذیرفت و کس دیگری در  
اتاق نشد. نامه مرثی را با ماده ظاهر کننده  
آن. جلوی آیت الله خوانا کردم و نامه آیت الله  
طالقانی را که بواسطه شناخت او از من است  
با نام تهیه شده بود به آقای خمینی دادم. نامه  
با آیه ای از سوره کاف:

«انهم غشوة؟ انما يريد الله ان يعذبهم» - يعني  
آسيا حواتي هستند که به پروردگارشان ایمان  
آورده اند و ما بردهایشان از خود ایم - شروع  
میشود (۱). نا مه آیت الله میخواست که به سر  
تحولت میدادند تا از تحویل برادران زندانی  
با از طرف رژیم عراق به ایران کردند آیت الله  
رمضان طینانی را که آقای طالقانی داده بود و

(۱) - آیت الله عینی در خبری از ۲ ترمه ۵۹ خود من ذکر آن قصه بنام آیت الله طالقانی را بر زبان آوردند به قرآن را تا به آخر خواند او متعجباً کلمه "آمین" را که "آمین" را آوردند "معنا میدهد و معنی آن بر اساس این است که آیت الله طالقانی "معنا حدیث" هستند، نخواهد (بمکمل)

آقای دعا شی که امروزه خیل مدافعان سوسی که کمونیستها و ماجاهدین را بر سر پای نهفت و تنگنبر گرفته اند بیوسه است و نژادهای انقلابی مادران سالها را «مناقبانه» نامیده است، خوب بیاد دارد که چقدر سی آنکه کسی - حتی آیت الله خمینی - منحوس بود، خودش در راه آزادی و جلوگیری از تکه تکه شدن ایران، ما گوسند و باز میسند که سرانجام، میان ما با الفتن و وساطت میساده آن سازمان، مانع تحویل آن برادران و آزادی آنها گردید. او میساش هست که چقدر از این موضع - کبری آیت الله با راحت بوده و حتی نزد او - بقول خودش - گریه کرده است: آقای دعا شی، میساده دارد که از همان سال ۴۹ که من او را در نجف دیدم و رفرا انقلابی و تشکلاتی من و دیگر برادران که آزاد قیفا منطق تر - آیت اللهای انقلابی اش میساده است، او و برخی دیگر از دوستانش در دست و پا میساده است تا شرفرا میساده، او به یادش هست که دهها گفتار از دوشی برایش میساده به روح سبتر را که او آزاد میساده است را میگردین تا که او مورشای سازمان میساشتم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون  
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۵۳ تا ۵۹

اليتهدوا رحمهم تصميما ربه خوذة بيت الله خميني  
محول بمودودين بنا معرا خود به نجف بدم  
(نا معاً) بيت الله منتظري خطاب به آيت الله  
خميني را خوانندگان بكار بردن خواهش  
ما چه ميتوانيد ملاحظه كنند).

« آلاءه ای فراوان آیت الهیهها» الدین -  
معلاتی بود که به نام چندین نفر از مجاهدین  
زردانی بعنوان مسلحان ناک و مبارزان  
کرد بود. آیت الله خمینی هیچ جواب مشخصی  
به آن ناهمه نداد.

۱- همچنین آیت الله قاضی در تشریح مجاهدین

آمده با زمان تصمیم گرفت که از یونسف محدود تشکیلاتی خود بیرون آید، رژیم را طی فعالیت تبلیغی وسیع افشا نماید و با تماس با برخی از مراجع و روحانیون و افراد دما روزی با آن مواضع عام سیاسی و اعتقادی خود حمایت آنان را از رژیم و زین در دست جلب کند، و با حیانتا مانع آن شود که رژیم خودخواه را به انقلابیون اسیر و در زیر شکنجه درمیدان اعدا بقتل برساند و با استفاده از گمنامی آنها و اهداء قاتل هرگونه تحریفی در مورد افکار و فعالیتهای مبارزانشی

آیت الله خمینی و روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی و طاقی و بهزاد نبوی و دیگران، ما را که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فرهنگیاری" متهم کرد باند. این اتهامی است بغایت نادراست. من برعکس این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کونیستها و مجاهدین را فریاد بزرگی میدانم که با استناد باز ناآگاهی ما و توطئههای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "بار" و شکل مار را بدو بار می کشید بدو بار ناآدان را میفریفت ایتان نیز به فریب شغولند.

اعدام شده را "شهید" می نامید. و به ما زمان کمک می کرد.

من مثالهای فراوانی دارم که همگی، بر اساس بخشی که در قسمتهای قبلی ما دیده اند، کرده اند. من مدتی که در ایران بودم، با گروهی از دانشجویان و محققان، با هم دیدار کردم و با آنها دیدار کردم. من مدتی که در ایران بودم، با گروهی از دانشجویان و محققان، با هم دیدار کردم و با آنها دیدار کردم.

آیت‌الله خمینی روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و گمانی امثال هاشمی رفسنجانی دعا می‌بهراند و می‌دیگران بارگاه در آن سالها در یک سال زمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت می‌کردند به "فریاد ری" متهم کرده اند. این سخن اشها می‌است به این تا درست. من برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیست‌ها و مجاهدین و فریاد ری بزرگی میدانم که کاملاً استفاده از آنها کاملاً نوه می‌های موجود در جامعه به‌شود همان کسی که می‌گوید نوشن کلمه "مار" شکل مار را بر روی کوه می‌کشند و مردم نادان را می‌فریبانند نیز به فریب می‌شود اند.

ما پس از چندین سال کار سیاسی - شغلی و ادووم مخفی، مورد برای مبارزه ای سخت و انقلابی آماده میگردیم و در این راه خطرات و محاسبات زیادی را تحمل نموده بودیم. ما بدورستی معتقد بودیم که در برابر دشمن، که عبارت از امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن بود، باید همه نیروهای خلقی را بسیج کنیم و از کلیه نیروهای که فکر میگردیم در این راه با ما هدف مشترک دارند، یاری بخواهیم.

در این میان خانواده‌های زندانبان و شهدای سازمان، نقش بسیار فعال و سازگارانه‌ای - که آنان زمان در آن سالها بسیار کم بود - داشتند و مسافرتها و تحمین‌ها و جلسات متعددی در قم و شهران و شهرستانها برپا می‌گرفت که بسیار آنها فرصت دیگری می‌خواست.

در ادامه این سیاست‌ها اگرانه و سیاسی  
شده ای، سازمان با برخی از اهدافی که در آن  
زمان و در چارچوب اهداف طبقه‌بندی خود را  
تا به دو ساله‌ای داشته‌اند، دست‌کم گرفته‌اند  
که مستقیم‌ترین مستقیم را اهداف انقلابی سازمان  
مطلع شده بودند، منجمده اقدام به ارسال نامه -  
ها را برای آیت‌الله خمینی کردند:

— یک نامہ را مهندس عمرت حاجی سی سے  
آیت اللہ نوشہرہ سے۔

تا بهای فعل از هاشمی رفسجانی بود که نسخه‌ای از آنرا خود به نجف بردم. در این نسخه تا بهیستنده نه تنها از محاضرات خلی بلکه از فدا نیان خلق (بخصوص رفیق شهید مسعود احمدزاده) بطوری یاد کرده، حمایت آیت الله را از مبارزین خواستار شده بود. در اینجا باز هم به تفسیر موضع رفسجانی و امثال او با اشاره کنم که دقیقاً بدلیل آنکه امروز قدرت را بدست گرفته و به صف بورژوازی و عداوت انقلاب پیوسته‌اند، مواضع گذشته خود را از یاد برده و در سبیل ای خود پیوسته کمین می‌کنند و با محافل لجن بازی می‌کنند.

آیت الله کرم الله وجهه

از آیت الله خواسته بودیم که آن را نادمند و

(قسمت ششم)

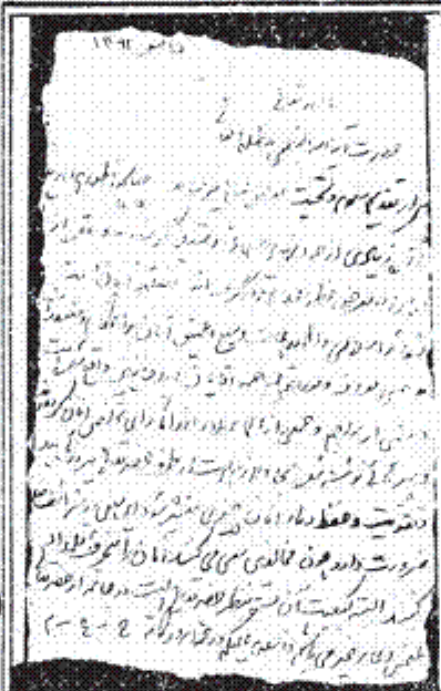
بیگار: آیت‌الله خمینی در همان سخنرانی خود (مورخه ۴ تیرماه) از کسانی سخن گفته است که به حمایت از مجاهدین خلق به او نامه نوشته و حمایت از مجاهدین را خواستار شده اند. ضمناً آیت‌الله گفته است که مجاهدین آنها را "فریب داده و اغویا کرده بودند" توضیح شما چیست؟ و به چه منظوری با آن‌ها سخن شما سرافراشته بود؟

رفیق ثواب: مقدمتاً آثاره کتمه قبیله از شهرپورده یعنی پیش از آنکه تعداد قابل توجهی از اعضای سازمان ما (در آن زمان مجاهدین خلق) و تقریباً اکثر اعضای رهبری آن به اسارت پلیس شاهان میباشند یا هستند یا هستند که بطور رسمی اندیشه مبارزاتی داشتند و برداشتهای مترقیهای و از اسلام را می دادند شما را داشتند و از آنها بطور "دستایی به مقام فرمان و نهج البلاغه کمک میکردیم ولی باید بگویم که در همان زمان ما به اسن ششصد رسیدیم بودیم که به جوجه نمی توانیم از آن انتظار داشته باشیم که ما مطلقاً آن سرور خودمان "تدوین ایدئولوژی انقلابی اسلام" را برای ما بجهت بگیرند. گرایش ما به قبول برخی از اصول ما را کسب، نقطه افتراق ما و آنان را تشکیل میدهد. موضع طبقاتی ما و گرایش ما به سمت حل تضادهای درون جامعه به نفع راجحگان (هر چند این گرایش و سنگبری جنبه کاملاً علمی نداشت، بلکه شدیداً به ایده آلیسم غنچه بود) ما را بر آن میداشت تا آنجا پیش روییم که از مبارزه بتکثیر علیه امپریالیسمولتوا استقامت راجحان بگوئیم و ما نیز با اسن راجحی را در تحلیلهایمان میافرا دهیم. البته روشن است که بدون ما نیز با لیسم یا لکتیک قبول ما نیز با لیسم

را می میانیاد.

از میان روحانیون نزدیکترین فرد به ما  
آیت الله العظمی بروجردی بود ولی در مورد او نیز مثلاً  
نه کتاب "پیشرو از قرآن" را می توانستیم  
پسندای کل نیستی خود را در همه و نه کتاب "سلام  
و مالکیت؟" را. بهر حال چون جای شرح و تفصیل  
این قطعا با اینها نیست از آن میگردم و در همین  
حال به این نکته نیز اشاره میکنم که ما از مواضع  
مبارزاتی آنان هر چند بسیار اندک بود تا آنجا  
که در توان داشتیم و در آن شرایط حلقان از  
دست از زمان ما که مرحله جنبشی و مطلق نبودن  
خود را میگردانند بر میامدیم و مدحیایت میکردیم پس  
از تبعید آیت الله خمینی به عراق تا شاید اولین  
اعلامیه او پس از چند سال اعلامیه ای بود رحمانیت  
از انقلاب فلسطین و یومیه الفتح که همزمان با  
حج در سال ۴۷ صادر شده بود. ما این اعلامیه را  
ترجمه و در تعداد قابل توجهی تکثیر و پخش کردیم  
و این اولین کار تبلیغی ما در آن شرایط نیز  
محسوب میشد که تا شرایط قابل توجهی بخشید و  
سندوفی برای کمک بطور مغفیان در شهرمان  
ایجاد شد.

به گزارش ضربهای که در شهریور به سازمان وارد



## در حاشیه مصاحبه

آیت‌الله حسینی منتخوب دوسال ۱۳۱۲ مطابق با ۱۹۳۲ هجری قمری نامه‌ای به آیت‌الله خمینی نوشت که دلیل برای این نامی کلمه «خمینی» در نام من گرفته شده و مرا می‌تواند دگر جریب اول اسم گرفته شده است. این نامه را **رضا شیخ** (نخست وزیر فعلی) که در آلمان معلم مدرسه بود نوشت به حاج حسین خمینی. دانشمند بدست آورده و **جواد رفیق دولت** تا جر موردندان نزد سایر رهبران که در حال حاضر است می‌فرستاد. بعد از آن در آن تاریخ جریب شد. اشخاص اخیر می‌تواند بسیاری دیگر که در گذشته افتخار نام این اسم بوده برای محافل علمی خمینی. نام بعد از امروز این بدست گرفتن قدرت در صف بورژوازی و ضد انقلاب قرار گرفته اند و گاهی به نام خمینی کمونیست‌ها و ضد خلق می‌نامند. این یک متن نامداری آوردم تا کنده را در اشکای داخل راست از ما است.

با همه محاسنی  
حضرت آیت الله العظمی مظهرالاعمالی  
پس از غلبه یلام و یحیی بن عمری علی بن مسلم بنی  
میربختند، چنانچه اطلاع دارم و عذر می‌دانم از  
خواستهای سلطان و مصلحتین گرفتارند (حاجائی) -  
گویند ترک بر ما نفی! «او عذرهای را آسان در  
معرض خلعت انداخته و ترک کرده اند» از سرور در مجلس  
دور برای آنان بقایای اعدا می‌کنند! انطب  
آنان نسبت به شما شوالیان و اطلاعات وسیع و  
عمیق آنان بر احکام و معقولات مذهبی معروفه  
و مورد توجه همه آباءان و بوجهائون واقع شده  
است آباء می‌بینند حرفهای دیرروز و امروز را بآنان  
جدیدتر است و دارد؟! پس دقیقاً انعکاس  
موضع طبقاتی آنان است، که در میان همه شرح  
داده شده... از بعضی از مراجع و جمعی از علما  
بلافاصله مائیت بری از مطلق آنان گرفته اند و نیز  
- ها شی نوشسته و، بجا لازم است از طرف حضرت  
آقای سیدزینا شید و شویوت و مفت و آقا -  
نیزی منتشر شود. اس منعی در شرایط فعلی

با ایشان در میان بگذاریم. آیت‌الله حمینی و روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و ادیبو گفتمانی که از بسته‌های احسان‌شهبان انقلاب برای خویش و طبعه‌شان منمرو ترسون ساخته به فریب نهاده‌ها پرداخته، انقلاب دمگراژیک و ضد امپریالیستی خلق را، هر چند موقت از پیشروی مانع گشته‌اند، ما را به «فرسکاری» متهم می‌نمایند و از ما می‌کنند که گویا ما در گذشته در طرح مسائل اعتقادیمان دروغ می‌گفته‌ایم! ما درک خود از اسلام را هیچ‌جا بیان نمی‌کردیم. ما روی پای خود ایستاده بودیم. ما مقلد کسی در امر مبارزه با امپریالیسم نبودیم. با بسیاری ساز و گردن اجازه از کسی نمی‌خواستیم. این منطبق مبارزه طبقاتی بود که در آن سالها هسته‌های انقلابی شکل میگرفت و هیچ نیازی هم به اجازه پیش‌شهبان نبود. نمیدانم شما نه‌سای

عزت نفس ما یا آیت الله خمینی با توجه به  
سوابق غیبت او با ما، طلب باوری و پستی با سنی  
و در زمان زنده میربا لیم آمریکا در رژیم  
ما نبود، ما آزادی و بهروری بوده های رحمتکش  
و پستیم امروز ما "تحقق آرما های واقعی  
اسلام" را حذف داشتیم، در هروریکه جهاد سیاسی  
منارازی آن اشخاص بسیار محدود و پستیم بود،  
ما با خطر همان انتقاد و دوگانگی در  
اندشولور زمان، در ضمن حال که خلاف پستیم  
اهداف پستی ما های خود ما با اهدا آیت الله  
خمینی را در یک میگردیم ولی نسبت به پستی با  
اشتراک او با خود ما در جامع بودیم، ما حتی  
بسیار از وطنی که از خانواده های رحمتکش ما  
حاشیه بودند نظیر همین آقای «عاشی» و هموز  
دندان به پستی و پستی بر ما به داران پستی  
بود، فرق میگردا شدیم او با سنی از با نگاه  
طفا سی ما و پستی همان پستی اشهای ناشی  
بود که در یک پستی پستی شدیم، در ضمن حال  
چون در یک کلی از پستی علمی و پستی  
دارا نبودیم، نسبت به نیروهای نا پستی و گشایی  
که نظامیان با رژیم میربا لیم در یک محدودی  
بود در جامع پستی که مثلا آیت الله خمینی  
میخواهد در یک موقع ما را نسبت به ما ششیل  
بنا را به موردنا شد و حمایت براردها

با ری، یعنی ما به اسلامگاه میگردیم، جهاد و مبارزه آشتی ناپذیر با رژیم را می فهمیم و در آن راه خود را با هر کسی که در راه مبارزه با آمریکا و کمونیسم دست نداده تا دنیا بزرگد - جمله کمونیستها - همراه میانسیم (رجوع شود به دعای مجاهد شهید علی مدنی دوست و مخالف دژ باره آنها مات اخیر رژیم"، ۱۳۵۲) در صورتیکه از همان اسلامگاه ما برای دولتی خود مدعی میگردیم، ما چنین بر آن با ما نیست طغیانی شان در کی دیگر دارند. ما مبارزه افتنا و متوسط و با شین خرده بورژوازی تحت تسلط را سنا بینگی میگردیم که هر روز تحت فشار سرمایه داری واسنه، تحت طغیانی و زور و تهدید در صورتیکه آیت الله خمینی غیر محسوسا دشمن سلطنت، فقر خرده بورژوازی مرفه منشی را سنا بینگی میگردیم و نمادی حکومتی بود که سنا و زگی "ولایت فقیه" مشخص می شود و میبستار از اینها و به اصل مالکیت خصوصی و روابط تولید کالا استناد داشتند و دارند و محدودیتی هم نمی توانند برای آن قائل باشند. علت اینکه کتاب "اجساد دیر بان" داده "تهیه شده بوسله ما زان (مجاهدین) استقدربین برخی اوطرفه سنا" را ن ما زان با راحتی و معالفت بر ما نیکیست، همین مسئله را کیدن - کتاب "برالما" استناد می شود (هرچند آن کتاب، محققا طرح علمی برای حل مسئله استناد را سنا نیست ارا شده و خود غشه (اللقاظ بود).

در ادامه سیاستی که برای شما گفتم در همین ماه سال ۵۵ ما تصمیم گرفتیم طی تماس‌هایی با آیت‌الله خمینی، اصول نظرات ویستنی خود را

موروث دار و دوزخ حال لعین نمی مکنند! آن را  
صبر و شکیبایی بکنند! محال این است! امروز رژیم شاه  
و دود آتش آن! امروز جای آتش گرفته است! و  
سخت است! (با اشاره به کتبی که در آن دسته نظیر  
حضرت علی است) در خاتمه از حضرت تعالی طلبش  
دعا! خیر میسر شود! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته  
ج - ع - م (آری، آقا جان! حفظ منافع طبقاتی  
خیابان و دریا نیستی نمی شناسد. فقیهای عالم قدر  
و مراجع و مجتهدین نظام دیروز چنین میگفتند  
و امروز فقط میگویند ما قربان خورده بودیم!)  
شما با اعتبار موضع طبقاتی آن که در مقام قدرت  
حاکم قرار داشت بجز خود و ادولوزی خود در  
سایر سازمانها قرار داشت محافل دین و دیگر  
افغانیون می یافتند و سر و میوت به آنها  
منتگرمیدولی امروز نهادهای آن را "دزد"  
بنا میسرای زندهها تا به خط و نشان بکنند!

انقلابی نهما اجازه کسی موجود آمدہ و نہ سا  
کتاب کسی از ہم مینماید اما روزنامه اطلاعات  
کہ از زمانہ انقلابی را قریب سی میباشند و  
وقتی کہ بکرویس از استوائی آیت اللہ  
خمینی، سازمان مجاهدین را وعده میباید شدن  
میداد! (بر مقلد اطلاعات ۸ تیر)

باری، ما براساس همان پیشتر ویاستی که  
ذکر کردیم و یا همان نوع محدود اما غشیه  
توهم، در سمن ۱۳۵۰ جلساتی با آیت الله  
خمینی داشتیم و رفیق حسین روحانی (برادر  
مجاهد ما، در آن زمان) آنوقت از ما را در زمینه  
ایدئولوژی، استراتژی مبارزه مسلحانه و تحلیل  
وضع جامعه، تاریخچه انقلابات اجتماعی و  
فدا مهربانیستی و... را بتفصیل برای آیت الله  
بیان کرد. خود رفیق با دقت بیشتری به این  
سوال شما میتوانم پاسخ دهد. ادا مدام.



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸

# بیکار

xalvat.com

بها ۲۵ ریال

۱۳۵۹

سال دوم - دوشنبه ۵ آبان

## دورصفحات دیگران شماره

- ۵ صفحه اخباری از کردستان قهرمان
- ۱۲ صفحه در جبین روی رویونیسی چه میگردد؟ (۲)
- عصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۷)
- ۱۳ صفحه با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات يك سرباز (۹)
- ۶ صفحه پاسخ به نامه ها



### اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگر

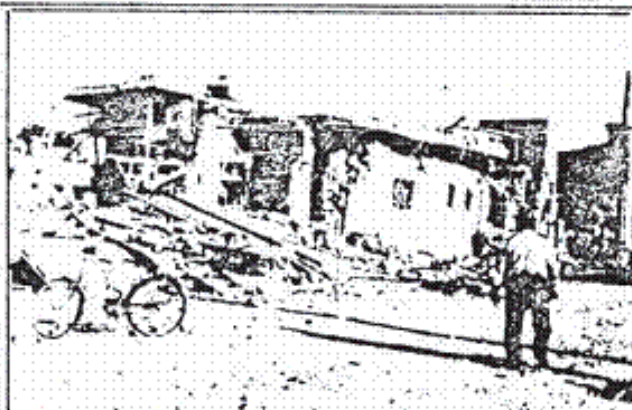
وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر! رده ها منش در دستور کار ما قرار داشت در ابتدا ما را مان ما بوجه در خوری به امر وحدت داشت، با کسب احترام برات برادران ما در این زمینه سزاوارات را خارج خود را برای مشکلات کم و بیش به مبارزه ایستادگی در سطح محلی و از همس را و به کم و بیش به امر وحدت با سز و گروهها و معامیل درون جنبش کمونیستی صورت گوناگون این اعتراف بود.

بفصله در صفحه ۱۸

### مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

### پاسخی به لطائلات روزنامه اطلاعات

صفحه ۱۰



### منتخبی از اخبار جنگ

صفحه ۱۷

### جرا همه فرماندهان

ارتش "حر" اند؟! صفحه ۲۱

### سر مقاله

### پرچم لنینیسم را برافراشته نگاه داریم

وعدا در شرایط بسیار حاد و پیچیده ای سر میزنیم و مشکلات ما را از هر سو به چالش میکشند. در ایران طبعاً هم چنین وضعی است. سنا و انقلاب هم چنان به نفس می زند و در جنبش پیوسته ای که در تراسط اعتدالی لیکن آمیخته به نو هم سیر میبرد، اوضاع انقلابی را میسازد. مدتهاست به هم پیوسته ها را هم سیر رنج را در این است یکی از مواضع اساسی کسب انقلاب! اما مشکل سنا به هم پیوسته ها نیست، مشکل سست و غیره و ضعف جنبش کمونیستی ایران سر میزند و سزاوار است که مشکلات جنبش ما را کم و بیش لنینیستی ایران از جمله در اینجا با محوران جنبش کمونیستی سس - اطلاعاتی تا بل توضیح است.

بفصله در صفحه ۲

### نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویونیستیها

صفحه ۱۱

### سفر رجائی به نیویورک

صفحه ۲۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت هفتم)

**پیکار:** رفیق روحانی، قبل از اینکه من سوالات خودم را در رابطه ملاقات شما با آیت الله خمینی، مقصود و نتایج این ملاقات در میان بگذارم، میخواهم برای اطلاع خوانندگان نشریه پیکار، در رابطه با سفر شما در این باره عوامی که موجب مسافرت شما در شهریور سال ۴۹ به خارج از کشور گردید توضیحاتی بیاورم.

**رفیق روحانی:** همانطور که اطلاع دارید ما در زمان محاضرات خلق ایران، از زمان ایندایعنی شهریور سال ۴۴ که بنیان گرفت، ضرورت مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی را در قبال دشمنان خلق یعنی امپریالیسم و رژیم مغربلهای ایران نمیتوانیم یکی از اصول خدشهناپذیر اعتقادی اثر مورد تاکید قرار داد و توضیح این مسئله و روند ریشههای رژیم و اصلاح طلبان به کس در آن زمان از سوی حزب توده و جنبه ملی و نهضت آزادی مورد تبلیغ قرار میگرفت یکی از مباحث اصلی آموزش اعضای سازمان را تشکیل میداد. ۲ سال پس از بنیانگذاری سازمان یعنی در سال ۴۷، از جمله مباحث مهمی که در درون سازمان و در ردههای بالایی آن به بحث گذاشته شد، برخورد مشخص با مسئله قهر در شرایط جامعه ایران و با مصلحت تعیین خط منتهی ناکمیتی بود. در همین سال و طی بحثهای متوالی و مفصل در جمع ها و وردهای بالایی سازمان، با این نتیجه رسیدیم که بهترین نحوه برخورد با دشمن و نیروی انسانی و نتایج آنرا مورد حمله مسلحانه قرار دادن و این حملات و ضربات میبایست در شرایطی واقعی شود که ما زمان نا حتمین و لازمی به کسب آمادگی نظامی تا ثل آمده و در عین حال دشمن کوچکترین اطلاعاتی از وجود سازمان، آمادگی نظامی و برنامه عملیاتی آن نداشته باشد.

من در اینجا به فرصت آنرا دارم و نه جای آن هست که بخواهم به نقد بررسی دیدگاه و بینش خرد بورژوازی از سازمان مسئله قهر انقلابی و مفاهم ناکمیتی و استراتژیکی آن و رابطه آن با مبارزه طبقاتی شده و مصلحت این مبارزه و مهمترین راهبردهای این دیدگاه و بینش پس از اندوختن مذهب و انتفاقی سازمان مجاهدین بپردازم. این خود بحث جداگانه و در عین حال بسیار با اهمیتی است که بیا بعدا گانه مسود شود و قهر را بگرد.

بهر حال، سازمان مجاهدین خلق، در آن زمان پس از تعیین خط منتهی ناکمیتی خود و در همین رابطه، مسئله تدارک آمادگی نظامی را بطور فوری در دستور کار خود قرار داد و به برنامه ریزی برای زمینه برداخت، درجهای و چوب همین برنامه قرار داد. قبل از هر چیز با انقلابیون فلسطین و در آن زمان سازمان "الفتح" تماس گرفته و در شرایط لازم برای آموزش نظامی عدهای از اعضا و کادرهای سازمان در اردوگاههای

فلسطینی فراهم کرد. اولین اقدام و کوشش جهت ارتباطات با سازمان الفتح توسط خود من صورت گرفت و من موفق شدم در آذرماه ۴۸ در پاریس با محمود همتری "نماینده سازمان الفتح (که بعد ها بدست عمال صهیونیسم در پاریس به شهادت رسید)، چندین ملاقات داشته باشم. این ملاقاتها متاسفانه به دلیل عدم پیگیری شهید محمود همتری به نتیجه قطعی نرسید و بعد ها از طریق دیگری

مشید، کوشش وسیعی را برای راهی آنها آغاز کرد و کمیته مرکزی سازمان که من نیز جزء آن بودم، طی یک نشست خود تصمیم گرفت، جمیع ویژه ای را با این کار اختصاص دهد و این جمیع بطور مستقل در خود محل یعنی دبیر تریتیب آزادی زندانیان را به شکل ممکن فراهم دارد مسئولیت این جمع و فعالیت آن از طرف کمیته مرکزی سازمان مجاهدین بر عهده من گذاشته شد و من در رابطه با این مسئولیت در روز ۱ شهریور

- ماد رخلال تماسهای دایمی و در عین حال مخفی که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند به ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت) موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دوتوره ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبی به بندرهای منتقل نماید بصورت اجرا گذاریم.
- مراقبها با راهات توسط منجر جاسوسی بنام محمود پناه همان که دستیار تیمور بخشار در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت، و کوشیدند تا ما را با زندان در عراق متقاعد کنند، اما ما که به اهمیت کشف رژیم عراق آشنائی داشتیم، با تأطمین تمام در برابر این کوشش توطئه گرانه آنها ایستادگی کردیم و برنامه های پناه همان مزد و رعا قهر را نقش بر آب ساختیم و از آنها بصرانه و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترتیب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاههای فلسطینی فراهم کنند.

یعنی تماس با شما بندگان سازمان الفتح در قطر از شرح دشمن های خلیج فارس از میهنه ملاقات با افعای رهبری این سازمان بدست آمد. این ملاقات در اوایل تابستان ۴۹ میان شما بندگان سطح بالای سازمان مجاهدین و سازمان الفتح در عین (اردن) صورت گرفت و آنها (سازمان الفتح) شهید هرگونه کمک نظامی را در حیطه امکاناتشان نسبت به ما پذیرا شدند. بدینال چنین شهید همکاری ای، تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای سازمان برای گذراندن دوره آموزشی به اردوگاههای فلسطینی گسیل شدند که پس از پایان دوره آموزش نظامی اکثر آنها به ایران مراجعت کردند. در همین رابطه تعدادی از اعضا و کادرهای سازمان که اکثر آنها دانشجویان ایرانی فارغ التحصیل شده بودند اوایل تابستان ۴۹ جهت دریافت گذرنامه و سپس پیوستن به اردوگاههای فلسطینی از طریق قاچاق از مدیسه شدند. آنها با تحمل زحمات و مشقات بسیار موفق شدند بعنوان کارگر مهاجر ایرانی، گذرنامه بگیرند، ولی درست یگرو ز قبل از مسافرتشان به بیروت یعنی ششم مرداد ماه ۱۳۴۹، شش نفر از آنها در بازاردی و هنگام خرید لباس توسط پلیس دبی دستگیر و زندانی شدند.

دستگیری این افراد بلافاصله توسط یکی از اعضای سازمان که بطور متادفی در دبی از این جریان با خبر شده بود، به تهران اطلاع داده شد و سازمان با توجه به اهمیت حفظ جان این افراد و خطرات دیگری که از این طریق متوجه سازمان

۴۹ به دبی مسافرت کردم و در فرصت کوتاهی این جمع با شرکت شهید رسول مشکین قام، مجاهد مدتی با اذات دیدیدی، یک رفیق دیگر و خود من در دبی استقرار یافت فعالیت دو ماهه این جمع در دبی همراه با سرکشیهای که از طرف دیگر همزمان مجاهدین صورت میگرفت، موجب گردید تا شما می راههای استخلاص مجاهدین را با سبب مورد بررسی قرار گرفته و سیاست با شرایط و موقعیت های مختلفی که میتوانست بوجود آید، هر یک از این طرحها مورد استفاده قرار گیرد. ما در ابتدا و در عین حال که شیوه های تعرضی و مسلحانه را مورد توجه داشتیم، مسای کا را برای گذشتیم تا از طریق دخالت عناصر فلسطینی (که در مقامات دولتی دبی کلانسان موشربود) در پیرونده و مواردی که می مجاهدین اسیر حتی الامکان از تحویل آنها به رژیم سر سیرده شده خودداری شود. ما در این زمینه کوشش وسیعی را آغاز کردیم و به بهیترت های زیادی هم تا ثل شدیم، اما بیکباره متوجه شدیم که رژیم با اطلاع یافتن از موضوع، قصد دارد هر چه سریعتر آنها را تحویل بگیرد. ما در خلال شما سهای دانشی و در عین حال مخفی ای که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند به ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطور غم فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت)، موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دوتوره ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبی به بندرهای منتقل نماید بصورت اجرا گذاریم و این ترتیب



... های توطئه گرانه آن و این موضعی انقلابی بود و جرایم هم از ما انتظار میرفت و اینها هم تمامی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و سپس از همه این آیت الله خمینی نیز بخوبی میدانند اما آنها برای مقابله با چنین توطئه ای و سرکوب سرزدهای انقلابی و کمونیست و در جهت فریب سوده ها میگویند با و دیگر نیروهای کمونیستی و انقلابی را با صلاح و ایستادگی رژیم ارتجاعی عراق و آمریکا لایم آمریکا و ... قلمداد نمایند! آنها غافلند از اینکه عوام غریبی آنها تا رگی ندارد و قتل را آنها رژیم نه تیر در همان زمان که ما در عراق ریزش کرده بودیم و پس از آن تا آخرین روز حکومت ما را میهمیه ارتباط با عراق و آمریکا و توری میگرد. و البته اگر رژیم شاه در این فریب کاریها و عوامفریبیها توانست طرفی بیند، اینها نیز طرفی خواستند. اما شما و ما دیدیم که توطئه ها چگونه با سم خود را به افلاک ثلاث رژیم نه دادند. بدون تردید سرنوشت ایشان نیز جزا بین نخواهد بود!

"آدمه دارد"

... نعمتها را در نتیجه های غلبه آنقدر تنگنا دادند که از هوش میرفت و من مجروح و نیمه جان او را به طول میاوردم.

این وضع تا چند هفته طول انجامید، تا آنکه ما کوشش و پیگیری سازمان و پس از آنکه تلاش ما برای دخالت آیت الله خمینی به نتیجه نرسیده بود، نمازده ما زمان آزاد بخش شد و در تعداد همراه با رفیق تراب حق شناس، با مسئولین عراقی دیدن کرده و آزاد در همان زندان به دیدن ما آمدند و از این بعد مقامات عراقی مجبور به عقب نشینی شدند و دست ارتش و بدرفتاری نسبت به ما برداشتند و از این هنگام کوشیدند که با انواع خیلها ما را متقاعد کنند که در همان عراق بمانیم و قبول خودشان در کنار آنها با رژیم نه مبارزه کنیم. عراقیها با رهبا توسط عناصر جاسوسی بنا به محموله ها این گونه دستاورد رژیم نه را در عراق بود و با حزب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت، کوشیدند ما را به ماندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ما هیت گشت رژیم عراقی آشنا شدیم، با قاطعیت شما مدبر را بر این کوشش توطئه گرانه آنها ایستادگی کردیم و بر ما به های پناهیان مزدور و عراقیها را نقش بر آب ساختیم و از آنها مزارع و سرسختان خواستیم که هر چه سریعتر ترتیب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاه های فلسطینی فراهم کنند.

مقامات عراقی وقتی فهمیدند که ما به هیچ قیمتی حاضر نیستیم در برابر فشارها و تلویح آنها تسلیم شویم و به آنان امتیازی بدهیم، سخت نا ارام شدند و به شما بنده الفتح که سرانجام توانست ما را از دست پلیس سیاسی عراق و محدودیتها نجات دهد، تحویل بگیرد، شرط کردند که پس اینها شما بعد از عراق بماند و همینطور هم شد، با دم همتا که افسر اطلاعات عراقی شما را به عنوان سونیک که مسئول پرونده ما بود وقتی سرخشی ما را برای رفتن به فلسطین دیدمشان را روی میز گذاشت و گفت "پس شما بمانید ما نمی خوریم!" پس از دیدار شما بنده با زمان آزاد بخش و رفیق تراب از ما، مدتی برای معالجه در یکی از بیمارستانهای نظامی بغداد بستری شدیم. بدینال خروج از بیمارستان و قبل از پیوستن به اردوگاه های فلسطینی، شما همان مزدور را به ملاقات ما آمد و کوشید تا یکبار دیگر شما را خود را بپایا ما بدو به ترتیب شده ما را به ماندن در عراق متقاعد کند ولی شما سرسخت تر از پیش با پاسخ منفی ما روبرو میشد و گفتنی است که ما آخرین درخواست او و عراقیها را منتهی سر معامه را دیونولور بوسی تیر زدیم و بیا لاف...

بدینال شما را می که مرتباً به مقامات عراقی جهت خروج از عراق وارد میاوردم و با کوشش و فعالیت دفتر شما بدگانی سازمان آزاد بخش فلسطینی در بغداد، موفق شدیم عراق را ترک و به اردوگاه های فلسطینی و سایر همزمان که از مدتها پیش به آنها رفته بودند، پیوستیم.

بله، این بود سرخورد ما با رژیم عراق و برنامه

با اجرای این طرح توسط شهید رسول مشکین قام معاهدات و مذاکرات درستی و خود من ۶ نفر معاهدات و مذاکراتی تمام های رفیق جدلیلید احمدیان، عضو فعلی سازمان یگانا در راه آزادی طبقه کارگر، رفیق کاظم فیضی، رفیق محسن نجابت حبیبی، رفیق حسین حوسرو، معاهدتیه محمودیانخی و معاهدتیه خیابانی، در حالیکه به تنگناهای اهریمنی ساواک گسیل می شدند، آزاد گردیدند و برای گذرانیدن دوره آموزش نظامی به اردوگاه های فلسطینی حوشتند.

**پیکار:** رفیق! آنطور که من اطلاع دارم و فکر میکنم سرخی از مردم نیز در جریان آن قرار گرفته باشند، معاهدتیه تنگنا و همزمان با من توسط رژیم بعث عراق در زندان بغداد است. از شما میخواهم تا در صورت امکان در توضیحاتی درآید.

**رفیق روحانی:** از همان هنگامی که من به سری جهت آزاد ساختن معاهدتیه رسیدی، کم و بیش از ما هیت رژیم بعث عراق و موضوعیهای سودا گرانه آن در قبایل نیروهای انقلابی که به طاهر دم از حمایت آنها علیه اطلاع بودیم و به همین دلیل در طرح اولیه ای که داشتیم، مقصد بهایی بود و جمهوری دمکراتیک یمن (بعثت) جاسوسی در نظر گرفته بودیم، اما این طرح دارای اشکالاتی بود، چرا که بر اساس این طرح میبایستی هواپیما را در دریا (نفوذی) سوخت گیری می کرد و این یک ریسک کامل بود و طرح ما را به احتمال زیاد با دزدان شکست میگرداند اما بعضی - بواسطه سن طرح را به دهه کنیم، به این ترتیب ما سوخته به قدرت پرواز هواپیما و دو موتور هیت راهی جز رفتن به بغداد و وجود داشت و حتماً اطلاع دارند که طی این مسیر نیز که گوناگونترین مسیر بود، ما به طول انجامید، آنها با مخاطرات متعدد، چه در هنگام پیوستن در فرودگاه دوحه و مرکز قطر و چه در موقع بهایزه هواپیما میا توسط حشای خنکده کویت در آسمان ایستادن هیچ نیسی.

بهر حال ملاقات بهی از ورود به بغداد، مقامات عراقی ما را به محلی که در اختیار شما وزارت دفاع قرار داشت هدایت کردند. هنوز شما بهی از ورود ما به این محل نگذشته بود که در آنطور جدا به سکی از زندانیهای قدیمی بغداد دیدار و ملاقات بهی از سکی از زندانیهای قدیمی شما فحاشی و تنگنا بود. شروع کردند، آنها با توجیه اینکه ما را نمی شناسند و نسبت به میسا مشکوکند، بدترین رفتارها را به ما وارد کردند. به عنوان مثال، معاهدتیه رسول مشکین قام را به بد بزرگ تنگنا کردند. معاهدتیه خیابانی را چندین بار تلیک گلوله در کنار و تهدیدیه مرگ کردند. خود ما تا آنجا تنگنا دادیم که مدتها در همان بغداد در بیمارستان بودم. رفیق حسن حوسرو را معاهدتیه سقف آویزان کردند و در مقابل چشم من او را تنگنا دادند. رفیق کاظم

مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

و ما برین از داخل کشور و علم و غیره پیشنها دوا هزار رفیق ما جهت کمک به آزاد ساختن ۹ نفر از اعضای سازمان مجاهدین که پس از عملیات آزادسازی بوسیله هواپیما، در زندان عراق، تحت شکنجه بودند و حتی امکان داشت به ایران تحویل داده شوند، کوچکترین کمکی به ما نکرد و به این بهانه که اگر ارسوی من اقدامی صورت بگیرد، وضع آنها بدتر میشود! خود را کنار کشید و با کسی به درخواستهای ما نداد!

آری، اینها تنها ما مسئولی بودند که سرز-بندی ما را در زمینه های مختلف با آیت الله خمینی روشن میکرد و ما را به گونه ای نشان میداد که هر چند که هنوز بدلیل جاگس-بندی و تفکر

که تا کنون نتوانسته اند! آنرا بپذیرند، اسلام امروز ما (و تا حد کمتری امروز اینها) متاثر از فلسفه علمی و ما رکیسم که بدان علاقمندی و افری نشان می دادیم بود. درگ ما از نگاه مل و پیدایش انسان و از نگاه مل اجتماعی و دورانی تاریخی آن، مبارزه طبقاتی، نقش تاریخی شده ها و مقولات اجتماعی دیگر، همچون مقولات فلسفی و اقتصادی درکی که ملاقاتی و مطلقه ای از اسلام و ما رکیسم بود و اینها هر متفکر مونیستی، خواه ما رکیست و خواه مسلمان بهما دگی درگ می کرد. و لذا تمام دینی هم نبود که هم ما رکیست و هم آیت الله خمینی در همان برخورد های اولیه متوجه اختلاف ما حتی که با یکدیگر داشتیم شدیم، ما با

### (قسمت هشتم)

**پیکار:** هما نظریه که می دانید آیت الله خمینی در روز چهارم شهریور ماه جاری، طی سخنرانی خود از ملاقات شما با وی (البته بدون ذکر نام) در نجف و بعدها آقای دعا بی ضمن سخنرانی اش به مراجع از این ملاقات در سال ۵۵ سخن گفت، از شما میخواهم تا دلایل و عواملی را که موجب این ملاقات گردیده، توضیح دهید.

**رفیق روحانی:** بدینال دستگیری و زندانی شدن تعداد بسیار زیادی از اعضای و هواداران سازمان مجاهدین در روز اول شهریور ۵۵ و روزهای ماههای پس از آن و در آن زمان که ما کما فی الواقع در زندانهای رژیم پهلوی و احتمالاً حتی قضات محکومیت اعفای رهبری و کارهای به اتمام، همزمان مجادله در داخل کشور طی بنا به ای خواستار آن شدیم که در این باره ما بر ما بل مربوط به جنبش انقلابی ایران و اوضاع جامعه با آیت الله خمینی، مذاکره شود و حتی امکان کوشش خود را پشتیبانی هر چند ضعیف اوست به مجاهدین و حمایت از آنها و جنبش انقلابی ای که در ایران بتازگی بنا گرفته بود، جلب گردد و در صورت موافقت اعلامیه ای در همین زمینه از طرف آیت الله صادر شود و این در شرایطی بود که عناصه مختلف از روحانیت مترقی در داخل کشور، موضع حمایت آمیز از مجاهدین داشته و تنها آیت الله خمینی بود که تا آنروز که ملا سکوت اختیار کرده بود.

من و همزمان دیگر که در آن هنگام در خارج از کشور بودیم، نظیر رفیق تراب حق شناس، علیرغم چنان بیعتی و تفکر انقلابی و مذهبی مان که بهر حال و بنحوی از انحاء ما را دچار خوشبینی نسبت به میزان پشتیبانی و حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین و با مواضع آنها مینموده، با توجه به اختلافات و مرزبندیهای شخصی که با مواضع سیاسی و فکری آیت الله داشتیم و همچنین با نگاه تجربیات گذشته خودمان و مواضع عملکردهای او در طول سالهای گذشته، از همان ابتدا چندان همه متاثر از ملاقات و مذاکره مان با آیت الله خمینی خوشبین نبودیم. از نظر ما در این ایدئولوژی، ظاهر و باطن هم آیت الله خمینی به مکتب اسلام معتقد بودیم اما هر یک با برداشت خاص خود از این مکتب برداشتی که مشخصاً از موقعیت و منافع طبقاتی هر یک از ما ناشی می شد. آنچه که آیت الله خمینی بدان اعتقاد داشت بی کم و کاست همان پیش و تفکر اسلامی به مفهوم واقعی خودش بود و از همین رو همواره از اسلام در کلیت خود و در تمامی ابعادش بطور دگمناصع کرده و همچنان می کند. اما ما از اسلام برداشت خاص خودمان را داشتیم برداشت ما ملهم از گرایش انقلابی ما و دفاع از منافع زحمتکشان بود. آنچه را که ما از اسلام برداشت می کردیم، در واقع برداشتی انقلابی و دوالیستی بود که هر رنگ اسلام و مذاهب را داشت و هر رنگ ما رکیسم و فلسفه علمی را.

ما حد... چه میخواهند و چه نخواهند (و البته

ما بطوریکه قبلاً اشاره کردم پذیرش قهر انقلابی و اصل آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم ویزم غافل و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود. در خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد و پوزوایی) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند مزدور و رشاپهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهارچوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد.

ما همواره روی این اصل که باید تمامی حقایق را با توده ها در میان گذاشت، تاکید می ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. به همین خاطر که ما در هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان تیرا بازی و گردن اعتقادات و مواضعمان ابائی ندا شتم.

التماتی و مذهبی بر ما، قاربه مرزبندی اصولی و همه جانبه با آیت الله خمینی، مواضع و سیاستهای او نبودیم، معذرت اختلافت خود را با وی فراموش نکردیم و در برابر او و طرح درخواستهایمان از چنان دچار خوشبینی و خوشحالی شدیم.

**پیکار:** ملاقات شما با آیت الله خمینی چه موقع و توسط چه کسی صورت گرفت و چه مدت به درازا کشید؟

**رفیق روحانی:** ملاقات من با آیت الله خمینی در نیمه اول بهمن ماه سال ۵۵ صورت گرفت و هما نظریه که میدانم در رفیق تراب هم برای شما توضیح داده است، این اولین ملاقات و تماس من با آیت الله بود. قبل از من و از نیمه دوم سال ۴۹ به این طرف رفیق تراب بعنوان نماینده سازمان ما با آیت الله ملاقات و در باره مسائل مختلف با ما مبره به گفتگو پرداخته بود. ملاقات من با آیت الله نیز در چهارچوب همین تمایسها و ملاقاتها و اهداف بحث و گفتگو در باره مسائل مشخص و معین صورت گرفت. اینکه گفتگوهای من توسط چه کسی صورت گرفت، این کار عموماً چه در مورد من و چه در مورد رفیق تراب، توسط آقای دعا بی که در آن دوره از جمله مسائلی که فعال ما در خارج از کشور بود

برای آنکه آیت الله بتواند یک مونیست مذهبی متوجه الفاظ فکری ما نیز شده بود. در زمینه مسائل سیاسی اختلاف میان ما و آیت الله خمینی با رزیدو، همانطور که قبلاً اشاره کردم، پذیرش قهر انقلابی و اصل آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم ویزم غافل و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود و خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد و پوزوایی) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند مزدور و رشاپهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهارچوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد. اگر شما به مضمون و محتوای سخنرانی ها و اعلامیه های آیت الله خمینی در آن دوره و حتی بعدها مراجعه کنید، ملاحظه میکنید که او در چندین نطق و اعلامیه های خود هرگز از نصیحت کردن و اندرز دادن به شخصی تا به و یا بران رژیمهای اسلامی چون عربستان سعودی، اردن، هاشمی، مغرب، تونس، پاکستان... و گوناگونی نمیکنند و از آنها میخواهند دست از ظلم و ستم نسبت به مردم کشورشان بردارند! علاوه بر این، ما از آنجا که بودیم که همین آیت الله خمینی در ملاقات خود با رفیق تراب حق شناس در آن سال ۴۹، علیرغم آنهمه توضیحات آیت الله طالقانی



طبقاً شی واکمیت سیستمی کفوی در آن نقش فعالی دارد، ایجاب میکند که همواره با تأیید و تأییدات آگاهی به سازه برعکس دومانج از دست - باسی مردم به واقعیات جامعه گردد، بهرحال من با پیروی از همان اصلی که در بالا اشاره کردم چه از طریق توضیح لغاهی و چه از طریق در اختیار گذاشتن جزوات آموزشی با زمان نظیر "راه انبیا" و "اما محسن" کوشیدم تا موانع ایدئولوژیک و سیاسی سازمان مجاهدین را به تفصیل برای آیت الله خمینی روشن نمایم.

ایده دارد.

توجه این اتفاقال خود، به آنها مائیتی با به ویسی ما به و سائلهای عوامی برپا نه ای نظیر - "عالم همدانی و آن مرد یهودی دست بزنند!"

من در توضیحات بعدی خودم در پاسخ به این سؤال شما به این نکته خواهم پرداخت که درست بعکس، این آیت الله خمینی بود که چه در همان زمان ملاقات ما و چه امروزه حاضر نبوده و نیست که حقایق امر بر مردم روشن شود، چرا که در برنوا این حقایق دیگر جایی برای حکومت "ولایت فقیه" باقی نمی ماند و از همین روستابع

و امروز خود را واقعاً تفلاد کرده است، به صورت منگرفت. ملاقات ما با آیت الله طی جلسات متوالی و هر بار ۲-۳ ساعت و در مجموع حدود ۱۰ ساعت بطول می افتاد، در همینجا با یاد پس نکتته را هم ما فکرم که این ملاقات و همچنین با بر ملاقاتهای ما با آیت الله، با توجه به نقش و موقعیت اجتماعی مجاهدین خلق و تائیدی که این ملاقاتها و نتایج آنها می توانست بر روی هواداران آیت الله بگذارد، نمی توانست مورد توجه آیت الله خمینی قرار نگیرد و یا از آن بیادگی چشمپوشی کند.

**پیکار:** در سلسله ملاقاتهای که شما با آیت الله خمینی داشتید چه مسائلی مورد بحث و مذاکره شما قرار گرفت؟ مسائلی محوری را همراه با توضیحات بیشتری برای ما بازگو کنید.

**رفیق روحانی:** روش است که طی چندین جلسه و جمعا ۱۰ ساعت مذاکره، مسائلی ریز و درشت مختلفی مورد بحث قرار گرفت، شیوه کار ما چنین بود که ابتدا من مسئله مورد نظر را طرح میکردم و در باره آن توضیحات لازم را میداد و در پایان بطور آیت الله در باره این مسئله جواب میدادم. آیت الله نیز بر خلاف آنچه که ما کنونی ادعا شده که ایشان سکوت میکردند نظر خود را نسبت به یکایک این مسائل و لویه اختصار میداد.

از نظر ما اصولی این بود که قبل از هر چیز و طرح هر گونه درخواستی، نظرات و مواضع سازمان مجاهدین را که ما شما سنده آن بودیم، برای آیت الله خمینی به تفصیل توضیح دهیم تا جای هیچگونه ابهامی نماند. در موضع گیری آیت الله نسبت به ما و با درخواستهای ما با قی ننماید، همواره از سوی خود آیت الله و ما بسری کوشش شده است تا بمرور تلطمین شود که ما قصد فریب آنها را نداشته ایم و این، آنها موقعی به - ای پیش نیست! چنین شیوه ای به با ایدئولوژی و نه با عملکرد انقلابی ما در طی سالها ن دراز در مقایله با رژیم فاک پهلوی خوانایی نداشت. ما هم با طور که به کرات در بحثهای خود با آیت الله - خمینی با داورتیم و در همین محاسبات من بدانها خواهم پرداخت.

ما همواره روی این اصل که با بدنهایی حقایق را با توده ها در میان گذاشتن ایدئسی - و رزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم، بعکس ما در هر کجا و حتی در زندان زیر شکنجه و میدان تیرا را زگو کردن اعتقادات و مواضعمان را با بی نداشتیم. حال اگر آیت الله خمینی و سریداران حزب جمهوری اسلامی نسبت به گذشته خود چنین احساسی دارند این دیگر به ما مربوط نمیشود. این خود آنها هستند که باید به توده ها پاسخ دهند که چرا باید در برابر جوانانی که سن آنها حداکثر سه سال می رسید و به اقرا و ریح خود آیت الله و ما برین به قرآن و نهج البلاغه آشنا و تربیت ترا آنها بودند این همه دچار رجوع و انفعال شوند و بدتر از آن در

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# پیکار

۸۰ صفحه ۲۶

xalvat.com

بها ۲۵ ریال

۱۳۵۹

سال دوم - دوشنبه ۱۹ آبان

## در صفحات دیگر این شماره:

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت روزیونیستها (۳) صفحه ۱۵
- جنگ، بهانه‌ای برای تشدید استعمارکارگران! صفحه ۳
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۹) صفحه ۹
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۱) صفحه ۶
- پاسخ به نامه‌ها صفحه ۱۳

## گرامی باد خاطره سه پیکارگر قهرمان



رفیق منوچهر نیک اندام



رفیق محمد علی اشرفی



رفیق شکرالله دانشیار

پیکارگران شهید رفقا محمد اشرفی و منوچهر نیک اندام چگونه محاکمه شدند؟

صفحه ۲۱

گزارشی از سمینار سرتاسری دانشجویان و دانش آموزان هوادار در خارج از کشور

صفحه ۱۱

## جنبش خلق کرد، جنگ ایران و عراق و منادیان صلح در کردستان

سیاست رژیم در قبال کردستان: محاصره و سرکوب

صفحه ۵

## هیئت حاکمه و جنگ قدرت بر سر رادیو - تلویزیون

صفحه ۲۶

"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار!

صفحه ۷

محاکمه سعادت توطئه‌ای دیگر بر علیه نیروهای انقلابی

صفحه ۲۶

مگ ب امب یالسم آم بکا، دشمن اصلی، خلقهای ایران

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون  
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۵۳ تا ۵۹

میگذاشتیم. و از همین روجه رفیق ترا بوجه من  
وجه از طریق عنایری چون آقای دعا شی گفته در  
تساوی است. البته الله بودند، میگوشتیم تا نامیده  
در جریان فعال مسائل ورخداهای ایران قرار  
گیرد.

اما واقعیت این نبود، هرچند که تا هم نسبت به مسائل و ورخدا‌های ایران برای هر فرد و از جمله آیت‌الله خمینی که در خارج از ایران بود، میتوانست در حرکت و موثر باشد، ولی مسأله اساسی این بود که این تا شرگذار و این حرکت و جهت آن را شرایط نام و تمام و

هر جنبشی ضعیف است و در برابر رژیم یهود قدرت سیاسی حاکم، جنبه فرعی تفا را تشکیل میدهد، ولی اگر به نیازهای جنبش پاسخ شایسته داده شود، به تدریج و با شرکت بیشتر مردم در مبارزه جنبش رشد میکند و تا آنجا به پیش میرود که بساط ظلم و ستم دشمن را درهم میشکند، شاید برای شما تعجب آور باشد که من برای اثبات حقانیت نیست گفته‌هایم به آیات مختلف قرآن و خطبات نهج - البلاغه و نمونه‌های عملی در تاریخ اسلام استناد می‌کند و بآیت الله را به آنها مراجعه میدادم. لیکن ساله، ساله معرفتی نبود که

آیت الله در خلال بحث پیرامون خط مشی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: «مردم آبادگی برای مبارزه ندارند و کاری نمی شود کرد و آقایان هم نمی توانند کاری انجام دهند. اگر واقعاً امیرشاهی (!) بخواهد بکند، مسئله طوور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد، ولی الآن دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید».

برای آیت الله قبل از هر چیز «طحا» اعلام، «فضلا گرام» و «تجار محترم» مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشگایان و دست‌آورد هفتان و کارگران به‌چاره و درم‌واردی هم این «بهارگان» از نظم می‌افتادند و معطلی از ارباب نبودند!

ولایتی که با موضع طبقاتی آیت الله داشت و اینکه آیت الله در میان تمامی حرکتها و حرا و های اعتراضی ایران، تنها به بازو روحانیت و حرکت اعتراضی آنها توجه داشت و با علامیه های خود عموماً و در درجه اول آنها را مورد خطاب قرار میداد، کاملاً در همین رابطه قرار میگرفت. برای آیت الله فصل از هر چیز «علماء اعلام»، «فضلاء گرام» و «تعارف محترم مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشجویان و استادان و آخوندها و کارگران و بیچاره و دره و سوار و ده هم این «بیچارگان» از قلم میافتادند و محلی از اعراب نبودند! وقتی هم که از مبارزات و جان فشانیهای همین زحمتکشان در تاریخ مثلاً ویتنام برای آیت الله سخن میگفتم، از طرف ایشان جواب داده میشد که اینها همه اش حرف است. آقا جنگ ویتنام را آمریکا و شوروی درست کرده اند که اسلحه ها را را آب کنند و مردم در این میان کارهای نیستند. من توضیح میدادم آقا نموده ها نیروی اصلی و محرکه تاریخند، آنها هستند که تاریخ را میسازند، نموده ها اگر بیست و آگاهی دست یابند، به آتش نشان مبارزه تبدیل میشوند و قادرند با هر قدرت و نیروی مقابله کنند و هر چند در طولانی مدت او را شکست دهند، من با حوصله و وقت تمام مضمون گفته های ما را در باره نقش انسان و جایگاه تاریخی او در همین رابطه حتماً آفرینی های او را در طول تاریخ و در عصر خودمان و از جمله در ویتنام، چین، کوبا، کره، الجزایر و فلسطین برای آیت الله توضیح میدادم ولی پاسخ آیت الله این بود که اگر

از ما شدن در این باره بحث با آیت الله  
پنجم، مسأله، مسأله طبقاتی بود. آنچه را که  
من برای آیت الله مطرح میکردم میتوانست  
برای یک کارگرویک عنصر زحمتکش و با پیگ  
روشنفکر انقلابی، بسیار قابل فهم باشد، چرا که  
او بنا بر ما هیت طبقاتی و ظلم و ستمی که بر ما و  
رفته است، گفته های مرا با تمام وجود احساس  
میکند و با افزایش آگاهی اش به درک اصولی  
و همه جا نهی نسبت به آن نا ثل میشود. اما  
آیت الله که در آن زمان اما سا قتر خرد و بورژوا-  
زی مرفه ستمی را نمایندگی میکرد، از زاویه  
منافع و خواسته های این قشرها مسائل برخورد  
میکرد و برای او آنچه که اهمیت داشت، حرکت  
اعتراضی یا زار و روج نیست بود و چنان به چیز  
بگرتوجهی نداشت.

در یکی از همین جلسات، آیت الله به من گفت: شما از ما دگي و مبارزه مردم صحبت مي - كنيد، در حاليكه روحانيت ما هنوز حرکت نكرده است و حتي به درك درستي از اسلام و حاكميت اسلامي نرسيده است و در ميان آنها هنوز كميسي نتوانسته است تحليل كاملي از انگيزه قيام امام حسين ارائه دهد (بدنيست بدانيد كه اين مطلب را آيت الله پس از مطالعه كتاب امام حسين كه توسط ما زمان شهيده بودن به او داده بودم اظهار ميكرد) البته در آن روز ما اين نحوه برداشت آيت الله را از مسائل اجتماعي و مبارزات مردم، تا اندازه نسبتا زيادي بحساب دوري و بي اطلاعي او از تحريكات ايران و مسائل مربوط به او از اخبار روزگارشات محدودی كه به دست ما رسيد، از تحريكات و مبارزات ايران به او داده ميشد.

( قسمت نهم )

**رفیق روحانی:** قبلا برای شما توضیح دادم که در ملاقات های من و آیت الله قبل از هر چیز کوشیدم تا ریخته تشکیل سازمان، ایدئولوژی، مواضع سیاسی و فعالیتهای سازمان را برای آیت الله توضیح دهم. و برای آنکه بحثهای ما همهجا شبهه تریا شد، برخی از نشریات درونسی سازمان را نیز که در آن زمان در اختیار داشتم برای مطالعه به آیت الله دادم.

پس از توضیحات مفصل من و مطالعه کتاب  
 "امام حسین" توسط آیت الله، مسائل مختلفی مورد بحث  
 ما قرار گرفت که من سعی میکنم نکات برجسته  
 آن را بطور خلاصه در اینجا ذکر کنم.

از جمله مسائل که بین آیت الله و من مود بحث قرار گرفت، موضوعی آیت الله در قبال تریایط جا معه، شیوه مبارزه و نقش توده ها در انقلاب بود. آیت الله در خلال بحث پیرامون فط مشی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: "مردم آمادگی برای مبارزه ندارند و گاری نمیشود کرد و آقا با ن هم میباشند گاری انجا مدهند. اگر واقعا میری با شاهی (؛) به ما کمک میکرد، مسا له طور دیگری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب کرد. ولی الان دست ما خالی است و گاری از ما بر نمی آید."

در توضیح این مسأله ابتدا من دربارۀ وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و میزان نارضایتی آنها چه در شهر و چه در روستا مطالبی را مطرح کردم پس نمونه های زیادی از حرکت های اعتراضی مردم نظیر تظاهرات مردم شهران در چهلم جهان بهلولان تختی در سال ۴۶، تظاهرات ضد صهیونیستی، رهنگام، مسابقات ورزشی ایران و اسرائیل، سال ۴۸، جنبش گسترده اعتراضی علیه گران شدن بنمای اتوبوس در اسفندماه ۴۸، اعتصاب کارگران جیب و کشتار آنها توسط رژیم در سال ۵۰، مقاومت و ایستادگی حماسه آفرینندگان و ستای "دوتبه" زنجان در مقابل قتل و غارتگری، شتم و توهین آنها، اعتراضات و تظاهرات دانشجویان دانشگاه، تشکیل گروه های انقلابی و روی آوردن قشر وسیعی از روشنفکران انقلابی به مبارزه علیه رژیم شاه، دستگیری های وسیع و پیر شدن زندانیان جوانان مبارزان انقلابی، حکومت و اعدام مرزندگان و حماسه آفرینی های بنادنیان تحت شکنجه و... را برای آیت الله با آوردند و تا کید کردند که در اینجا وظیفه و نقش عناصر آگاه است که به آگاهی سازماندهی و راهبردی برای اطلاع آیت الله به تشریح توضیح مبارزات و انقلابی که در چین، ویتنام، الجزایر، کوبا، فلسطین صورت گرفته و میگیرند پرداخته و گفتند که چگونه در این کشورها نیروهای انقلابی با آگاه به مردم و با نیرو و امکانات جدیدی که در بدو امر در اختیار داشتند مبارزه با مبرها لیستی که آنها را روبرو داشتند و در این راه پیروز شدند و برای پیروزی خود همچنان میبایست مسکن داشتند و تلاش می کردند تا به

شماره رسلح توده ها و قیام مسلحانه، شمار مشت در برابر کلوله را میداد، و تا آخرین لحظه هم از دستورهای خودداری کرد.

اگر در سال ۵۵ و در زمان ملاقات من با آیت الله، شرایط برای مبارزه مسلحانه با رژیم آمادها شده بود، ششمه دوم سال ۵۷ این شرایط وجود داشت و اگر نمی بینید که آیت الله خمینی حتی در شرایط اوج جنش توده های و موقعیت انقلابی، از دست زدن به سلاح و مبارزه مسلحانه مردم در برابر ارتش سرنا با مسلح آمریکا شش

کرده و آن را تبلیغ نمایند، و یا مثلا لیب راها را در نظر بگیرند، آنها که در زمان شاه در صدد سازش و بندوبست با رژیم وای میربا لیبها بودند و میگفتند "تا به بدسلطنت کنند و نه حکومت" و مبارزه شان هیچگاه نه برای تأمین خواسته های مردم (که نمی توانست باشد) بلکه برای بدست آوردن سهم بیشتری از غارت و استثمار رکارگران و زمینگان بود، طبیعی است که برای رسیدن به چنین هدفی، با رلمان تاریم و شیوه های اصلاح طلبانه و مسالمت آمیز مبارزه را

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت بمن گفت این بود: **آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید!** (واقع ارا نیست که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم).

در شرایطی که زمینگان و توده های خلق ما گروه گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکائی شاه کشتار میشدند، آیت الله خمینی این ارتش را برادر مردم خطاب میکرد و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینمود و بجای شعار تسلیح توده ها و قیام مسلحانه، شعار مشت در برابر کلوله را میداد و تا آخرین لحظه هم از دستورهای خودداری کرد.

شاه شاه ترس دارد، دیگر نمیتوان این گفت او را در سال ۵۵ که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم، یک سرخوردنا کتیکتی تلقی کرد، در اینجا باید به توضیح این نکته مهم

بپردازم که عدم اعتقاد آیت الله به مبارزه مسلحانه بمعنی این نیست که در قبال طبقات و نیروهای که با آنها تقادتنا کونیست (آشتی نا پذیر) دارد، دست به سلاح نمیبزند، بالعکس این فائونمندی مبارزه طبقاتی است که طبقات متخاصما استفاده از انکال مختار، مبارزه و در راس آن شکل قهرآمیز در برابر یکدیگر به مبارزه برمی خیزند. مبارزه قهرآمیز پرولتاریا و زمینگان و خلقهای تحت ستم ایران با رژیم شاه و متفلا کشتار و دمنشان و وحشیانه مردم توسط این رژیم بیا نگر همیبر ساله بود. چرا که دور بر روی همین لیب راها و آیت الله خمینی که در گذشته ریک در سطحی از کسترش مبارزه مردم به سازش کشیدن آن و جلوگیری از تسلیح و مبارزه مسلحانه آنها علیه رژیم شاه جلوگیری و حتی پس از قیام بر سر حفظ ارتش و سیستم سرمایه داری وابسته، به خلق سلاح نوده ها پیدا خند، از زمان به این طرف در مقابل مبارزات کارگران، زمینگان و خلقهای تحت ستم و فعالیت نیروها و انقلابی و کمونیست بشدت ایستادگی نموده و پاسخ آنها را با کلوله و کشتار میدهد. مردم ما و خلق قهرمان کرد که بدستور آیت الله صورت گرفت از با دتمیبرند، مردم ما هیچگاه سخنان سال گذشته آیت الله را در تاسف از اینکه چرا جوبه های دارا در میدانهای بزرگ برای کمونیستها و انقلابیون بیا نکرده است، از با دنا خواهند برد، مردم ما بیا دنا رنده همین ارتش و سبا با دارا - ان مورد حمایت اوجه جانیتهائی که در کردستان، ترکمن صحرا، غوزستان و سایر مناطق ایران بیا نکرده اند، مردم ما بخوبی شانه

با رژیم شاه در پیش بگیرند، دعوی آنها با رژیم شاه و میربا لیبها دعوی دلدادگان بود و دعوی دلدادگان هم که نیازی به سلاح و قهر مسلحانه ندارد!

اکنون آیت الله خمینی را در نظر بگیرند. هر چند که موضع آیت الله با موضع لیب راها تفاوت داشت و آشکارا میان او و قناری که آنها را نمابندگی میکرد با رژیم شاه و میربا لیبم تقادتنا وجود داشت و در همین رابطه به یکسری حرکت های اعتراضی بر علیه رژیم شاه و میربا لیبم آمریکا از سال ۴۱ به اینطرف دست زد، ولی تا مدت ها و تا همین او خردوران رژیم شاه هیچگاه هدف سرنگونی رژیم شاه را در نظر نداشت و این را شامیتوانید از مضمون و محتوای تمامی اعلامیه ها و خطابه ها و خطبه های آیت الله در دوران گذشته و از جمله سالهای ۵۷-۴۱ بدست آورید. رفیق شراب در مباحثه خودش با شما نمونه های برجسته ای از آنها را برای شما بطور مستند توضیح داده است و من دیگر نیازی به تکرار آنها در اینجا نمی بینم.

از اوایل سال ۵۷ به اینطرف هم که آیت الله با تا شریذیری از شرایط اعتلا جنش و پیدایش موقعیت انقلابی در ایران به مبارزه خود بر علیه رژیم شاه شدت بیشتری می بخشد، و بر خلاف لیب راها خواهان سازنا بودی سلطنت در ایران میشود، ولی با توجه به موقع طبقاتی او و قشری که آن را نمابندگی میکرد، و با توجه به ماهیت قدرت سیاسی ای که او در صدد ایجاد آن بود، یعنی حکومت اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه، هیچگاه حاضر به مبارزه ای جدی و قاطع بر علیه رژیم و ارگانهای آن و از جمله ارتش، این ارگان سرکوب دشمن نبود و شامیتوانید از توده های دارنده در شرایطی که زمینگان و توده های خلق ما گروه گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکائی شاه کشتار میشدند، آیت الله خمینی این ارتش را برادر مردم خطاب میکرد و از مسلح

اقتا امیری یا شاهی به ما کمک میکرد، مساله نوردگیری بود و میشد روی پیشرفت کار حساب برد ولی الان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید. حال این است که آیت الله نوصیه اش به ما که برای جلب کمک و همراهی او به بخود، بلکه به انقلاب ایران نزدیک و رفیق بودیم، این بود که شما هم کاری اریش نخواهید برد و در سخنرانی اخیرش (۴ تیرماه) هم با صراحت بیشتری به این مساله اشاره کرد و گفت من به شما گفتیم که "ببخود خودتان را به باد ندهید".

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت بمن گفت این بود: **آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید!** (واقع ارا نیست که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم).

در دوا مرمکن است تصور شود که منظور آیت الله از این گفته که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم"، جنبه تاکتیکی مساله باشد یعنی اینکه آیت الله مثلا بدلیل عدم آمادگی مردم برای پذیرفتن این مبارزه که به بالاترین شکل مبارزه است، در آن شرایط آن انفی میکنند و از اعتقادی ندارند و این به معنی نفی ضرورت مبارزه مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی نباشد.

روشن است که اگر منظور آیت الله از این گفته، جنبه جبری بوده باشد (که نمیتوانست باشد)، این رد، کاملاً بجاش بود، چرا که منی ما آن روز بدلیل بزرگی ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی مان، یک مشی رده بورژواشی بود که میخواست قهر انقلابی مبارزه مسلحانه را در شرایطی در دستور کار را رده که توده ها هنوز آمادگی پذیرش آن را نداشتند و مبارزات آنها در سطح پایینتری قرار داشت و از اینرو منی ما یک مشی آوانتورستی جدا از توده بود که به هیچ وجه قادر به هدایت مبارزه طبقاتی توده ها نمی توانست باشد. اما من با بدبا قاطعیت شما بگویم که چنین تصور و رداشتی در مورد اعتقاد آیت الله نسبت به مبارزه مسلحانه به هیچ وجه درست نیست. این گفته آیت الله که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم" نه از جهت تاکتیکی و نه از اویه عدم آمادگی توده ها برای درگیر شدن در نین سطحی از مبارزه، بلکه متخما از اویه عدم عتقاد به ضرورت قهر مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی است و این، دلایل فراوانی دارد که من می میکنم در اینجا به جنبه های آن اشاره نم.

قبل از هر چیز باید گفت که اعتقاد به شکل مبارزه هیچگاه جدا از مضمون مبارزه طبقاتی و دفی که مبارزه بظان صورت میگیرد نیست. عنوان مثال رویونیستها و از جمله حزب وده را در نظر بگیرید، آنها با تجدیدنظر در مول مارکسیسم و نفی دیکتاتوری پرولتاریا و تبلیغ آشتی طبقاتی و یا پذیرش راه رشد غیر سرمایه آری و... طبیعی است که قهر انقلابی را هم نفی



## بقیه از صفحه ۱۵ ... مصاحبه ... xalvat.com

حکام دادگاههای انقلاب اسلامی مورد استناد  
نامل آیت الله هستند که وزیرای هویدا، روسای  
مرجسته واک و حتی کودکان را اغوا می‌دهند و  
با به چندان زندان محکوم می‌کنند، ولی  
نمی‌توانند انقلابیون را به حرم دفاع از آرمان  
نمی‌توانند متافع زحمتکشان در دادگاههای  
ربسته و حتی دادگاههای صحرایی خند و تندی  
محکوم به اعدام می‌کنند! (۱)

آری، از نظر آیت الله و فتری که او آنها را  
حاکمیت می‌کند و بیشتر از آن اسیر آنها سازی  
بقیه در صفحه ۱۹

(۱) - با ورقه از بیکار: مرا جمع کنید به حکومتی  
حاکم، فقط به حد شک اندام، محمد شاه...

## بقیه از صفحه ۱۷ ... مصاحبه ... xalvat.com

به مبارزه مسلحانه در برابر رژیم شاه و حاکم  
نداشته و اعتقاد به آن هم ضرورتی ندارد، ولی  
در برابر نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان  
و خلقهای تحت ستم با بد قاطعانه و مسلحانه  
ایستادگی نمود، هم اینجا و هم آنجا قاتل  
مبارزه طبقاتی عمل کرده است، آنجا مبارزه  
مسالمت آمیز در برابر رژیم شاه و اینجا با گلوله  
در دادگاههای انقلاب...



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۸۱

پیکار

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۵۹ بها ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- زندانیهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمیدهد! ۲۱ صفحه
- نوطه و خرابکاری بعثیها علیه جنبشهای انقلابی خلقها، منطقه ۱۴ صفحه
- مضاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) ۱۶ صفحه
- با جنم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۲) ۶ صفحه
- پاسخ به نامه ها ۱۸ صفحه

اجتماع کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان

آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده

۷ صفحه

پیکارگران شهید رفقا:

حسین نورائی،

غلام سقاط،

بهرام شاهوران

در جبهه جنگ بشهادت رسیدند

۲۸، ۲۳ صفحه

سرمقاله

جنگ، گرانی و جنبش توده ها

بحران اقتصادی در زمان رژیم مزدور شاه که نتیجه جا کمیت سرمایه داری وابسته بود، در دوران رژیم جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرده و اسما جدیدی بخود گرفت. رئیس بنیاد گزائی افزایش بیکاری، نکاف با رژیم مستعمر واردات و صادرات بیفیع ورود کالاهای امپریالیستی تشدید استثمار و فقر توده ها، همه و همه شانه های خمیخ بستر بحران اقتصادی بود جنگ ایران و عراق این بحران را اسما دو چندانگی بخشید، شورش بکتری از مراکز صنعتی و اقتصادی بویژه صنایع نفتی، قطع درآست گسترده نفت و یا بودی مبادات جنگی بحران اقتصاد وابسته رژیم را به نحو بیابانه ای گسترده نمود و اس امر در شرایطی بود که رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ، محتاج تا مین بود و نه مانی و منابع مالی جهت خرید اسلحه های امپریالیستی می باشد. ۲ صفحه در صفحه ۲

جنگ،

افزایش قیمت ها و کرسنگی هر چه بیشتر زحمتکشان

نحلی و کرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ برای زحمتکشان ما از هم اکنون وضوح چشم بخورد. سرنج و روغن و فستق و گریه مرغ و کبوتر تا باب است، نفت و بنزین، بخصوص با آغاز فصل سرما کفاف نسیاز زحمتکشان را نمیکند. مظهری نان روز بروز طولی تر مستود و اسوا ع دیگر کالاهای مصرفی و مواد غذایی با اعلای وجودنداشته و توسط سرمایه داران احتکار شده است و با نسیا قیمت های سرمای و ر خورنده بفره و خانه زحمتکشان، بلکه بفره و خانه سرمایه داران، بازاریان مرفه و جبرخواران رژیم جمهوری اسلامی را رنگین میکند. ۲۲ صفحه در صفحه ۲۲

روستای ایندرفاش: قارنا و قه لاتانی دیگر

قتل عام فجیع اهالی روستای ایندرفاش

۵ صفحه

مجاهدین خلق و جنگ

بیانیه مجاهدین در رابطه با تجاوز عراق

باز هم ترنزل در مقابل انقلاب

۹ صفحه

رهنمود به هواداران:

درباره فلاکت جنگ و جنبش توده ای

۲۷ صفحه

جنگ عادلانه چیست؟

۱۳ صفحه

در شهری که ضد انقلاب حکومت میکند

قطب زاده

"مبارز" کهنه کار از آب در میاید!

۱۲ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

مطرحه در این کتاب وجود داشت که من سعی میکنم بخورانش را ذکر کنم.

از جمله نکات مهمی که در این مطالب این کتاب مورد بحث ما قرار گرفت، چگونگی برخورد با روحانیون مرتجع و وابسته به رژیم شاه بود. سالها از این قرار بود که ما در کتاب "ما و حسین" آنجا که به فتوای قبل امام از طرف "ترجم" قاضی الشافعی در باره اموال من میرسد، به افشای نقش روحانیون مرتجع در تاریخ و از جمله در عصر خودمان پرداخته و به توده های مردم درباره عوام فریبی و رباکاری آنها و حیانتشان به مردم و خواسته های آنها هشدار داده بودیم. آیت -

بلکه در تمام آثار و مواضع ما چشم میخورد به بهترین و حساسان با رزق الشافعی در باره دشواری و تفکر آن روزها (و امروز مجاهدین) بود، الشافعی که میخواهد بیان ما ده خدا، عین و دهر - ما تراب لیس و ایدالیم اشخی سر قرار کند و ما عاریت گرفتن چیزی از این و چیزی از آن ایدشواری الشافعی ای بنا زد که به رحمت حال جوهر ایدالیم و غیر علمی را به همراه خود دارد. علاوه بر این و در رابطه با عملکرد همین دیدگاه الشافعی، این کتاب در مواردی و از جمله در مورد صلح امام حسن و با استغاث "معلم" از کشتن "این زناد" موضع کاملاً توجیه کارلدهای

ما از همان روز اول که قدم در راه مبارزه گذاشتیم و انتظار می رفت جز این نداشتیم که نشانه های آزادی رژیم، بلکه حتی از طرف طایفه و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعن قرار گیریم و این طبیعی است که این دسته از طایفه را بر این افکار گریه های مابیه مخالفت با ما بر خیزند. و ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما میتوانیم بخاطر لعن و تخطی و کفر این حضرات در مقابل خیانت آنها و در غلگاریهایشان سکوت کنیم و آنها را در برابر مردم رسوا سازیم؟

آیت الله خمینی نسبت به آوردن این مطالب افشاگرانه علیه روحانیون مرتجع اعتراض داشت و از ما خواست که این قسمت را حذف کنیم. من از آیت الله سوال کردم که آیا این پیشنهاد دشمنان در رابطه با ما درستی این مطالب است و آیا اینکه غیر از مضمون درست آن جنبه ملاحظه کاری و یا مصلحت تا کنیکی دارد؟ آیت الله اظهار داشت که مضمون این مطالب مورد قبول من نیست و پیشنهاد دوا مرا رس جنبه ملاحظه کاری دارد و اگر ایضا خود شما نمی بینید و دلیلی هم ندارید که شما این مسائل را حالا مطرح کنید. من گفتم: آیا اگر شما قبول دارید که این مطالب این درست است و اگر قبول دارید که این روحانیون مرتجع در خدمت رژیم هستند و یا سو استفاده از مقام و موقعیت مذهبی و اجتماعی خود به فریب توده ها مشغول بوده و به بدی در راه آمیزش با آنها با رژیم شاه در آمده اند، چرا نباید جهره کشید؟ آنها برای توده ها افشا شود؟ آیا این به معنی سازش با این مرتجعین و وزیران گداختن مفاعع بوده است؟ آیا این به معنی کتمان حقایق برای مردم نیست؟ آیا این به معنی میدان دادن و سازش با دشمنان راه برای ادا معصیت انگیزان و اقدامات فریبکارانه این دسته از علمای و مجتهدین که فراعوان نیز هستند نیست؟ آیت - الله که انتظار چنین جابجایی را از ما نداشت، بلافاصله در جواب گفت: خوب اگر شما این سراسر بنویسید، آنها هم شما را تکفیر میکنند و ما تسع کارتان را میشوند. من گفتم که ما از همان روز اول که قدم در راه مبارزه گذاشتیم، انتظاری جز این

در پیش گرفته و گوشه است اقدام مخالفه کارانه اما ما و حسن و مسلم را در مقابل رد و قبول الذکر، سنگ اقدام اصولی و انقلابی جلوه دهد که البته حقایق بحث آنها در این مباحث نیست.

همانطور که گفتیم کتاب "ما و حسن" از نظر شکل هم ایدشواری الشافعی ما و چگونگی سیاسی برخورد ما به مذهب و ما را کسبیم را موضوع نشان میدهد. بسیاری از مضامین این کتاب بر سر بود از امتیازات ما به قرآن و نهج البلاغه از یک سو و نقل قولهای از لیس و دیگر بزرگان ما را کسبیم از سوی دیگر و از چنین نحوه برخوردی که منحصراً به این کتاب، بلکه شما به یک شیوه عمومی بنا سازید ایدشواری الشافعی آن روزها، در اکثر آثار و مواضع ما را سیاسی تا کتاب شناخت راه آنها و... بکار گرفته میشود.

و اما در مورد برخورد آیت الله با کتاب "ما و حسن" باید بگویم که در مجموع، از خصمیت تهیه کنندگان آن تعریف و تمجید کرد و از اینکه بنظر او ما توانسته ایم حسین خطیبی از قیام "ما و حسن" را زنده دهیم، تحلیلی که تا آن زمان هیچک از بزرگان روحانیت سر نخواستند، نبودند. بنظر آن را از آیه دهنه، منعجب بود و این منعجب خود را به شکل غیر مستقیم و با کفشی ایسی مطلب که آقا هنوز روحانیت ما نتوانسته تحلیلی ضد خاسته از "ما و حسن" را زنده دهد، برابر دانست. علاوه بر آیت الله خمینی کو چکتر کسی انتقادی به نقل قولهای که در این کتاب از بزرگان ما را کسبیم، بنظر لیس و... آمده اند است اما از اینها که کفریم، اخلاقیات تحمی نیست دیدگاههای ما موما در برخورد با مسائل مختلف

### (قسمت دهم)

پیکار: رفیق روحانی، شما در خلال صحبتها بیان کردید که کتاب "ما و حسن" نوشته مجاهدین خلق، به آیت الله خمینی سخن بسیار آوردید و شما میخواستم توضیحاتی در باره این کتاب و نظرات آیت الله در باره آن بدهم.

رفیق روحانی: همانطور که قبلاً اشاره کردم، ما در توضیح مواضع ما را ما مجاهدین برای آیت الله، علاوه بر توضیحات تفهیمی، مدارک و سبب از ما را ما و از جمله کتاب "ما و حسن" را نیز برای مطالعه در اختیار آیت الله قرار دادیم. این کتاب که حاصل کوشش مجاهدین و دیگران است یکی از جمعی از اسناد گروه ایدشواری سازمان در سال ۴۸ بود. تا آخری بنواستعلی دارنده فلسفه و انگیزه قیام "ما و حسن" و نقش تاریخی و اجتماعی آن را تحلیل بنایم و در این میان نقش عصر آگاه را در هر شرایط و از جمله شرایط حاضر در قبال رژیمهای خد خلق و مقابل با آنها و همچنین وظیفه آگاه ما سخن نموده های تحت ستم و استعمار را با کوشش ایدشواری از آن جهت مواضع ایدشواریک - سیاسی سازمان را به نحو برجسته ای توضیح میداد. از آن بعنوان جزوه آموزشی بنواستعلی بنایم در کتاب برای اولین بار صورت بلی کپی در سال ۵۱ در سطح جیش منتشر شد که تا شرات جالسی بر روی جواد از آن سازمان مجاهدین بحای گذاشت.

من در اینجا فرصت برخورد تحلیلی و تفصیلی به این کتاب را در این محای آهستم اینجا نیست ولی ما اینجا باید اشاره کنیم که این کتاب چه از نظر مضمون و چه از نظر شکل تخم باروری ایدشواری الشافعی ما را ما و حسن از مجاهدین بود. تحلیل ما از ما و حسن از یکسو تا طریقه ایدشواری اسلامی و اعتقاد به خدا، وحی و امامت و الزاماً ما و آیت الله خمینی و دیگر نهی ما تراب لیس و دیگران بود. و از سوی دیگر نظارت بر برداشتهای "نادی" ما از تاریخ و رویدادهای تاریخی و از جمله ما و مسام حسن و واقعها تا روزا است. ما از یکسو بروی محرکه تاریخ را که "آزاده با رشتعالی" و بنایم و اما ما در دانش و از دیگر سوسا زده طیفانی و توده ها را بعنوان نیروی محرکه تاریخ بحساب میاوردیم. از یکسو "ما و حسن" را یک عنصر "برگزیده" و بنمایا از دیگران و از سوی دیگر انسانی "مادی" همچون دیگر افراد خلقی میکردیم. از یکسو بنایم "ما و حسن" را بنایم الهی و آسمانی که ما ما را کسبیم از انجام آن است و از سوی دیگر بنایم و را بنایم انسانی و با مصلح زمینی که ما ما را کسبیم و از یکسو بنایم با رزق انقلابی نشان دست سازده، مورد ربا بنی برار میا و... .

همانطور که ملاحظه میکنید، این نحوه دوگانه و متناقضه در بالا مخط به برخی از اینها اشاره کردیم و بی شک موارد آن تعدا این اندر

و قضا حاکم این چهار باب باز معاینه میکنند که  
دم را و قاضی آنها برنم. را می چرا! او اصلاً  
دلیل معاینه برای این کار چیست؟ شما معاینه را از  
تکثیر و تعدیل و تعدیل و تعدیل و تعدیل و تعدیل و  
در حالیکه تکثیر و تعدیل و تعدیل و تعدیل و تعدیل و  
بسیار حفاظت معایت کسی که می دانستند و  
ظرفداران او را می کشند طبیعی است که نباید  
همانند رخنه آمدگویی از آنها را داشته باشد.  
این معاینه کاملاً روشنی است. شاید شما تعجب  
کنید که ممکن العمل آیت الله در برابر این همه  
بوضوحات مانع کننده من حتی افراد را می بینم  
خودش نسبت به این مسائل، بیگوت بود و بیگوت!  
و با آخری این لحظه بزرگ و بزرگترین تبعیضی در نظیر  
اولیه اش نداده!

آنها را شهید می‌کرد، بخود. اما مردم مامدانته  
گفته‌اند ای هیزه کشف روحانیت مرنج مرنج  
کاری است و نه دفاع از فرزندان انقلابی  
خلق آمریکا را می‌بخشم، ما چیزی را نه از ما و  
نه از مردم پوشیده‌اند ختم، فریادگر رگاسی  
هستند که میخواهند مردم ما به ما هیت ارتقا می  
روحانیت درباری و بارنگاری می‌نوردریسا  
کارانه در حدیثی و کتمان حقایق می‌مانند  
که در صورت روشن شدن آن، مونسیت روحانیت را  
در کلیت خود به خطر می‌اندازد، فریادگر رگاسی  
هستند که آخوند و آینه‌ای چون فلسفی و اعظم  
در بارگه ما هیت و عملگر و در طول سالهای  
گذشته برای سوده‌های وسیعی از خلق ما و عمیق  
برای خود آیت الله ساخته شده بود، او را در

بناشتم که به تنها از وی رزم، بلکه حتی از طرف علما\* و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعن فراگرفت و این تیر و پیکانی است که این دسته از علما\* در برابر افراسیابهای مائمه مخالفت یا مبارزه کردند، ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما می توانیم با طرلعین و تکفیر این حضرات در مقابل حیانت آنها و عمل کاربها یا نیکوت کشیم. و آنها را در برابر مردم بر خوانا رزم کنیم؟ ما اهل خدعه و فریب نیستیم، اینجا منافع نوده ها مطرح است و ما نباید در راهی به بازی و ملاحظه کاری بندهم. این ملاحظه کاری، خود فریب توده ها و کثا صبی نا بخود پی است. ما حاضریم لعن و تکفیر این حضرات را بنویسیم و عاری آن را نیز منحل تویم ولی دست از افشای حقایق نبرده ازم. نقطه عزیمت ما باید منافع توده ها و مصالح جنسین باشد و هرگونه بیزه پوشی و گمان آین مسائل بریان توده ها و مصالح جنسین است.

در اینجا من برای توجیه آیت الله و آنچه  
ای را که خود من همانا سرورشان بودم و سرست  
کردم. جریان از این قرار بود که من برای اطلاع  
و شناخت بیشتر روحانیون نجف، بافتنای  
همین آقای دعاشی به منزل آیت الله شاهروزی  
رفتم. اتفاقاً همانا سرور فرزندان آیت الله شاهروزی  
از مسافرت مکه نبرشته بود و منزل آقای بود از جمعیت  
که برای دیدن او آمده بودند. بی‌آزور و دعای  
میان جمعیت، فرزندان آیت الله شاهروزی مقابل  
جمعیت ایستاد و شروع کرده به سخنرانی و مافکر  
کردیم که جمعاً حالا میخواهیم از نجف و همسست  
حج و راه آورد خود را از این سفر حرف بزنند، اما او  
بجای هدایت حرفها شروع کرده به تعریف داستان  
دقتش به فرستادن نجف (واقع در شهر مدینه)  
و اینجا مرا آمد مذهبی و جلوگیری بپس سفودی  
از آنجا من مرا آمد و در این میان رخسار  
معجزه ای که طی آن رئیس بپس آنجا ناگهان  
به زمین می افتد و سمیرا و دوستان ترتیب به  
برای غفلت میرسد.

فکر می‌کنید است‌الله خمینی چه‌ایستی در برابر این حرف‌های من که کوچکترین تردیدی در صحت آن نبود، می‌توانست داشته باشد؟ است‌الله خمینی خا‌روای خرافات را به این مسائل که در ایران و بین‌الزمان در میان بحث‌و درگتار خود وجود داشت، نمی‌توانست داشته باشد و لذا خیلی خودم‌ای به من گفت: "فاطمه هنوز کتابش را ندیده‌اید من وقتی حکومت اسلامی (منظور کتاب ولایت فقیه است) را در اتحاد درس گرفتم، اکثر اینها (منظور علما) بر حوضه عراق است بعد از آن‌ها در مدون در بحث در اسلام را استبداد را بنی‌تسلیم رها کرد."

باسم من روستی بود: نه آلهای گفتمش اگر  
اندوخته است که میگویند: دیگر بگویم تا در حال  
آنها چه میگویم: دارد و چرا بعد از این همه سواش

فربکارمانستیم، ماچیزی راته ازسپاونه از مرد م پوشیده نداشتیم، فربکارکسانی هستند که نمیخواهند مردم ما به ماهیت اجتماعی روحانیون درباری و سازشکاریی بهرند ورباکارانه درسد و پوشش وکتان حقایقی برهماهند که درصورت روشن شدن آن موقعیت روحانیت را درکلیت خودبه خطرماندازد. فربکارکسانی هستند که آخوند وابستههای چون فلسفی واعظ دربارکه ماهیت وعلکرد اود رطول سالهای گذشته برای تود وهای وسیعی ازخلق ماوهمچنین برای خودآیت الله شناخته شده بود واوراد رکنارخود فرار داده و متعصم صرف و تسبیح از اومی بردارند.

آیت‌الله خمینی در سخنرانی اخیرش (۲۲ تیرماه) آنجا که راجعاً به شیخ باقر می‌گفت و برای فریب من آمده بود، من آنرا به الله سوال می‌کنم که آیا تا کنون روی اخفای روحانیون مرتجع و گمشده حقایق به مردم ویتنام بگردن آنها می‌چوبش فریب دادن شماست؟ آیا امروزه روی ضرورت پیشپا نی شما از فرزندانی اخفای مردم که در شرف اعدام بودند، به معنی فریب دادن شما؟ اگر معنی مفهوم فریب این باشد، حرف شما درست است و باید گفت که شما فریب نخورده‌اید، چرا که شما علیه افشای حیات روحانیون عالم نظام مرتجع شدید و همه کوچکترین حمایت‌ها را از انقلابی‌هایی که خطا اعم

کما را خود فرار داد و به تعریف و تحسین بسازان و می بردارند.

آری، ملاحظه کاری و بارش بی دلیل نیست .

بخطر آماندن منافع و روحانیت مرتجع، منافع خود شما را نیز بخطر می اندازد. آگاه شدن بوده - های خلق نسبت به روحانیت مرتجع، آنها را از نسبت به خود شما و بارشها بمان سرگامانتر خواهد ساخت. و شما قادر نخواهید بود با برآوردن سرموج نا آگاهی و توهم مردم نسبت به خود و سایر نسبی که خود شما امروز عجزی از آن هستید - همچون گذشته به فریب آنها بپردازید .

ادامه دارد



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸ صفحه

۸۲

**پیکار**

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۲ آذر ۱۳۵۹ بها ۳۰ ریال

**در صفحات دیگر این شماره:**

- جنگ و راد بوهای ضد انقلابی ۲۵ صفحه
- مانا الله قصاب، هنرکار خلخال!! ۲۵ صفحه
- بصاحبه بارفما حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) ۱۶
- پیام شیخ عزالدین حسینی درباره برخورد آگاهانه ۵ صفحه
- به جنگ ایران و عراق ۱۸ صفحه
- پاسخ به نامه ها

**پیام به توده های جنگ زده ایران و عراق**

۱۲ صفحه

۲۳ صفحه

**گرامی یاد خاطره یکا زگران شهید رفقا**

حمید رحمان پور حسین نورائی بهرام شاهوران غلام سقا

**سرمقاله**

**هویت حاکمه و اوج گیری جنگ قدرت**

در هفته های اخیر در محو حاکم ایران و عراق، مانا هدف افزایش در کمرش و شدت یابی بحران درون هشت حاکمه بوده است. سالها کرفس اختلافات در راد بوهای سربو و کار گذاشتن اسرائیل از سوی حاکم حزب جمهوری و متفلا محاصره با مطلق "ساز" قطب راد و متفلسی اسلانی از گامال دوم سربو و حاکم شده است. حاکم جمهوری اسلامی و سردمداران آن، شش در صفحه ۲

**صد و شصت و یکمین سالگشت تولد فردریش انگلس**

آمورگار کبیر پرولتاریا گرامی باد!

۱۳ صفحه

**تلاش زنجیر برای آزادی گروگانها**

قافیه رابر رویزونیستها و اپورتونیستها تنگ میکند

۹ صفحه

**آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم**

۱۵ صفحه

**ندیدن سوسیال امپریالیسم: نکته ای بس مهم در قضیه سعادت**

۲۱ صفحه

**عاشورا: نمونه ای از بخت گرفتن عزیز توده ها در جهت تخفیف نقاد های طبقاتی**

۲۸ صفحه

**رویزونیستها فدایی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی بر می خیزند!**

مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضع گیری فدائیان (اکثریت)

۳ صفحه

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران**

## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۵۳ تا ۵۹

نگاه مل بود، اعتقاد به اصل "نگاه مل" و پیدایش حیات از ماده و نگاه مل پیچیده آن به انسان، از ابتدای شریک و در عین حال اساسی ترسین اعتقادات سازمان مجاهدین بود و از همین رو یکی از جزوات آموزشی سازمان که پس از کشتاب "شناخت به اعتقاد ۱۰ مورد داده میشد، جزوه "نگاه مل" بود، اعتقاد به اصل "نگاه مل" و آنچه که بدست آمد اصول علمی در این جزوه آمده، در اساس بسیار داشت و اعتقادات مذهبی (اعم از اسلام و غیر آن)

که فعلا برای شما توضیح دادیم نمیتوانست در مبارزه خود علیه رژیم شاه، دارای پیگیری و فاطمیت باشد. شریف و تمجید آیت الله خمینی از تحلیل خوجه گریا به کتاب "ما محسن" از صلح "ما محسن" به پیچیده نمیتوانست جدا از عدم اعتقاد اولیه قهری انقلابی و مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم و رژیم شاه باشد، این سیار طبیعی و روشن است که وقتی آیت الله خمینی بنا آفرین روزهای دوران رژیم شاه و در شرایطی کنس

### (قسمت یازدهم)

پیکار و رفیق روحانی، شما ضمن بهر شمسردن و توضیح مسائلی که مورد بحث شما و آیت الله خمینی بود، از جوانگی نگارش و برخورد آیت الله به مبارزه مسلحانه و نهرا انقلابی سخن گفتید، در دنیا البته مطلب اگر مسائل دیگری در ملاقات شما با آیت الله مورد بحث قرار گرفته اند، توضیحاتی به ما دربار آنها بدهید. رفیق روحانی: من فعلا به شما گفته ام که آیت الله خمینی در ابتدا نظر خود نسبت به کتاب "ما محسن" از این کتاب و جوانی نگه آن را تشبیه کرده اند تعریف و تمجید کرد، در اینجا باید اضافه کنم که از جمله موارد مشخصی که مورد تأکید و تعریف آیت الله قرار گرفت، موضوع صلح "ما محسن" بودن در اینجا نه فساد آن در مورد نه جای آن هست که به تنا ریخته صلح "ما محسن" و همچنین به مضمون توجیه گریا به تحلیل آن روزها زمان از این صلح که در کتاب فوق الذکر به تفصیل آمده بود، سپردم، آنچه که در اینجا مورد توجه من است، استفاده از نگاه آن، فرصت طلبان و یا سیفیتها از این رخداد تاریخی اسلامی است. بعنوان نمونه، خود من در طول زندگی مبارزاتی ام در سالهای قبل با عناصر و افراد زیادی از این دست روبرو شده ام که در پاسخ این سؤال که چرا در مقابل رژیم منفق و پهلوی و با طرد دفاع از منافع و خواسته های خود ها سکوت اختیار کرده و حاضر نیستند دست به مبارزه بزنند، صلح "ما محسن" را شاهد آورده و مدعی بودند که شرایط برای مبارزه با رژیم پیچیده و سخت است، و هرگونه اقدام موافقیت علیه رژیم شاه که اقدام موافقیتی غیر اصولی و مخرجی است.

خوب بیا در ادامه گفتنی ما در آن خانواده های زندانیان سیاسی مجاهدین و هواداران آنها در سال ۵۵ و مقارن با همان زمانیکه من با آیت الله خمینی ملاقات داشتم، نزد آیت الله خوانشاری در تهران رفته بودند، و در پاسخ ما در آن خانواده انقلابیون زندانی که خواستار اقدام فوری و جهت آزادی زندانیان سیاسی و با جلوگیری از اجرای احکام اعدام پیدادگاه های رژیم شاه دربار آنها شده بودند، گفته بود که آنها حق ندارند دست به چنین کاری بزنند! زنان قهرمان ما، از فعالیت و اقدام مبارزین و مجاهدین دفاع کرده و در توضیح خود در باره ضرورت مبارزه علیه ظلم و ستم، نمونه مبارزه "ما محسن" در مقابل خلیفه شمرگرا موی "بزد" را مثال میاورند. آیت الله خوانشاری بلافاصله به آنها میگوید: شما چرا همیشه از "ما محسن" مثال میاورید و صلح "ما محسن" شخصی نمی گوئید، او هم ما نبود و چرا شما راه او را الگو و سرمشق خود قرار نمی دهید؟

هرچند که میان آیت الله خمینی و خوانشاری به لحاظ موضع طبقاتی و در برخوردشان به رژیم شاه اختلافات فاحشی وجود داشت، اما آیت الله خمینی نیز بدلیل ماهیت طبقاتی و همانطور

- آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "مناقضانه و مصلحت اسلام" بداند و بطوریکه آنکه ظاهرا نسبت به سرزشت ما اظهار تلافی نمود و در همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روحانیت مرتجع باین دلیل که ما را مسرور نکند و ضربه خود قرار خواهند داد، برعکس قرار میدادند و حاضر نشدند از مجاهدین و بازندگان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورند.
- وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله از زندانیان سیاسی و مجاهدین را که امکان اعدام آنها وجود داشت، میپرسیدم، آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من درباره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود!

تضاد آشکارا در ادواین یکی دیگر از انتقادات موجود در مباحث فکری وایدبولوژیک آن روزها (و امروز مجاهدین) را تشکیل میداد، اما در مورد موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "نگاه مل" روشن است که آیت الله ما توجه به جهان بینی ایده آلیستی و مذهبی اش، به پیچیده با آنچه که مورد قبول ما بود، موافقت نداشت و مخالفت خود را آشکارا پس از مطالعه کتاب "ما محسن" اظهار داشت.

اختلاف بنیادین میان ما و آیت الله بر سر نگاه مل الزاماً به درکهای مختلف ما و او درباره مسائل دیگری از جمله معاد و قیامت نیز کشیده میشد، درک آیت الله در این زمینه نیز گسسته بود، آیت الله خمینی که بر اساس اعتقاد مذهبی وایدالیستی اش، به خلق انسان به بودن جهان و انسان با وراثت، بر همین پایه، به ناسودی ناگهانی جهان و انسان و سپس حیات مجدد تمام موجودات و از جمله انسان در یک لحظه که بنا به اراده "ذات با ربنا" میگرداند، معتقد داشت، لیکن ما که خواسته بودیم تحلیل خود را از نگاه مل و مساله قیامت برداشتن و اصولی علمی منطقی سازیم، از یک سو چرا ای جزئیده گرفتار مباحث و اصول مورد اعتقاد مذهب نداشتیم و از سوی دیگر بدلیل ایدئالیسم نهفته در تفکرو جهان بینی آنروزمان، اصول مورد اعتقاد مذهب را نظیر همین اصل معاد و قیامت و لویستکل پیچیده تر و انتقادی مورد قبول قرار میدادیم، مجاهدین بطوریکه میخواستند تحلیل خود را در زمینه نگاه مل (اعم از طبیعی و اجتماعی) در چارچوب

نوده های میلیونی خلق ما خواستار مصلح شدن و جنگیدن با دشمن بودند، سخن از برادری ارتش آمریکا شنیدیم، ما هم میگویند و از مصلح توده ها و مبارزه مسلحانه آنها با رژیم سرما به داری و بسته ها که سرما میزنند، از صلح "ما محسن" و تحلیل توجیه گریا به آن روزها از این مصلح نیز به سختی طرفداری نمیداد.

اشتباه نشود، ما کمونیست ها مخالف هرگونه مصلحی نیستیم، در شرایط ویژه ای، صلح با دشمن به صورت امری ضروری و اجتناب ناپذیر در میآید، اما میانه مصلح "بریک لینتوفک" میسران شوروی سوسیالیستی و آلمان امپریالیستی که توسط لنین کبیر صورت گرفت و همچنین امضای پیمان عدم تجاوز میان شوروی استالیانیستی و آلمان هیتلری در اوایل جنگ جهانی اول، از جمله این صلح ها هستند، اما این بمعنی مصالحه و سازش تاکتیکی و موقتی با دشمن است نه به معنی مصالحه و سازش استراتژیک و مصالحه معنی مصالحه و سازش تاکتیکی با دشمن، امری موقتی و مشروط است، درحالیکه مبارزه با دشمن، امری اساسی، دائم و غیر مشروط میباشد. کمونیست ها بزرگترین منافع را در صلح، اما نه مصلحی که دست فارتگران را برهنه زحمتکشان با زبگذازد، آنها طرفدار مصلحی هستند که برپایه حاکمیت کارگران و زحمتکشان و نابودی طبقات و ستم طبقاتی باشد.

پیکار: موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "نگاه مل" که در کتاب "ما محسن" مسرور تا شد و تا کید قرار گرفته، چگونه بود؟ رفیق روحانی: از جمله مسائلی که در ملاقات من و آیت الله مورد بحث قرار گرفت، همین مساله



که در کارشان موفق باشند! عکس العمل مسن روشن بود. من به همراهت به آیت الله گفتم که مردم ما و مجاهدین خواستار "دعا" نیستند، آنها عمل می‌خواهند و دعا کردن و صرفاً آرزوی موفقیت نمودن برای آنها دردی را دوا نمی‌کند.

من از آیت الله جدا شدم و حامل کوشش و ملاقات من و رفیق شراب تنها این بوده که اولاد در لابلای برخی از اعلامیه‌های خود حمایت محدودی از زندانیان ما و تحت عنوان کلی "جوانان مسلمان" بعمل آورد و تا آنجا برداخت بخشی از "جوهرات شرعی" را به عنوان دهنده زندانیان سیاسی مجازداشت، اما بدینست بداند که شراب بیست و آنروزها رژه چنان بود که مثلاً ما را از زبان هوادار مجاهدین بدون "اذن" آیت الله از ما بیست "جوهرات شرعی" خود همه‌ها خواهد زندانیان سیاسی و همه‌ها از ما حمایت می‌کردند. در سال ۵۴ همین آقای هاشمی رفسنجانی به رفیق شراب در دمشق گفته بود، وضع در داخل کشور طور نیست که حتی اگر آقای خمینی هم حرفی بزند ما مجاهدین آنرا ناسازگار ندانیم چرا که نمی‌توانست!

من در اینجا سخن خودم را با شما، علیرغم آنکه مطالب گفتنی بسیاری وجود داشت که من ناگزیر از تلخیص آنها بودم به پایان می‌برم و از رفیق شراب می‌خواهم تا درباره ملاقاتهای بعدی خود با آیت الله و مسائل دیگری که در اینجاست با آن قرار می‌گیرد با شما صحبت کند. پیر و پاشید! xalvat.com ادامه دارد.

میداشت، حاضر شد از مجاهدین و با زندانیان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد. عدم حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین در شرایطی بود که در ایران بسیاری از علما، و روحانیون و از جمله آیت الله طالقانی، منتظری و رفسنجانی و دیگران حمایت خود را از مجاهدین اعلام کرده و در این مورد نامه‌هایی به آیت الله نوشته بودند. آیت الله خمینی در توضیح عدم پشتیبانی خود از ما هر وقت شناخت بیشتر از ما را مطرح کرد و از ما خواست که از افراد ما سروده‌های و دیگران که مورد اعتقاد آیت الله باشند بخواهیم که در این مورد با زحمات ما برای او بنویسند و او را بپذیرد. همه اینک و وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و مجاهدین که امکان اعدام آنها وجود داشت، جواب دادم، آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من درباره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر می‌شود! من توضیح دادم که آقا مسئله اصلی، دفاع و حمایت از انقلاب و آرمان زندانیان سیاسی است و نه حمایت فردی از این و آن زندانی سیاسی که شما فکر می‌کنید اگر درباره آنها چیزی بگوئید، وضع آنها بدتر می‌شود. به علاوه وضع آنها چه در زندان و بیرون زندان‌ها هم این رژیم شاه را تقویت می‌کند که با حرف شما بدتر از آن نخواهد شد.

آیت الله خمینی پاسخ می‌داد که در برابر استدلالات من نداشت و نمی‌خواست هم‌داشته باشد و ما چاره‌ای نداشتیم و می‌باید در آخرین ملاقات‌ها روغن کرد و گفت: آقایان ما جورند و ما می‌دانیم

مضاحجه... اصول و مبانی علمی استوار کنند (حتی‌ما شرباً لبستی تفکر مجاهدین) اما ما در همان زمان این - چارچوب "علمی" را تحت تأثیر قطعی و تعیین کننده "اراده یا ریتما لی" قرار می‌دهند (چندین بار لبستی تفکر مجاهدین) که نتیجه‌اش کوچکترین بخشی از علمی بودن و اصولی بودن این تحلیل در چارچوب مورد نظر مجاهدین نیست و نه در میان ما.

پیکار: نتیجه ملاقات شما با آیت الله خمینی و پس از آن بحث‌های متوالی بحث و مذاکره و توضیح مواضع سازمان مجاهدین و ضرورت پشتیبانی آیت الله از مجاهدین و زندانیان سیاسی چه بود؟ آیا اینک خمینی هیچگونه پشتیبانی از مجاهدین و زندانیان سیاسی بعمل آورد؟

رفیق روحانی: همه تصور که قبلاً توضیح دادم، من قبل از هرگونه درخواستی از آیت الله به شرح مواضع ایندولوپیک - سیاسی سازمان مجاهدین و فعالیت‌های آن پرداختم و پس از توضیح این مسائل بود که ضرورت حمایت آیت الله را از زندانیان سیاسی و دادن اعلامیه‌ای در این زمینه خواستار شدم. آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "منافقان" و "طرفداران اسلام" بدانند و علیرغم آنکه ظاهراً نسبت به سرکشت ما اظهار علاقه می‌نمود و در همین رابطه ما را از آنجا دعوت می‌کرد و قاطع نسبت به روحانیون مرتجع نبود این دلیل که ما را مورد تکفیر و تخریب خود قرار می‌داد، سرکشت



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۸۴

پیکار

xalvat.com

سال دوم - دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۵۹ بهار ۳۰ روال

## در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است ۹ صفحه
- رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۲) ۲۳ صفحه
- نفرت از سران عرب توطئه ای علیه خلقهای عرب ۲۴ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف (قسمت آخر) ۱۵ صفحه
- تحریکات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان علیه سرمایه داری دولتی (۱) ۱۱ صفحه

## آمل: تهاجم گسترده ارتجاع به انقلاب و کشتار انقلابیون

بدینال سحرانی - آمل  
مردور و تحریک بوده های منوهم و  
سازماندهی با ندهای جدا دار و  
جا کوکس توسط او و روزنامه  
۱۱/۹/۵۹ و سایر مزدوران رژیم  
جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی  
شهر حمله کرده و من مر و خسارت  
انقلابیون، کتایب های موجود در  
شهر را به آتش کشیدند، سرگرد  
رحیمکش آمل و نیروهای انقلابی  
طبقه در صفحه ۲۱

## جنايات رژيم جمهوري اسلامي در روستاهای کردستان ياد آور جنايات اسرائيل در فلسطين و آمريکا در ويتنام است ۵ صفحه

## ليبراليسم: ايدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار! ۱۳ صفحه

## سرمقاله

## جنگ قدرت و سياست خارجی رژيم

دو هفته پیش در همین ستون از  
اوچکیری جنگ قدرت در ایران هات  
خاکه با شما سخن گفتیم و اشاره  
کردیم که این به معنی حادت  
بسیار نمادهای درونی رژیم  
و ناخوشی از شدت و افزایش بحران  
اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه  
به ویژه پس از جنگ ایران و عراق  
است. هم اکنون با بداهه کنیم  
که این روند همچنان با شدت بیشتر  
و در اشکال جدید تر و طبعاً ناآشنا  
که "میناق وحدت" نشان زادر سرکوب  
جستج شده ای و نیروهای انقلابی  
طبقه در صفحه ۲

## آوارگان جنگ و رژیم جمهوری اسلامی ۲۵ صفحه

## سخنان وزیر کار:

بیان خواستهای طبقه کارگر  
یا حزب خائن توده؟! ۳ صفحه

## امپریالیسم جنایتکار آمریکا و بودجه نظامی آن ۲۴ صفحه



۱۶ آذر، عید خون دانشجو گرامی باد ۷ صفحه

## یک ربع قرن از قیام با شکوه خلق قهرمان آذربایجان گزشت

## ۲۱ آذر

سالگرد یل پیروزی،  
سالگرد شکست  
۱۹ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت آخر)

بسیار بالا از رفیق تراب خواش میگویم درباره ادامه تماس با آیت الله خمینی پس از سال ۵۵ مطالبی را که لازم میدانم مطرح کنید رفیق تراب: درک موقعیت آیت الله خمینی در تبال مسائل مبارزاتی بوده های زحمتکش و تحت ستم ایران و شرح تماس ما با آیت الله خمینی بسیار بدکان سازمان مجاهدین در آن سالها به طرح مسائل ضروری متعددی نیاز داشت که در این مصاحبه (با توجه به صفحات محدود پیکار) نمی گنجد و باید آنرا به فرصتهای دیگری موکول نمود، برای مثال با بدو شرح داد که "جوز علمیه نجف" چگونه محیطی است و مجتهدین بزرگ آنجا حداقل در ۶۰ سال گذشته چه کسانی بوده اند و در خدمت چه طبقاتی؟ تا آنطور که امروز "تاریخ نویسان اسلامی" بدووغ اظهار میدارند روحانیت بزرگ شیعه برچمد آزادی و مبارزه با استعمار بود است؟ یا بهی برای نوده ها روشن کرد که مجتهدی بنام میرزا محمدنقی شیرازی که "رهبر انقلاب اسلامی عراق" (در ۱۹۲۰) لقب گرفته و آیت الله خمینی از او با تجلیل فراوان یاد میکنند (سخن را بنی میدرج در روزنامه های اول آذرماه ۵۹) چگونه ما می باید فراموش کنیم که عراق سرپرستی کاگبی، که از چهره های بازرسی استعمار بریتانیا در آنجا ورمیانه بوده، می نوشته است، با بدو روشن کرد که همین مجتهد مورد حمایت آیت الله خمینی، به سفیر آمریکا در تهران چه می نوشته و چگونه از عدالت گسترش آمریکا شان استناد میکرد و بالاخره چه روابطی بین او و شوق الدوله عاقل معروف فریاد انگیز ۱۹۱۹ (۱) و امثال او وجود داشته است؟

همچنین برای درک موقعیت آیت الله خمینی در نجف در آن سالها، باید برای کارگران و زحمتکشان روشن کرد که مثلا آیت الله سید محسن حکیم، ما حب فلیله و مورد حمایت فتوای الهیای عراق و دشمن سرخست کمونیستها و نیروهای مترقی که فتوای "الشوخیه کفر" (کمونیسم کفر است) را صادر کرد و کشتار عام کمونیستها در عراق را در خود توجیه نمود، چه کسی بوده و آیت الله خمینی نسبت به او چه نظری دارد، تا سرنخی در دست داشته باشیم برای حمایتی که هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی از فرزندان آیت الله حکیم میکند و او را در راس با مطلق "روحانیت مبارز" عراقی میبندد، درحالی که همین شخص اخیر (سید مهدی حکیم) از سردمداران حزب ارتجاعی "الدعوه" و مورد حمایت ساواک بوده است در سال

(۱) - روسیه تزاری و امپراطوری بریتانیا فرار دانی را به ایران تحمیل کرده اند که بر اساس آن ایران به سه منطقه نفوذ یعنی شمال برای روسیه، جنوب برای انگلیس و مرکز بعنوان منطقه به اصطلاح بی طرف تقسیم میشد. این قرارداد در سال ۱۹۱۹ به امضای شوق الدوله نخست وزیر سیدولی در مجلس تصویب شد. (پیکار)

۵۲ به ایران پناهنده شده و مورد حمایت شاه قرار گرفته است. و با یادید آیت الله خوشی که تا آخرین روزهای شاه را از حمایت میکرد و در سال ۵۷ از طرح "سنگار مبارزات در نجف" استقبال نمود چه کسی است و آیت الله خمینی درقبال خوشی و امثال ایشان آیت الله شاه هروی و... چه موضعی داشته و دارد؟

● آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت نکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی) آگاه کرد.

● در آن سالها آیت الله خمینی چنان نمود بود که تلوینها به برخی از طرفداران که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که نامه بنویسند و از زندان بیرون بیایند.

تنگر آیت الله خمینی در باره سرکوب خلق کرد توسط رژیم شاه در سالهای ۴۶ و ۴۷، کشتار کارگران جهان چیت ۱۳۵۰ دستگیریه و اعدام های آن سالها بخصوص از سبب هکل به بعد، کشتار خلق فلسطین در اردن (سپتامبر ۵۰)، جنایات امیرالاسلام آمریکا در ویتنام، لشکرکشی شاه به ظفار و کشتار خلق عمان و بسیاری از موارد مشابه دیگر، هیچ موضعگیری نداشت و این درحالی بود که نیروهای انقلابی ایران و نوده های که آگاه بودند برای هریک از مسائل فوق انسانی انقلابی قابل توجهی صرف کرده خود را با خطرات فراوان روبرو می نمودند و چه بسا با سرکشان تهر زندان می ماندند یا به جوش های آتش سپرده میشدند برای آنکه نمونه ای داده بشود از درکی که آیت الله خمینی در سال ۵۱ از زندان مبارزاتی در ایران داشت تا از به میگویم به اینکه وقتی انتقادات مبارزین جان برکف آن سالها خبری می شدند، برایش قابل باور نبود. مادامی که میباید شهید سید محسن را که خود او را قبل از آزادی کاغذ سیگار نوشته به خارج زندان ارسال کرده بود چاپ و منتشر نمودیم و توسط همین آقای دعاشی نسخه ای را برای آیت الله فرستادیم، آیت الله پس از خواندن گفته بود: "اینها در خارج از زندان نوشته اند" و وقتی به او گفته شده بود: "خیر، سید محسن خودش اینها را در سلول نوشته و به خارج از زندان فرستاده و اینهم نمونه دستخط اوست که در آخر کتاب کلیشه شده است، آیت الله با ما با وری گفته بود: اگر کسی این حرفها را برده باشد را خرد میکند" که به او جواب داد: "آقا! او را اعدام کرده اند!"

آیت الله خمینی در آن سالها نسبت به پیروزی بر شاه امیدوار نبود و ما را تصور کرد که در قسمت های قبلی مصاحبه آمده، آنرا بدون کمک

با بدیده که در برابر سادمانی و ریکتوای با مطلق بیت المال مسلمین که از یک سال و دو سال نوده های زحمتکش و تا آنجا جمع شده صورت "وجوهات شرعی" به صندوق هریک از مجتهدین نجف سرازیر میشد و صرف تکمیل رگی "آقا زاده ها" و نوده و نسله های مجتهدین بزرگ میگردد آیت الله خمینی چه موضعی داشته و دارد برای مثال اولاد نوده های مجتهدین "وفقیای عالمقام" - هر چند روحانی نبودند - از "مستعمری" مرتب ما ها به بر غوردا ریودند. در باره ریکت و پاش ها و قشادهای "آقا زاده ها" که معمولاً با مطلق "عقل منقول" پدرانشان هم هستند چه در نجف چه در قم و مشهد... افکار گریهای متعدد میتوان تهیه کرد که اینجا مجال طرح آنها نیست.

باری آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت نکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی) که در آن زمان داشتیم منع می نمود. (رجوع شود به قسمتهای قبلی مصاحبه - پیکار ۸۱) آیت الله خمینی، اگر دیروز سکوت میکرد ولی امروز که دیگر موقع گذشته را نمیتواند نادیده اندوخته عنوان یکی از سردمداران رژیم دوا آمده است که درست در مقابل خلق ایستاده است، از موضع سکوت پیشین با رافرا تر گذارده به خیانتها و جنایتهای معصین هم با اعماض می نگردد که نمونه اش را در "دادگاه و سزای روحانیت" (۲) میتوان دید.

(۲) - درباره "دادگاه و سزای روحانیت" که شعبش بین معص و غیر معص را به وضوح نشان میدهند رجوع کنید به فرمان آیت الله خمینی مورخه ۲۲/۲/۹۹ (پیکار)

نسبت به مولوی و سرخوردی که در همان سالهای ۴۲ نسبت به اهل سلطنت و اسکوت و در قبال جنایات شاه در قتلارو... در سالهای بعد است سی ارمیا ط است؟

در حاشیه این مباحثه جاذبات راجع به روایت آیت الله با گردانندگان انجمن اسلامی در اروپا و آمریکا نظیر مادی و طباطبائی و قطب زاده و بنی مدرود کثیری که کارشان بطور عمده اداره مخابرات و جاساسی بود که ربطی به مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه نداشت و نباید کمک مالی که آیت الله بدانان می نمود و جاسای محبتهای فراوان است.

ما طی این مباحثه به تحلیل مواقع آیت الله خمینی در سالهای تبعید و نقش واقعی که او در آن سالها داشته برده و خدا بپسندد اینها نیز به تکرار آنها نیست.

ما در این مباحثه کوشیدیم هر چند با ختمار کامل تمامی ارواقعات جنبش انقلابی سالهای گذشته را که از طرف شوروازی و خرده بورژوازی بقدرت رسیده شد؛ در محضر تحریف و مسخ قرار گرفته است، برای کارگران و زحمتکشان و شیرو... های انقلابی بازگو کنیم و نشان دهیم طبقات و اقشار ربهتایی که در دوره شاه، در زیر حاکمیت مطلق سیاسی و اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم قرار داشتند و به همین اعتبار برخی مواضع مبارزاتی (البته با پیگیری و درشتا سب با موقعیت طبقاتی نشان) را خود نشان میدادند، چگونه پس از سوار شدن بر موجی که انقلاب بوده... ها برای کشته بود، و غصب قدرت سیاسی، به صف ضد انقلاب پیوسته و هدست با امپریالیسم جهانی به سرکوب شیروهای کمونیستی و انقلابی میبردند. این واقعیتی است که در اسرار انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ما در مسیر پرتلاش خود با مبارزه علیه طبقات پادشاه و استعمار که طی خواهد گشت، این وظیفه سترگ کمونیستهاست که کسی میبایست حقایق را به توده ها بازگوید، آنها را در پرتو جهان بینی علمی خود با رکیسم لنینیم سمیح، با زاماندهی و رهبری کنند و با مبارزه با سوسیالیزم... ای نابینا که فارغ از هر گونه ستم طبقاتی و ملی است رهنمون شوند، کمونیستها برای تحقق این آرمان از هیچ گونه فداکاری دریغ ندارند و از هیچ چیز نمی هراسند، این حتمیت تاریخ است، پیشار: با تشکر از رفقا تراب حق شناس و حسین... روحانی که نظرات خودشان را پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف با ما در میان گذاشتند، به خوانندگان عزیز بویژه رفقای که به ما نامه نوشته و خواستار انتشار این مباحثه ها بمنور کتاب شده اند اطلاع میدهم که متن کامل این مباحثه را همراه با مباحثه با رفیق شراب پیرامون با ووه های شیخ محمد... منطری (مندرج در شماره های ۶۸ و ۶۹ و ۶۹ پیکار) در یک کتاب منتشر خواهیم کرد.

به سبب گذشته خود که تا آریا بیکری شد... او در مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم بودا کنگا نکرده، امپریالیسم قدرت خود به سرکوب کمونیستها و شیروهای انقلابی در داخل ایران سرانجام و با لطمه بسیار به ما حیت طبقاتی نمیتوانست هیچگونه حمایتی هم از انقلاب مسلحانه خلقی عیان بعمل آورد.

**● آیت الله خمینی حماسه تاریخی خلق ویتنام را در جد "جنگ بین امپریالیسم و شیرو" تصویر میکرد**  
**● آیت الله درباره لشکرکشی شاه به ظفار معتقد بود: "ماکه نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفار ربه کمونیست اند"**

هما منظور که قبلا گفته ام باستانی فتواشی که در سال ۴۲ راجع به کمک مالی به ما رسان... الفتح از طرف آیت الله خمینی داده اند، دیگر اعلامیه ای مستقل در حمایت از فلسطین از او سراغ نداریم اما اینکه در سال ۵۲ برای داران انقلابی فلسطینی از ما خواستند ترتیب ملاقاتها کسی از طرف آنها را با آیت الله بهیم نشانها مسم طرح مسئله جنوب لبنان، از او خواهند طبسی فتواشی حمایت شیعان لبنان از مقاومت فلسطین را مورد تاکید قرار دهد، در آن ملاقات که من هم معرف آنها بودم و هم کار ترجمه را به عهده داشتم این امکان حاصل شد که ضمن طرح مسائل سیاسی عربود به فقیه فلسطین بخصوص در لبنان آیت الله وعده نشان را اعلامیه ای در حمایت از فلسطینی ها را بدهد. آن اعلامیه با پیگیری بهشتیها داشت که من هنگام مقراشت پیش نویس آن کردم به امضای آیت الله رسید و منتشر شد. ربه هم رفته موضع آیت الله خمینی نسبت به مسائل سیاسی ایران و منطقه حالت منعطفی داشت بطوریکه تا سال ۵۲ او برای شیروهای انقلابی فلسطینی و غیره تقریبا نا شناخته بود. در مورد برخورد آیت الله با عمال سرسپرده رژیم شاه، یک نمونه را ذکر میکنم و آن اینکه طبی یکی از ملاقاتها که معمولا برای درخبرستان گذاشتن آیت الله نسبت به اخبار مبارزات سیاسی ایران داشتم، مطرح کردم که سرهنگ مولوی رئیس سابق واک شهران گویا کشته شده است. آیت الله با تعجب پرسید که "چرا او را کشته اند؟" من گفتم "لادچون در اسما واک بوده" گفت: "این درست نیست، او دیگر از اسما واک رفته و به ژاندارمری منتقل شده بود".

آیت الله از سرهنگ مولوی خاطره ای دانسته است و آن اینکه در سال ۴۲ وقتی آیت الله خمینی حدود دوماه در زندان گذراند یک روز مولوی نزد او میروند تا خبر آزادی آیت الله را به او بدهد و تا کید کند که "شاه شاه معتقدند که حرارت آیت الله عطا میاید مورد احترام باشند و از خنثی نشدن آیت الله راحت هستند" و آیت الله خمینی قبول میکند که ممکن است شد و روپاشی هم شده باشد اما اغما آیت الله

یک اوتی و دولت خارجی، ممکن نمی دانست تا بدینا غرضی نمندی بود که در اغلب اعلامیه ها و نامه های آیت الله در آن سالها عباراتی مانند اینکه "من روزهای آخر عمر خود را میی... گذرانم" و... دیده میشد، و بنیاد است که ضعف های جنبش انقلابی ایران و فقدان تشکیلات شیرومند انقلابی و کمونیستی، او را بر جنبشی نویدی سوار خواهد کرد تا بالاخره مردم، جمهوری اسلامی را هم تجربه کنند او به ما ربه عظیم بوده ها و انفعالاتی انقلابی زحمتکشان اعتماد نداشت و به همین دلیل هم هست که همواره از انقلاب نویدیهای زحمتکشان ایران که نظام شاهنشاهی را به زوال رساند تاریخ افکند نمیتوان معجزه ساز میگذاشتند و به ربه "دستی از غیب سرون آمده" و کاری کرده است. در آن سالها آیت الله خمینی چنان بودید که به نوبت به برخی از طرفدارانش که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند. (۴) و بدین ترتیب آثای لاجبوردی (دادستان دادگاه انقلاب)، عسکری ولادی (وکیل مجلس شور)، حاج مهدی عراقی (که بدست گروه فرغان ترور شد) و آیت الله انجاری (نماینده امام در زندان امری و وکیل مجلس شور) و آثای گروبی، همه در سال ۵۵ در تلویزیون، سیاسی شاهنشاهی آریا مهورا گفتند و آزاد شدند.

درک آیت الله خمینی در آن سالها اسیاره بین خلقهای تحت ستم از یک طرف و امپریالیستهای غارتگر و خونخوار و عوامل دست نشانده آن از طرف دیگر چنان بود که سردها دلانده و حمله آفرین خلق ویتنام را که بویژه امپریالیسم امریکایی را به خاک مالید بصورت دعوی آمریکا و شیرو... تصور میکرد. در دستگاه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی با رها از مبارزات خلق ویتنام و شیروزی عظیم آن تا ندیده است ولی هر سیر اینرا کشته اند که آیت الله خمینی در آن سالها که مدت خریان داشت کوچترین موقعیتی در حمایت از آنان نکرده هم چنین البته از سیر این کشته اند که آن شیروزی عظیم تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام عملی گشت.

همینطور در مورد لشکرکشی شاه به ظفار و سر... کوب خلق قهرمان عمان که جزئی از ایفاسای نفی بود که امپریالیسم نمیتوان ژاندارمری منطقه بعهده شاه گذاشته بود، آیت الله خمینی هیچ موضع مخالفی نکرده، بلکه سید مصطفی فرزند آیت الله از قول پدر نقل کرده بود که "ما نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفار ربه کمونیست اند" البته آیت الله خمینی

(۴) - چند سال زندان کشیدن این آقایان و امثالهم در استان مغللی از آزادی، تنگ نظری... های خرده بورژوازی و یاس دارد که در حاشای دیگری با بداهت کرد (پیکار)